

مقدمه

انتخابات ریاست جمهوری موقعیتی مهم برای سنجش میزان نهادینه شدن مردم‌سالاری در ایران اسلامی است. مردم به برکت فضای برآمده از انتخابات فرصت آن را می‌یابند تا کارنامه عالی‌ترین مقام اجرایی کشور را مورد ارزیابی نقادانه قرار دهند و بر مبنای آن و نیز برنامه‌هایی که وی و دیگر نامزدهای تصدی این مسئولیت ارائه می‌کنند، نامزد اصلح را انتخاب نمایند.

چنین فضایی بستری مناسب فراهم می‌آورد تا کلیه داوطلبان، از صاحب‌نظران و نخبگان کشور برای بررسی وضعیت موجود و روندهای آتی و نیز طراحی برنامه‌های مناسب برای بهبود سطح توسعه‌یافتگی کشور مدد بگیرند. شکل‌گیری این هسته‌های فکری و گفت و گوی بین متخصصان حوزه‌های مختلف که با ورود به فضای تبلیغاتی و کشیده شدن این مباحث به سطح رسانه‌ها، جدی‌تر می‌شود، صرف‌نظر از نتیجه انتخابات، به ارتقای دانش کاربردی به منظور شناخت اهم مسائل کشور و راه‌های حل و فصل آنها کمک شایانی می‌کند.

اینجانب نیز از زمانی که برای حضور در صحنه انتخابات مصمم شدم، دست یاری به سوی اساتید، صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه‌های مختلف مسائل اجتماعی دراز نمودم تا از نقطه‌نظرات آنان برای طی چنین فرآیندی استفاده نمایم.

خوشبختانه این دعوت با پاسخ مثبت جمع کثیری (۲۳۶ نفر) از نخبگان کشور مواجه شد که در قالب ۱۷ کمیته تخصصی توسط کمیته برنامه‌ریزی ستاد انتخاباتی اینجانب سازماندهی شدند تا در دو گام متوالی، ابتدا به شناخت وضع موجود و طراحی راهبردها و سیاست‌ها در حوزه‌های مختلف مسائل کشور بپردازند، سپس بر مبنای آن، برنامه‌ای عملیاتی تدوین کنند.

با پایان یافتن گام نخست، این فرصت نیز فراهم آمد تا نتایج کار کمیته‌های تخصصی برای گروه وسیعی از اساتید دانشگاه ارسال و از نظرات اصلاحی و پیشنهادی آنان بهره‌گیری شود.

مجموعه حاضر حاصل این تلاش گسترده برای استفاده از خرد جمعی به منظور تدوین برنامه‌ای است که بخش عمده آن پیش از این از طریق جراید و دیگر رسانه‌ها به آگاهی عموم رسیده است و امروز بدین صورت به محضر هموطنانمان عرضه می‌گردد. برنامه‌ای که به پشتوانه انبوهی از سرمایه انسانی کشور که در تهیه آن مشارکت داشته‌اند مرا به این باور رسانده که می‌تواند آینده بهتری را برای خانواده‌های ایرانی رقم زند.

امیدوارم با نقطه‌نظرات آحاد جامعه در خصوص نکات مندرج در این برنامه و نیز ایده‌های مقیدی که به برکت چنین فضایی از دیگر نامزدهای انتخاباتی دریافت می‌نمایم بتوانم آن را اصلاح و تکمیل کنم و در صورت انتخاب شدن از جانب اکثریت مردم عزیز ایران آن را مبنای عمل قرار دهم.

میرحسین موسوی

فهرست مطالب

- رئوس برنامه اقتصادی
- برنامه ارتقای رفاه اجتماعی
- برنامه سیاست داخلی
- برنامه سیاست خارجی
- برنامه حوزه فرهنگ و هنر
- برنامه حوزه اجتماعی
- برنامه امور جوانان
- برنامه امور زنان
- برنامه توسعه روستاها
- برنامه تحول در نظام مدیریت
- برنامه تحول در صنعت حمل و نقل
- برنامه حفاظت از محیط زیست
- برنامه تحول در آموزش و پرورش
- برنامه تحول در آموزش عالی
- برنامه ارتقای سلامت
- برنامه حمایت از واحدهای تولیدی در شرف ورشکستگی
- برنامه آینده بهتر خانواده‌ها در سکونتگاه‌های غیررسمی
- برنامه حمایت از حقوق معلولان

ضمایم

- برنامه‌های تفصیلی اقتصادی
- منشور حقوق بشر و حقوق شهروندی
- بیانیه اقوام و اقلیت‌ها

رئوس برنامه‌های اقتصادی

نسیم باد صبا دوشم آگهی آورد

که روز محنت و غم رو به کوتاهی آورد

انتخابات، ایام امید و فرصتی برای تصحیح مسیر است، مردم همه به امید آینده‌ای بهتر برای خود و فرزندان‌شان پای صندوق‌های رأی می‌روند .

در این ایام نامزدها و حامیان آنها باید به زبانی ساده به مردم بگویند که برای حل مشکلات آنها چه راه حلی دارند و تفاوت راه‌حل آنها با برنامه‌های پیشین و برنامه‌ی سایر نامزدها چیست. برنامه‌ی اقتصادی پیوست همانند همه‌ی برنامه‌ها در اصل بناچار متنی فنی دارد و این مقدمه‌ی کوتاه می‌خواهد خلاصه‌ای از آن را به زبانی ساده‌تر بیان کند .

از دیدگاه این برنامه، اصل اول و کلید حل مشکلات اقتصادی ایران اصلاح قوه مجریه و باز تعریف دولت است. در این برنامه، بجای احاله‌ی امور به آنچه از اختیار رئیس قوه مجریه بیرون است، نقطه‌ی شروع تحول در خود قوه مجریه و اصلاح نظام اداری آن دیده شده است. این برنامه معتقد است که با تحول در قوه مجریه یکی از گلوگاه‌های اصلی اقتصاد ایران گشوده می‌شود. وضعیت کنونی قوه مجریه و نظام اداری ایران تأثیر تمامی سیاست‌ها را بسیار محدود ساخته است .

می‌توان فهرست بلندی از کاستی‌های قوه مجریه و نظام اداری ارائه داد، که مهمترین آنها عبارتند از :

- قانون‌گریزی
- شفافیت ناکافی
- تمرکز بیش از اندازه
- بی انضباطی مالی
- کمبود کارآیی

تنها در مورد یکی از این کاستی‌ها، یعنی عدم شفافیت کافی می‌توان نشان داد که. قانون نظام اداری ایران پنهان‌کاری‌های فراوانی دارد. در حال حاضر، بسیاری از معاملات دولتی که ارزش آنها نزدیک به ۳۰ درصد تولید داخلی است، غیرشفاف صورت می‌گیرد، با دولت الکترونیک می‌توان خریدهای دولتی را شفاف و از فسادهای احتمالی جلوگیری کرد .

اقتصاد ایران بر دوش نفت بنا شده است و در صنعت نفت نبود شفافیت بیش از سایر بخش‌ها زیان‌بخش است. قراردادهای نفتی به مجلس نمی‌آیند و نمایندگان مردم از آنها بی‌اطلاعند. شفافیت در قراردادهای نفتی، جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی را آسان می‌سازد و می‌تواند از ائتلاف منابع بسیار هنگفت در بخش نفت و خالی شدن مخازن مشترک ایران به نفع همسایگان جلوگیری کند .

هر چند اصلاح قوه مجریه آرمان تازه‌ای نیست اما تاکنون اصول صحیحی برای این اقدام حیاتی برگزیده نشده است. برخی با این توهم که می‌توان با خودکامگی و سرکوب نهادهای کارشناسی و تجمیع قدرت در دست مدیران ارشد مشکلات قوه مجریه را حل نمود، دست به اقداماتی زده‌اند که آثار تخریبی آنها روز به

روز بیشتر آشکار می شود.. برخی دیگر نیز تنها راه حل را در کوچک سازی دولت می بینند . اما دیدگاه خودکامگی، نادرست و ویرانگر و دیدگاه کوچک سازی، ناکافی و بدون ارائه جایگزین ها، بحران ساز است. علاوه بر کوچک سازی باید از اصول حاکمیت قانون، عدالت، شفافیت، تمرکززدایی، مشارکت پذیری و احیای نظام کارشناسی برای اصلاح قوه مجریه در ایران یاری گرفت. برنامه باز تعریف دولت و قوه مجریه به صورت مستقلی ارائه شده است .

اصل دوم در برنامه دولت امید، تحول در جایگاه بخش خصوصی و ارتقای آن در نظام تصمیم گیری کشور است. تشکل های مدنی از جمله اتحادیه های کارگری و کارفرمایی باید همکار و شریک دولت شوند. در شرایط کنونی بخش خصوصی جایگاه چندانی در سیاست گذاری و برنامه ریزی اقتصادی در ایران ندارد. دولت بدون مشارکت بخش خصوصی مقررات را وضع و برنامه های اقتصادی را تدوین می کند و بخش خصوصی غایب بزرگ در صحنه تصمیم گیری اقتصادی کشور است. در چنین نظامی است که دولت و کارشناسان آن از دانش و تجارب بخش خصوصی بی بهره می مانند. این الگو باید در ایران متحول شود و دولت باید فضا را برای حضور بخش خصوصی باز نماید. بخش خصوصی نیز باید خود را برای حضور فعال تر در ساختار تصمیم گیری کشور آماده ساخته و برای ایفای این نقش، منافع بلند مدت کشور را مد نظر خود قرار داده و بداند که منافع اش در گرو ایران توسعه یافته است. همچنین باید منافع کوتاه مدت خود را در راستای تحقق این آرمان، یعنی ایران توسعه یافته جستجو نماید. بخشی نگری و نگرش کوتاه مدت در بخش خصوصی محل این مسئولیت و نقش جدید است .

ارتقای حضور بخش خصوصی اصل مهمی است که باید در همه بخش های کشور حاکم گردد. این اصل فرابخشی به دگرگونی ساختار تصمیم گیری کشور منجر خواهد شد. حضور بخش خصوصی ضامن استمرار بیشتر سیاست های اتخاذ شده است. اگر در کشورهای دیگر شاهد آن هستیم که با تغییر دولت، سیاست های محوری دگرگون نمی شوند به این دلیل است که اولاً آن سیاست ها با مشارکت بخش خصوصی تدوین شده اند و ثانیاً بخش خصوصی به عنوان یک نیروی اجتماعی از سیاست های مصوب دفاع می کند .

اصل سوم تقویت بنیادهای اخلاقی و حفظ تعادل های اجتماعی است. امروزه بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که پیگیری منافع شخصی در چارچوب اصول اخلاقی می تواند به حداکثر شدن منافع جمعی منجر شود. نفع شخصی خارج از اصول اخلاقی افراد را به فرصت طلبی سوق می دهد. اگر پیرامون خود شاهد سوءاستفاده از اموال عمومی، رشوه خواری، اختلاس و ... هستیم همگی نشان از تضعیف بنیادهای اخلاقی دارد .

در دولت ها از چند طریق بنیادهای اخلاقی سست می شود. نخست آنکه دولت از فساد در حکومت پیشگیری نکند و با رفتارهای غیرقانونی و غیراخلاقی مجوز تجاوز به حریم عمومی و اخلاقی را صادر نماید. دوم آن که، با محروم شدن بخشی از جامعه از مواهب رشد اقتصادی، به روح جمعی و تعلق خاطر همگانی آسیب وارد شود. از افرادی که احساس کنند سیاست گذاران به آنها اعتنایی ندارند و به نوعی به حاشیه رانده شده اند نباید انتظار رفتارهای اخلاقی داشت، سوم آنکه، الگوهایی از پیش تعیین شده بر جامعه تحمیل شود و سنت های موجود ویران گردد. تحمیل الگوها بدون نقد و گفتگوی عمومی و بدون پذیرش اکثریت جامعه، کشور را دچار اختلال فرهنگی و عدم تعادل در رفتارها می سازد .

حفظ و تقویت بنیادهای اخلاقی جامعه یک اصل اساسی است که باید در همه سیاست‌های اقتصادی آن را رعایت نمود. این اصل تحت عنوان پایداری تعادل‌های اجتماعی در فصول مختلف برنامه آمده و مصادیق آن نشان داده شده است. حفظ و استحکام تعادل‌های اجتماعی، اصل حاکم بر همه سیاست‌های اقتصادی خواهد بود. برای حفظ تعادل‌های اجتماعی باید در جهت کاهش رویه‌هایی که به بی عدالتی دامن می‌زنند و موجب گسترش فقر می‌گردند تلاش نمود. متأسفانه اشکال مختلف فقر در جامعه ایران به صورت گسترده‌ای مشاهده می‌شود. بسیاری از مردم از داشتن نیازهای اولیه محروم هستند. امید می‌رود با تحول در صنعت نفت کشور و مدیریت هزینه‌های دولت منابع لازم برای فقرزدایی در ایران تامین شود. دولت براساس اصول قانون اساسی، خود را موظف به تأمین نیازهای آحاد جامعه ایران می‌داند. با توجه به ابعاد گوناگون فقر، در این برنامه، به دلایلی که گفته خواهد شد، کاهش مشکل مسکن و اجرای اصل سی و یکم قانون اساسی و نیز مهار تورم، اصلی‌ترین سیاست‌های دولت در زمینه فقرزدایی خواهد بود .

اعتقاد ما بر این است که اجرای سه اصل فوق به تحول اساسی در همه بخش‌های اقتصادی ایران منجر می‌شود و بدون اجرای این سه اصل سیاست‌هایی مانند جذب سرمایه خارجی، خصوصی‌سازی و اصلاح قیمت‌ها به درستی اجرا نمی‌شود و یا در صورت اجرا، بر مشکلات اقتصادی ایران می‌افزاید .

علاوه بر تدوین برنامه عملیاتی برای اجرای سه اصل فوق، هفت برنامه مستقل برای خروج از رکود و بهبود توزیع درآمد، و افزایش اشتغال ارائه شده است. این برنامه‌ها عبارتند از :

۱- برنامه از میان برداشتن فقر مسکن و اجرای اصل سی و یکم قانون اساسی

۲- طرح تبدیل صنعت نفت به موتور محرکه اقتصاد کشور

۳- برنامه بهبود فضای کسب و کار

۴- برنامه دولت الکترونیک به منزله ابزاری برای تحقق عدالت، آزادی و افزایش کارایی

۵- برنامه جلوگیری از اتلاف منابع عمومی با اصلاح نظام بودجه ریزی

۶- برنامه اصلاح الگوی مصرف انرژی

۷- برنامه مقابله با تورم

برنامه از میان برداشتن فقر مسکن و اجرای اصل سی و یکم قانون اساسی

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به خصوص روستا نشینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. (اصل سی و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

حذف همه اشکال فقر از حقوق مصرح مردم در قانون اساسی است. دولت باید با توجه به محدودیت‌های مختلف در جهت تأمین نیازهای اساسی مردم و با هدف اجرای کامل قانون اساسی برنامه‌ریزی نماید . با توجه به ابعاد فقر و ریشه‌های شکل‌گیری آن، بخش مسکن در برنامه اقتصادی "دولت امید" به عنوان اولویت نخست تأمین نیازهای اساسی مردم و خروج از رکود کنونی برگزیده شد .

بهای متوسط یک مسکن متعارف در شهرهای بزرگ ایران به بیش از ۱۰ برابر درآمد متوسط یک خانوار شهری رسیده در صورتی که حد متوسط آن در جهان ۵ برابر درآمد سالانه است. سنگینی بار هزینه مسکن باعث بالا رفتن شدت و مدت کار سرپرستان خانوار از یک سو و کاهش سایر هزینه‌های ضروری، از جمله اضطراب در کاهش دادن هزینه‌های خوراک و پوشاک و ... است. در بسیاری از کشورهای جهان افراد با ذخیره کردن حداکثر ۳۰ درصد از درآمد ماهانه خود و ظرف ۱۰ تا ۱۵ سال می‌توانند صاحب خانه شوند. "دولت امید" قصد دارد با بسیج نیروهای سازمانی و مالی خود گام بلندی در حل مشکل مسکن بردارد. تحول در بخش مسکن نه تنها برای کاهش فقر و تأمین یکی از نیازهای اساسی مردم باید مورد توجه قرار گیرد بلکه در شرایط رکود کنونی این ضرورت مضاعف شده است. در شرایط کنونی که قیمت نفت کاهش یافته است ارزیابی اندک از مزیت‌های بزرگ این بخش محسوب می‌شود. در برنامه کنونی، سیاست‌های مؤثری برای تحول در بخش مسکن دیده شده است. اهم این سیاست‌ها عبارتند از :

- تأمین مسکن کارگران، فرهنگیان و کارمندان دولت
- اختصاص مالیات بر مستغلات و املاک برای نوسازی شهرها
- تصحیح در مسیر طرح مسکن مهر و اجرای صحیح آن تا رسیدن به نتیجه
- استفاده از ظرفیت خالی شهرهای جدید
- ارتقاء شرایط زیستی در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی به همراه اتخاذ سیاست‌های مناسب برای جلوگیری از رشد این مناطق
- ایجاد صندوق اعتباری برای تأمین یا به‌سازی مسکن
- کارآمد سازی نظام تأمین مالی مسکن و رشد ابزارهای مالی
- سیاست‌های با ثبات اقتصاد کلان و هم پیوند با رشد پایدار بخش مسکن
- ایجاد ثبات در جریان تولید مسکن

طرح تبدیل صنعت نفت به موتور محرکه اقتصاد کشور

ایران با در اختیار داشتن بیش از ۱۰۰ میدان هیدروکربوری، حدود ۱۷ درصد از ذخایر گاز و بیش از ده درصد از ذخایر نفت جهان از جایگاه ممتازی برخوردار است که مزیت اقتصادی ویژه‌ای را برای کشور فراهم می‌آورد. ما نتوانسته‌ایم تاکنون به خوبی از این مزیت استفاده کنیم. صنعت نفت که یکصد سال از عمر آن می‌گذرد هنوز نتوانسته است با پیکره اقتصاد ملی تعامل و ارتباط لازم را برقرار کند. ده‌ها میلیارد دلار در صنعت نفت سرمایه‌گذاری شده و ده‌ها میلیارد دلار دیگر نیز باید در دهه‌های آتی سرمایه‌گذاری شود. آیا چنین موقعیتی ایجاد نمی‌کند و نمی‌کند که به نوعی همه بخش‌های صنعتی و اقتصادی کشور حول صنایع نفت توسعه یابند؟ کشورهایی که سابقه‌ای بسیار کمتر از ما در این صنعت دارند با استفاده از مزیت داخلی خود اینک به صادرکننده کالاها و خدمات آن تبدیل شده‌اند، این در حالی است که ما همچنان نیازمند آن‌ها

هستیم. آیا زمانی که یک پروژه بزرگ هیدروکربوری تعریف می‌شود، این پروژه برای کالاها و خدمات دیگر صنایع و بخش‌های مختلف داخلی تقاضای بیشتری ایجاد می‌کند یا برای شرکت‌های خارجی؟ رسالت ایجاد تعامل میان بخش‌های مختلف صنعتی و اقتصادی، تنها وظیفه صنعت نفت نیست، بلکه فراتر از آن و در حوزه وظایف دولت است. صنعت نفت ایران از ابتدا در تعامل با اقتصاد و صنعت و بخش خدمات کشور توسعه نیافته است. نفت باید در پیوند با فرایند توسعه ملی درآید. اگر جهت‌گیری همه بخش‌ها و نظام آموزشی کشور قبل از هر چیز در مسیر تأمین نیازهای صنعت نفت قرار گیرد، سرمایه‌گذاری در این صنعت تقاضای گسترده‌ای را برای بخش‌های مختلف کشور و نیز اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و نیروی کار، ایجاد خواهد کرد و به این صورت مردم جنبه مثبت و مولد نفت را در زندگی خود حس خواهند کرد. تحقق این هدف، مشارکت همگانی و ملی را در جهت تبدیل این مزیت نسبی به مزیتی رقابتی در سطح جهانی می‌طلبد و دولت از این همکاری عمومی در این زمینه حمایت خواهد کرد. نفت باید نه از طریق رانت افزایش دهنده مصرف بلکه از طریق ایجاد اشتغال و فرصت‌های تأسیس بنگاه و تحریک تولید، در زندگی مردم اثر کند و باید شرایطی را هدف گرفت که صادرات دانش، کالا و خدمات مربوط به صنایع نفت، جایگزین صادرات نفت خام شود، تولیدات و خدماتی که هم از بازار بزرگ داخلی و هم از بازار گسترده جهانی برخوردار هستند و بیشترین مزیت را برای توسعه دارند. برای وارد شدن کشور به تمام زنجیره ارزش نفت و گاز اقدامات زیر انجام خواهد شد :

- تدوین برنامه جامع و بلند مدت توسعه ذخایر نفت و گاز کشور و صنعت نفت
- گسترش زنجیره ارزش و تأمین حلقه‌های مفقوده آن
- تطبیق توانایی‌های داخلی با زنجیره ارزش و نیازهای صنعت نفت
- رفع تبعیض میان عرضه کنندگان داخلی و خارجی خدمات و تجهیزات صنعت نفت
- صدور کالا و خدمات در بخش نفت
- ثبات و تداوم در سیاست‌ها و بهبود فضای کسب و کار در صنعت نفت و صنایع مرتبط

برنامه بهبود محیط کسب و کار

بهبود محیط کسب و کار در جهان امروز، شناخته‌ترین سیاست برای رفع مشکل بیکاری و فقر است. در برنامه اقتصادی "دولت امید" نیز بهبود محیط کسب و کار کشور به عنوان یک راهبرد اساسی در حل مشکلات اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. مهمترین اجزای محیط کسب و کار که بر صاحبان حرف و صنایع هزینه تحمیل می‌کند عبارتند از :

- محیط سیاسی پر تنش در عرصه داخلی و خارجی
- تحریم‌های یکجانبه و چند جانبه مالی و اقتصادی بین‌المللی
- عدم ثبات در اقتصاد کلان (شامل بی ثباتی سیاست‌های پولی، مالی و تجاری)
- پایبند نبودن دولت‌های به وعده‌های خود در قبال بخش خصوصی

- وجود قوانین، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های همپوشان و متعارض
 - تصمیم‌گیری‌های خلق الساعه و غیرکارشناسی که برنامه‌ریزی را غیر ممکن می‌سازد
 - بازارهای مالی توسعه نیافته و دشواری تأمین مالی پروژه‌ها
- مطالعات تجربی نشان می‌دهد که هزینه‌های محیطی می‌تواند ۲۰ تا ۳۰ درصد از هزینه‌های تولید را افزایش دهد. از همین رو بزرگترین خدمت دولت به صاحبان کسب و کار و در واقع آحاد ملت ایران، کاهش هزینه‌های محیطی از طریق تحول اساسی در محیط کسب و کار است .

اهم سیاست‌های "دولت امید" برای بهبود فضای کسب و کار عبارتند از :

تهیه برنامه بهبود محیط کسب و کار توسط بخش خصوصی

از آنجا که تشکل‌ها (اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و اصناف) از بازیگران اصلی در عرصه اقتصاد هستند و می‌توانند در بهبود محیط کسب و کار نقشی تعیین کننده ایفا کنند باید مشکلات خود را دسته بندی نموده و برای بهبود محیط کسب و کار برنامه‌های مشخصی داشته باشند و از دولت خواهان اجرای برنامه بهبود شوند. البته در این میان گوش شنوا در بخش دولتی و استقبال از پیشنهادات بخش خصوصی شرطی لازم است .

- استقلال تشکل‌های صنفی مانند اتاق صنایع، معادن و بازرگانی از دولت

اگر بخواهیم بخش خصوصی نقشی مؤثر در بهبود محیط کسب و کار و ایجاد فضای مساعد کارآفرینی ایفا نماید باید استقلال آنها تأمین شود .

- وفاداری دولت به تعهدات خود

وفاداری علاوه بر اینکه وظیفه‌ای اخلاقی است و دولت ایران باید رسالت خود را در رشد اخلاق اسلامی بداند با توجه به سوگند رئیس جمهور اصلی تعهدآور برای دولت و نظام است. دولت باید بجد از هرگونه خلف وعده با مردم پرهیز نماید .

- اندازه گیری زمان و مراحل انجام امور اداری

لازمه بهبود محیط کسب و کار جمع‌آوری و دسته‌بندی اطلاعات در مورد کیفیت و هزینه خدمات دولتی است با تأسیس یک مرکز سنجش می‌توان کیفیت زمان و مراحل انجام امور اداری را در ایران اندازه‌گیری نمود .

- انضباط مالی در بودجه‌های دولت و به ویژه بودجه‌های عمرانی دولت

بی نظمی مالی، رفتار دولت را غیر قابل پیش‌بینی می‌سازد. این بی‌نظمی موجب عدم ایفای تعهدات دولت به بخش خصوصی و تزلزل بخش خصوصی در ورود فعالانه به عرصه اقتصاد می‌شود ..

- رتبه‌بندی نهادها و سازمان‌های خدمت رسان

باید با تکیه بر اطلاعات حاصل از سنجش محیط کسب و کار، نهادها و سازمان‌های مشابه را در سطح کشور بر حسب کارآیی کیفی و هزینه‌ای رتبه بندی نمود .

- رفع تبعیض میان بخش خصوصی و بخش دولتی

از جمله مهمترین اقدامات در شرایط کنونی رفع تبعیض میان این دو بخش است .

- حمایت از پیوند شرکت‌های بزرگ و کوچک

- استفاده از دولت الکترونیک برای روان‌سازی نظام اداری

برنامه دولت الکترونیک ابزاری برای تحقق عدالت، آزادی و افزایش کارایی

در جهان کنونی شاهد تحولی عظیم بنام انقلاب انفورماتیک هستیم که اطلاعات یعنی گران‌سنگ‌ترین سرمایه ملل، از انحصار وابستگان به قدرت خارج و به طور برابر در اختیار همگان قرار گرفته است. پس از پایان جنگ تحمیلی و در دو مقطع سال‌های نخست دهه ۷۰ هفتاد و سپس در ابتدای دهه ۸۰ هشتاد خیزشی برای بکارگیری این فناوری در کشور ما ایجاد شد که خیزش اول به دلیل اتکاء بیش از حد به شرکت‌های دولتی و عدم توجه به بخش خصوصی و خیزش دوم نیز با روی کارآمدن دولت نهم ابتر ماند. تجربیات جهانی نشان داده است که اکسیر توسعه عموم کشورهای جهان نظیر مالزی، هند و کره، فناوری اطلاعات و ارتباطات بوده است و ما اطمینان داریم جمهوری اسلامی ایران با توانمندی‌های انسانی و سرمایه‌های اجتماعی- فرهنگی و دینی بی‌نظیر خود می‌تواند طرحی نو از کارآمدی و رشد را در جهان با استفاده از این سرمایه‌ها و فناوری اطلاعات ترسیم کند.

بدون جریان آزاد اطلاعات و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات موارد زیر بی‌معنی و شعارهای غیرعملی خواهد بود:

- سخن گفتن از آزادی بیان بدون توجه به گسترش زیرساخت‌های ارتباطی و گسترش دسترسی همه‌جانبه مردم به اطلاعات
 - مبارزه با فساد مالی و ایجاد شفافیت در فعالیت‌های دولتی بدون برخورداری از نظام اداری کارآمدو چابک مبتنی بر فناوری روز
 - کاهش ترافیک و سفرهای غیرضروری، آلودگی هوا در شهرها و تصادفات جاده‌ای
 - افزایش بهره‌وری در صنعت و کشاورزی و خدمات،
- چگونه می‌توان از اعتماد مردم به کارکرد نهادهای حکومت سخن گفت در حالی که میلیون‌ها پرونده در بخش‌های مختلف اداری و اجرایی مفتوح بوده و مردم اسیر بوروکراسی و رفت و آمد آزاردهنده بین ادارات برای حل مشکلات خود هستند ولی در بسیاری از کشورها سال‌هاست با استفاده از فناوری اطلاعات این‌گونه معضلات به حداقل خود رسیده‌اند؟
- اقتصاد سیاسی ایران، اقتصادی رانتی است که استفاده از فناوری اطلاعات و بکارگیری کارکردهای متنوع آن می‌تواند در شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد اقتصاد عادلانه کمک شایانی بنماید.
- دولت دهم تمام اهتمام خود را بکار خواهد برد تا عقب‌ماندگی‌های ساختاری کشور را با بهره‌گیری از امکانات علمی- فنی کشور، توانمندی‌های شرکت‌های بخش خصوصی و جوانان و نخبگان فعال حوزه فناوری اطلاعات جبران کند.

از این منظر رئیس برنامه‌های زیر برای نیل به اهداف عالی انقلاب و کشور مدنظر است:

- ۱- توجه ویژه به محوریت فناوری اطلاعات در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

به منظور ارتقاء بهره‌وری و رشد اقتصادی و ابزار توسعه

- ۲- توسعه بسترهای دسترسی به ارتباطات و اینترنت از طریق
- ۱- فراهم نمودن امکان دسترسی رایگان آحاد مردم به اینترنت از طریق خطوط تلفن در سراسر کشور
- ۲- ارائه خدمات اینترنت پرسرعت برای کلیه کاربران اعم از خانگی و غیرخانگی
- ۳- عملی نمودن آرمان تکریم ارباب رجوع و کرامت انسانی شهروندان با حمایت همه جانبه از عرضه خدمات اداری، تجاری، بانکی و اجتماعی در محیط اینترنت
- ۴- تغییر رویکرد به مقوله فیلترینگ در اینترنت به منظور تأمین آزادی بیان و حفظ حریم شخصی افراد و ملاحظات فرهنگی و اجتماعی، بارور ساختن نوآوری جوانان و نخبگان و به ویژه توسعه شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های مجازی و نهضت وبلاگ‌نویسی که نقش مهمی در افزایش سهم خط فارسی و تولید نوآوری در محیط سایبر داشته است .
- ۵- فراهم نمودن فرصت برابر برای آحاد مردم در دسترسی و استفاده از اطلاعات و داده‌های موجود در بخش‌های مختلف دولت از طریق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی که به مثابه یک ثروت ملی است .
- ۶- توسعه اشتغال دانش محور از طریق حمایت از تبدیل فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سنتی به فعالیت‌های فناورانه
- ۷- زنده نگه داشتن زبان و فرهنگ فارسی از طریق کمک به اشاعه آن در محیط دیجیتال
- ۸- استفاده از دانش و تجربیات جهانی با توسعه روابط بین الملل و همچنین جلب مشارکت نخبگان ایرانی خارج از کشور .
- ۹- تقویت نهادها و بنیان علمی-پژوهشی کشور و ارتقاء صنعت فناوری اطلاعات ایران در عرصه رقابت جهانی .

برنامه جلوگیری از اتلاف منابع عمومی با اصلاح نظام بودجه ریزی

- نظام معیوب بودجه‌ریزی یکی از عوامل اتلاف منابع گسترده در اقتصاد ایران است. برای مهار فساد، افزایش اثر بخشی بودجه دولت و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی، باید نظام بودجه ریزی اصلاح شود. نگاهی اجمالی به برخی از شاخص‌ها می‌تواند گوشه‌ای از معایب نظام بودجه‌ریزی ایران را روشن سازد :
- بودجه عمومی کشور در طی یک دهه (۱۳۸۸ - ۱۳۷۷) بیش از ۱۰ برابر شده است، بدون اینکه تغییر محسوسی در میزان و کیفیت خدمت دولت به شهروندان ایجاد شده باشد .
 - میزان استفاده از درآمدهای نفتی طی بودجه‌های سنواتی از حدود ۱۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۴۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۸ رسیده است بدون اینکه تغییر محسوسی در نرخ بیکاری ایجاد شده باشد .

- سالانه به‌طور میانگین حدود یک سوم از اعتبارات بودجه در ردیف‌های متفرقه (یعنی بدون برنامه از پیش تعیین شده) هزینه می‌شود .
 - طرح‌های عقب افتاده در طول ۸۷-۱۳۸۱ (طبق برآوردهای بودجه‌های سنواتی) ۷۹۷۳۵ میلیارد ریال هزینه به بودجه عمومی تحمیل کرده است، معادل ۴۳ کل اعتبارات تخصیص یافته به طرح‌های عمرانی در سال ۱۳۸۷ و تقریباً معادل کل اعتبارات طرح‌های ملی سال ۱۳۸۴ است .
 - سالانه به‌طور میانگین ۵۶ درصد طرح‌های عمرانی در طول سالهای ۸۷-۱۳۸۱ به موقع به بهره‌برداری نمی‌رسند .
 - سرمایه راکد در طرح‌های عمرانی ملی (جدای از طرح‌های استانی) در حال حاضر ۴۹۷ هزار میلیارد ریال است .
 - بطور متوسط سالانه تنها ۷۴ درصد از اعتبارات طرح‌ها عمرانی در طول دوره ۸۷-۱۳۷۶ جذب شده اند. یعنی سالانه حدود یک چهارم عملیات این طرح‌ها، به عملیات سال‌های بعد افزوده می‌شود .
 - جایگاه طرح‌های عمرانی دستگاه‌ها در فرایند رسیدن به اهداف دستگاه‌های اجرایی مشخص نیست .
- در ابتدای دولت نهم، بحث اصلاح نظام بودجه ریزی از جمله تحقق بودجه‌ریزی عملیاتی با جار و جنجال فراوان مطرح گردید. اما به جای اجرای صحیح آن، به طرح شتاب زده و شعار گونه آن بسنده شد و با تعویض مکرر مدیران سازمان مدیریت و نیز انحلال این سازمان، بودجه‌ریزی عملیاتی عملاً فراموش شد .
- اصلاح نظام بودجه ریزی براساس اصول و سیاست‌های زیر باید در دستور کار دولت دهم قرار گیرد :
- احیا و بازسازی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
 - بازبینی مأموریت دستگاه‌ها و برنامه‌های راهبردی آنها
 - احصاء قوانین و دستورالعمل‌های مرتبط و ارائه پیشنهادهای لازم جهت آماده‌سازی بستر قانونی بودجه‌ریزی عملیاتی
 - تنظیم دستورالعمل‌های لازم جهت تعریف و تصویب شاخص‌های عملکرد درحوزه دستگاهی و کلان با ویژگی مشخص و اصلاح و یا تکمیل آنها
 - استقرار سیستم‌های حسابداری جهت دستیابی به حسابداری قیمت تمام‌شده
 - شناسایی و آموزش نیروهای ویژه در دستگاه‌ها به عنوان هسته مرکزی و آموزش فرآیند دقیق استقرار بودجه‌ریزی عملیاتی
 - استقرار سیستم مدیریت عملکرد و پیش‌بینی سیستم گزارش‌گیری از نتایج حاصله
 - استقرار بودجه عملیاتی با توجه به رویکرد انتخابی
 - گردآوری و انتشار اطلاعات مربوط به طرح‌های عمرانی شرکت‌های دولتی

- احیای کمیته ماده ۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه در خصوص طرح‌های جدید که برغم کارآمدی‌اش، متاسفانه دولت نهم آن را منحل کرده است .
- اولویت بندی طرح‌های ناتمام
- تمرکز زدایی در اجرای طرح‌های عمرانی و اعطای اختیار به شورای برنامه‌ریزی استان‌ها و شهرداری‌ها

اصلاح الگوی مصرف انرژی، افزایش توان صادرات انرژی و ایجاد اشتغال

وضعیت فعلی مصرف انرژی در ایران بسیار نامطلوب است و مقایسه میزان انرژی مصرفی با سایر شاخص‌های اقتصادی کشور بر این مسئله تأکید دارد. شاخص شدت انرژی در ایران حدود سه برابر متوسط جهان است که اهمیت و ضرورت سیاست‌های کنترل مصرف را بخوبی آشکار می‌سازد. ارزش انرژی مصرفی کشور با توجه به قیمت‌های فعلی نفت (حدود ۵۰ دلار) بیش از ۷۷ میلیارد دلار در سال است. ارزش صرفه‌جویی ۲۰ درصدی انرژی که در یک برنامه دو تا سه ساله قابل تحقق است، بیش از ۱۵ میلیارد دلار در سال خواهد بود و البته ظرفیت صرفه‌جویی بسیار بیشتر از آن است. کشورهای صنعتی، طی چهار دهه اخیر سیاست‌های گسترده‌ای را برای کنترل مصرف و مدیریت تقاضای انرژی بکار گرفته‌اند که نتیجه آن کنترل مصرف و تغییر مسیر شاخص شدت انرژی بوده و دستاوردها و تجربیات آن‌ها در اختیار است .

در ایران باید پروژه‌های فراوانی را در بخش‌های مختلف اقتصادی برای بهینه‌سازی مصرف انرژی تعریف کرد که اغلب آنها از محل صرفه‌جویی حاصله (البته به قیمت‌های بین‌المللی) به سرعت سرمایه خود را باز می‌گردانند. کافی است دولت بپذیرد و تضمین کند که انرژی آزاد شده حاصل از پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در بهینه‌سازی انرژی را حداقل تا زمان بازگشت سرمایه و سود مناسب به قیمت‌های منطقه‌ای خریداری خواهد نمود. این پروژه‌ها موجب کاهش آلاینده‌ها و نیز گسترش کسب و کار و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌شوند. البته دولت باید اصلاح الگوی مصرف انرژی را از خود آغاز کند .

نگرانی مردم و خصوصاً اقشار ضعیف از بالا بردن ناگهانی قیمت انواع سوخت قابل درک است. اصلاح قیمت‌های انرژی به صورت تدریجی و در قالب یک برنامه زمان‌بندی باید اجرا شود. بدون این برنامه، اصلاح قیمت انرژی کاری نادرست است .

این راه‌حل، منابع انرژی هرچه بیشتری را برای صادرات آزاد می‌کند . امکان جذب همکاری‌های فنی و تخصصی و نیز سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این زمینه به خوبی وجود دارد. گسترش فرهنگ بهره‌وری نیز از مزیت‌های این طرح است. اقدامات اجرایی دولت دهم برای عملی ساختن این طرح عبارتند از :

- طراحی سازوکار اجرایی برای تضمین بازگرداندن منافع اجرای پروژه‌های مربوط
- کمک به تأسیس شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای و ممیزی و نیز خدمات انرژی
- تقویت سازمان‌های موجود در زمینه بهره‌وری انرژی و ارتقای جایگاه آنها .
- کمک به تدوین استانداردهای انرژی‌بری تجهیزات و فرآیندهای مصرف‌کننده انرژی .

- موظف کردن دستگاه‌های دولتی به برنامه‌ریزی برای دستیابی به استانداردهای کارآی انرژی -

برنامه مهار تورم

تورم بیماری مزمن اقتصاد ایران در سه دهه اخیر بوده است. موفقیت چشمگیر دولت هشتم در نزولی نمودن روند رشد قیمت‌ها و رساندن آن به اندکی بیش از ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۴، با سیاستهای نادرست دولت نهم از میان رفت و سیر صعودی قیمت‌ها به اندازه‌ای شد که در سال گذشته (۱۳۸۷) مردم ایران تورم بیش از ۲۵ درصدی را تحمل کردند؛ این به معنای از دست دادن یک چهارم قدرت خرید درآمدهای مردم است. برای مهار این پدیده که آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری را برای ایران در پی داشته است، نخست باید عوامل موثر بر آن را شناخت و آنگاه بر مبنای آن به جستجوی راه‌حل‌ها رفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد رفتار دولت در سیاست‌گذاری مالی و اجرای این سیاستها عمده‌ترین عامل افزایش مداوم قیمت کالاها و خدمات در ایران بوده است.

کوشش برای دستیابی به نرخ تک رقمی تورم هدفی اجتناب ناپذیر برای دولت دهم است. این برنامه برای دسترسی به چنین هدفی طراحی شده است. گرچه سیاست‌های چند ماهه اخیر دولت و گسترش بی‌رویه مخارج دولتی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، فارغ از تردیدهایی که در مورد هدف اصلی چنین سیاست‌هایی به ذهن متبادر می‌سازد، بر پیچیدگی و دشواری پیگیری چنین هدفی افزوده است. اهم سیاست‌ها و اقدامات دولت دهم برای مهار تورم عبارتند از:

- انضباط مالی دولت و محدود ساختن کسری بودجه از طریق مدیریت مخارج دولتی

- احیا و تجدید ساختار شورای پول و اعتبار و اقتدار بیشتر بانک مرکزی

- تقویت بنیه‌های تولید از جمله جهت‌دهی تسهیلات اعتباری به سمت فعالیتهای مولد و بهبود فضای کسب و کار

- اجتناب از اجرای سیاست‌های تورم‌زا به ویژه در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات دولتی

- اعمال مدیریت تولید محور بر منابع ارزی

- انضباط بخشیدن به حساب ذخیره ارزی

برنامه های ارتقای رفاه اجتماعی

۱- گسترش پوشش بیمهٔ بازنشستگی به همهٔ شاغلان

از این طریق و براساس قوانین بیمه های اجتماعی دولت سعی خواهد کرد که در زمانی محدود همه ایرانیانی که کار می کنند و اشتغال دارند مشمول بیمه های بازنشستگی گردند تا آینده همه آنها تأمین شود و با امیدی بیشتر به آینده کار و اشتغال خود موفق تر و به زندگی آینده خود خوش بین تر باشند.

۲- گسترش همگانی بیمهٔ خدمات درمانی

آحاد ملت ایران باید بدون توجه به اینکه سرپرست خانوار، شاغل یا بیکار اند تحت پوشش بیمه خدمات درمانی قرار گیرند و همه افرادی که شناسنامه ایرانی دارند باید بتوانند با هزینه اندکی دفترچهٔ بیمهٔ خدمات درمانی ملی دریافت کنند.

این برنامه خدمات بستری رایگان را که در دولت های قبلی برقرار بود حفظ می کند و سطح و کیفیت ارائه خدمات و دسترسی به آنها را بخصوص برای مناطق مختلف کشور و روستاها ارتقاء می بخشد.

۳- گسترش پوشش بیمهٔ بازنشستگی به تمامی روستائیان و عشایر کشور و نیز اهالی شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر

این برنامه می تواند یکی از مولدترین اقشار جامعه، یعنی کشاورزان و عشایر را در مقابل حوادث ناشی از کار، از کار افتادگی و پیری بیمه کند و آینده مطمئنی را برای آنان به ارمغان آورد. دولت به منظور مشارکت با روستائیان طبق قانون، سهم خود را در جهت حمایت از این امر مهم پرداخت خواهد نمود.

۴- اجرای قانون تأسیس صندوق بیمهٔ زنان خانه دار و زنان سرپرست خانوار

با توجه به کار مفید زنان خانه دار و نقش آن در پایداری و سلامت خانواده بعنوان مهم ترین نهاد جامعه که وجه اجتماعی و اقتصادی دارد، باید در اجرای قوانین موجود، صندوق بیمه زنان خانه دار و زنان سرپرست خانوار تشکیل گردد تا زنان خانه دار بتوانند با حمایت دولت و مشارکت خودشان در صورتی که زیر پوشش هیچ بیمه اجتماعی نباشند از مزایای این صندوق بهره مند گردند. این مزایا، از جمله شامل خدمات از کار افتادگی و پیری است.

۵- کاهش سهم پرداخت مستقیم هزینه های بیمه خدمات درمانی تا مرز ۳۰ درصد

افزایش سهم پرداخت مستقیم هزینه های بیمه خدمات درمانی توسط بیماران در ۴ سال گذشته اثر بخشی دفرجه های بیمه خدمات درمانی را بشدت کاهش داده است. این برنامه می تواند به کار آمدی و اثر بخشی بیمه خدمات درمانی کمک شایانی کند و از این طریق سلامت جامعه را که زیر بنای توسعه انسانی و اجتماعی اقتصادی است، تضمین نماید.

۶- اجرای دقیق برنامه ملی چتر ایمنی رفاه و تأمین اجتماعی

بر اساس این برنامه، سیاست های دقیقی دست کم برای اشتغال، مسکن، بهداشت و درمان، تغذیه، آموزش و توانمند سازی جامعه آسیب پذیر و زیر خط فقر طراحی و اجرا می گردد. هدف این برنامه پی گرفتن سیاست پیشگیری و جبران برای جامعه آسیب پذیر و سیاست تثبیت و ارتقا برای جامعه سالم و بالای خط فقر است و با نظارت و حمایت دولت و توسط سازمان های دولتی، نهادهای عمومی نهادهای مردمی و خیریه ها اجرا خواهد شد و تضمین کننده رفاه و تأمین اجتماعی آحاد ملت ایران خواهد بود.

۷- تأسیس صندوق توسعه منطقه ای ایران

به منظور رفع عقب ماندگی های اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف کشور و متعادل ساختن توسعه این مناطق و توزیع جمعیت و فعالیت های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به صورتی منطقی در سطح سرزمین ایران و برخوردار شدن همه مردم از مواهب توسعه و رشد انسانی و اجتماعی و اقتصادی، صندوق توسعه منطقه ای ایران تأسیس می گردد. این صندوق با بهره گیری از برنامه ملی آمایش سرزمین و برنامه ریزی منطقه ای و نیز تخصیص اعتباراتی ویژه مطابق قوانین برنامه و بودجه کشور، با اجرای طرح های توسعه منطقه ای عقب ماندگی مناطق مختلف کشور را جبران خواهد کرد.

۸- پایه گذاری جنبش ملی به منظور کاهش و مهار اعتیاد

بر اساس این برنامه، باید جنبشی ملی به منظور کاهش و مهار اعتیاد از طریق آگاهی و آموزش به سطوح مختلف اجتماعی به قصد محدود ساختن تقاضا و مبارزه جدی با توزیع و مصرف مواد مخدر در تعامل بین مردم و دولت و تعامل منطقه ای و بین المللی پایه گذاری شود. تقویت رویکرد علمی در برخورد با پدیده اعتیاد در کشور و اولویت دادن به راهبرد کاهش تقاضا، توانمند سازی سازمان های غیر دولتی در رابطه با ترک اعتیاد، مقابله حرفه ای با باندهای اصلی مواد مخدر و پی گیری رویکرد قطع ارتباط معتادان با توزیع کنندگان مواد مخدر از مهم ترین اصول این برنامه است.

برنامه سیاست داخلی

حاکمیت سیاسی

۱. تقویت و نهادینه نمودن تمامی ابزارهای لازم برای تحقق مردم سالاری دینی (تلفیق دموکراسی با ارزش‌های دینی و بومی) و مقابله با هرگونه رویکرد افراطی
۲. تقویت وحدت ملی و هویت ایرانی، اسلامی در فرایند برنامه‌ریزی‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
۳. طراحی و تدوین راهکارهای مناسب و مؤثر ارتقای سطح پویایی و کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی - انسانی - سازمانی؛
۴. اهتمام به اجرای کلیه اصول قانون اساسی و نهادینه کردن فرهنگ قانون‌پذیری و قانون‌گرایی در سطح نظام سیاسی؛
۵. اتخاذ وحدت رویه و همگرایی نهادها در مسیر اجرای قانون؛
۶. حفظ حرمت و کرامت انسانی و برابری قانونی همه شهروندان و پیروان ادیان و مذاهب؛
۷. توجه اساسی به تأمین منافع ملی و حفظ حاکمیت، تمامیت ارضی، وحدت ملی، استقلال سیاسی، عزت، اعتبار و افتخار ملی؛
۸. گسترش نظم و امنیت عمومی آحاد جامعه بر پایه آزادی‌های اجتماعی، فردی و مشارکت عمومی و فراگیر در چارچوب قانون؛
۹. تأکید بر استقرار و گسترش عدالت اجتماعی بر پایه برابری قانونی و فرصت‌های یکسان و امکانات مساوی و توانمندسازی اقشار محروم (شرایط برابر برای همه ایرانیان)؛
۱۰. تأمین، توسعه و تثبیت عدالت اجتماعی در جهت بهینه‌سازی معیشت مردم و افزایش رفاه عمومی و تأمین اجتماعی، زدودن فقر، کاهش اختلافات فاحش طبقاتی و حذف هرگونه تبعیض؛
۱۱. حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی و گسترش مشارکت اجتماعی؛
۱۲. توسعه همه‌جانبه، موزون و بومی در راستای تحقق چشم‌انداز و اصل ۴۴ قانون اساسی؛
۱۳. تقویت ثبات سیاسی و مقابله قانونی با رادیکالیسم و افراطی‌گرایی در کلیه سطوح اجتماعی؛
۱۴. گسترش و ارتقای سطح اعتماد عمومی از طریق افزایش ظرفیت پاسخگویی با محورهای:
 - ا. ایجاد امنیت پایدار در جامعه
 - ب. حمایت از آزادی بیان و مطبوعات
 - ج. رعایت حقوق شهروندان
 - د. رفع تبعیض‌ها و ایجاد برابری همه در برابری قانون
 - ه. حمایت از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی

۱۵. ارتقای سطح اعتماد سیاسی، رضایت‌مندی و مشارکت عمومی جهت افزایش کارآمدی و استحکام نظام سیاسی
۱۶. بهره‌گیری بهینه از مؤلفه‌های اقتدار نظام و بالا بردن آستانه تحمل آن در حوزه‌های مختلف جهت افزایش کارآمدی، انعطاف، استحکام و پایداری؛

مدیریت کلان نظام

۱. تنظیم قواعد و سازوکارهای لازم استقلال قوا به منظور رفع موانع ساختاری، اجرایی و قانونی برای تقویت و تسهیل رابطه بین قوای سه‌گانه؛
۲. رفع موانع ساختاری، اجرایی و قانونی برای تقویت و تسهیل رابطه بین قوای سه‌گانه؛
۳. توسعه مشارکت عمومی و تقویت نهادهای مدنی؛
۴. تخصیص اعتبارات رفاهی بیشتر به مناطق محروم؛
۵. تدوین راهبردهای فعالیت‌های سیاسی و تنظیم و برنامه‌ریزی راهکارهای نهادینه کردن آن؛
۶. محوریت اصل عدالت اقتصادی (توزیع عادلانه ثروت) و فرصتی (توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و مدیریتی) در تمامی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان نظام؛
۷. توجه به اصل شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران ارشد؛
۸. توجه به نیروهای محلی که توانایی مشارکت و اداره امور منطقه‌ای را دارند؛

نظام سیاسی و مردم

۱. دفاع از حدود و مرزهای آزادی‌های مندرج در قانون اساسی به منظور تقویت امنیت ملی و جلوگیری از قانون‌گریزی؛
۲. دفاع از آزادی‌های رسانه‌ای به منظور بسط و گسترش حیطه نظارتی رسانه‌ها بر نظام و دولت؛
۳. شفاف‌سازی و ارتقای سطح آگاهی‌های جامعه از طریق گسترش رسانه‌های عمومی و خصوصی؛
۴. طراحی و تنظیم راهکارهایی جهت حضور مؤثر نوجوانان و جوانان در بسترهای مشارکت سیاسی؛
۵. تبدیل بی‌تفاوتی سیاسی به مشارکت سیاسی فعال؛
۶. تقویت احزاب و نهادهای مدنی به منظور افزایش سطح مشارکت عمومی؛
۷. تنظیم سازوکار گسترش مشارکت احزاب، سازمان‌ها و جریان‌های سیاسی قانونی در روند تحولات و عرصه‌های سیاست داخلی؛
۸. تنظیم و برنامه‌ریزی راهکارهای مشارکت مردم جهت رفع معضلات فرهنگی و اجتماعی در راستای اصل ۴۴؛

۹. افزایش کارآمدی و پاسخگویی نظام سیاسی به منظور تقویت احساس مشارکت و تأثیر سیاسی در سطح جامعه؛
۱۰. اشاعه فرهنگ سیاسی مبتنی بر قانون‌گرایی، مشارکت، افزایش آگاهی‌های عمومی جامعه و رعایت قواعد فعالیت‌های سیاسی، با تأکید بر وحدت رویه؛
۱۱. ایجاد سازوکارهای لازم به منظور تنظیم روابط نهادهای مدنی و نظام سیاسی و جلوگیری از انسداد سیاسی و ایفای نقش آنان در مراحل تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی؛
۱۲. تأکید بر نگاه غیر امنیتی و غیر سیاسی به پدیده‌های اجتماعی و نارضایتی‌های عمومی؛
۱۳. افزایش سطح احساس عدالت مشارکتی، توزیعی، فرصتی و قانونی؛

احزاب و تشکل‌های مدنی

۱. فراهم ساختن زمینه‌های توسعه و تقویت احزاب سیاسی و اعمال حق قانونی سازمان‌یابی بر اساس قانون اساسی؛
۲. تلاش برای تشکیل دادگاه جرایم سیاسی به عنوان اصل مغفول واقع شده قانون اساسی؛
۳. حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادهای مختلف اجتماعی و سیاسی و تهیه سازوکارهای لازم برای تقویت آنها؛
۴. فراهم نمودن امکان تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی و حمایت از آنها در مقابل تعرضات گروه‌های خودسر و افراطی؛
۵. فراهم کردن زمینه‌های حضور و مشارکت فعالانه و مؤثر جوانان و زنان در عرصه‌های مختلف؛
۶. تشویق و حمایت از تشکل‌های صنفی و تخصصی در حوزه‌های مختلف؛
۷. توسعه و تقویت نقش احزاب در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاسی کشور؛
۸. تقویت نظارت مدنی بر فرایند انتخابات؛
۹. برنامه‌ریزی راهبردی مشارکت شوراها و NGOها در کاهش زمینه‌ها و بسترهای بحران و آسیب‌های اجتماعی در راستای حفظ و تقویت تمامیت ارضی و وحدت و اقتدار ملی؛
۱۰. تنظیم راهکارهایی برای سوق دادن فعالیت‌های سیاسی غیرقانونی به سمت فعالیت‌های قانونی و در چارچوب نظام سیاسی و قوانین آن؛
۱۱. تلاش برای ارتقای مشروعیت فعالیت‌های حزبی، نهادینه کردن فرهنگ حزب و پایدار نمودن ساختارهای حزبی و سازمان‌های مردمی.
۱۲. تلاش برای مداخله مؤثر احزاب و نهادهای مدنی و نهادهای تخصصی در فرایند تدوین لوایح، آیین‌نامه‌ها و مقررات

رقابت سیاسی (انتخابات)

۱. گسترش مشارکت حزبی، انتخاباتی و رقابت سیاسی و تضمین انتخابات آزاد، سالم و رقابتی؛
۲. ارتقای شیوه‌های برگزاری انتخابات و نوسازی بر اساس فن آوری‌های نوین؛
۳. بازنگری قوانین انتخاباتی در راستای تضمین حقوق اساسی نامزدها، مردم و شفاف‌سازی فرهنگ انتخاباتی؛
۴. پیشگیری و مقابله با عوامل و عناصر تخریب چهره‌های سیاسی، نخبگان، فعالان سیاسی و نامزدها؛
۵. ایجاد زمینه لازم برای نظارت‌های عمومی بر فرایندهای انتخاباتی

شوراها

۱. افزایش اختیارات، امکانات و اعتبارات شوراها متناسب با ظرفیت قانون اساسی؛
۲. ایجاد ساز و کارهای نظارتی شوراهای استان، شهرستان و بخش بر کلیه امور عمرانی، فرهنگی، اجرایی و اقتصادی؛
۳. ارتقای جایگاه و منزلت و افزایش توسعه شوراهای در همه سطوح به عنوان اصلی‌ترین وظیفه دولت؛
۴. کاهش مداخلات قوه مجریه در عملکرد شوراهای و نیز کاهش اختیارات دولت در حذف شوراهای؛
۵. تلاش در جهت غیرسیاسی کردن کارکرد شوراهای؛
۶. تسهیل شرایط برای برگزاری شوراهای محله مقدم بر برگزاری انتخابات شوراهای؛
۷. تعیین سهمیه ثابت برای انتخاب زنان و تسهیل ورود زنان به شوراهای؛
۸. فراهم کردن زمینه‌های زمین‌های قانونی برای افزایش اختیارات مدیریت محلی در تأمین و هزینه کردن منابع و...
۹. تلاش برای کاهش دخالت قوه مجریه در مصوبات شوراهای (ممانعت از رد مصوبات شوراهای توسط وزارت کشور)

امنیت ملی و اجتماعی

۱. دخالت نگرش‌های نرم‌افزارانه نسبت به امنیت و ایجاد توازن میان اقدامات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری
۲. انطباق فعالیت‌های اطلاعاتی با مأموریت‌های ذاتی دستگاه‌های امنیتی در چارچوب قوانین مصوب
۳. ایجاد تعادل میان هزینه - فایده در فعالیت‌ها و تصمیمات امنیتی
۴. پیش‌گیری از سوء استفاده از قدرت سازمانی در نهادهای امنیتی

۵. استقرار و بسط کارشناسی در حوزه امنیتی مبتنی بر منافع و مصالح ملی و استفاده حداکثر از تجارب سایر کشورها در مدیریت بحران‌های امنیتی
۶. طراحی سیستم «مدیریت پیشگیری» به منظور اطلاع‌رسانی بهنگام و بسط اقتدار اطلاعاتی
۷. تلاش برای گسترش مشروعیت و اعتمادسازی در عرصه ملی و سیاسی و نخبگان نسبت به نهادها و دستگاه‌های امنیتی
۸. مقابله همه‌جانبه و فراگیر با گروه‌های تروریستی و جریانات برانداز داخلی و خارجی و گروه‌های افراطی و خودسر در چارچوب قانون
۹. تعامل سازنده و اصلاح نگاه نیروهای سیاسی خودی نسبت به سیستم اطلاعاتی به منظور جلب اعتماد و همکاری متقابل
۱۰. کمک به افزایش اعتماد مردم و مسئولین به نهادهای امنیتی با هدف تقلیل فاصله میان حاکمیت و شهروندان
۱۱. قاعده‌مند کردن تشکیلات و نهادهای امنیتی در چارچوب قانون

• حقوق اساسی و آزادی‌های شهروندی

۱. تلاش برای ارتقای حقوق افراد و حمایت از حریم خصوصی افراد بر پایه اعتقاد به برابری حقوق شهروندان.
۲. نظارت‌پذیری و محدودسازی قدرت سیاسی در چارچوب قانون و کاربرد یکسان قانون برای آحاد شهروندان و حاکمان و بسط قانونمداری در جامعه.
۳. تقدس زدایی از قدرت سیاسی و ارائه قرائتی مردم سالارانه از قانون اساسی به منظور ایجاد زمینه مناسب برای آزادی اندیشه، بیان و قلم به منظور نقد عملکرد حاکمان در سطوح مختلف.
۴. احیای کرامت و منزلت انسانی و پرهیز از برخوردهای گزینشی در جهت اعتماد متقابل ملت و دولت.
۵. عدم استفاده از دین، مقدسات و ارزش‌های انقلاب اسلامی برای رسیدن به اهداف و مطامع سیاسی و نفی و طرد هر نوع ساختارشکنی نسبت به ارزش‌های اعتقادی و دینی مردم.
۶. ایجاد فضای سالم برای بروز استعدادها و توانمندی‌ها، رقابتی کردن عرصه‌های مختلف و جلوگیری از انحصار و تضییع حقوق مردم.
۷. حاکم ساختن اصل نظارت و پاسخگویی به عنوان لازمه تداوم حیات نظام سیاسی کشور، به منظور محو هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی.
۸. تلاش برای اجرایی شدن اصول ۳۲-۳۴-۳۵ قانون اساسی (عدم دستگیری غیرقانونی، حق دادخواهی عمومی، داشتن وکیل و...)

• اقوام و اقلیت‌ها

۱. فراهم ساختن زمینه‌های تحقق عینی و عملی حقوق اقلیت‌های دینی، مذهبی، نژادی و سیاسی، متناسب با ظرفیت‌های موجود قانون اساسی.
۲. تأکید بر اجرایی شدن اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی در ارتباط با حقوق اقوام.
۳. ایجاد امکان مشارکت مؤثر اقوام مختلف در فرآیند توسعه کشور.
۴. توزیع عادلانه ثروت، قدرت، منزلت در حوزه اقوام و اقلیت‌ها
۵. تلاش برای کاهش فاصله‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۶. توجه به موارث و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی خرده‌فرهنگ‌های ایرانی

• ایرانیان مقیم خارج از کشور

۱. توجه اساسی به توسعه روابط و بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و دفاع از حقوق آنان در خارج از کشور و به‌کارگیری آنان در رشد و توسعه کشور و قرار دادن تسهیلات جهت بهره‌مندی از حقوق شهروندی
۲. تلاش برای استفاده از تمامی توانمندی، امکانات ایرانیان خارج از کشور

• مدیریت و پیشگیری کاهش سطح اعتیاد به مواد مخدر

۱. نقد و ارزیابی استراتژی‌ها و برنامه‌های اجرا شده در کشور تاکنون و اتخاذ استراتژی صحیح و منطقی برای مقابله با ترانزیت، توزیع و مصرف مواد مخدر در کشور

برنامه سیاست خارجی

راهبرد ها:

- ۱) تنش زدایی، اعتماد سازی و برقراری روابط دوستانه و مبتنی بر احترام و منافع متقابل با دیگر کشورها
- ۲) تاکید بر اصول و ارزشها در پیشبرد اهداف سیاست خارجی
- ۳) پای بندی به تعهدات بین المللی، مسئولیت پذیری و ایفای نقشی سازنده در برقراری صلح و امنیت در جهان
- ۴) تلاش برای همبستگی اسلامی و ارتقاء موقعیت مسلمانان در جهان
- ۵) مشارکت در حل و فصل مسائل و معضلات بین المللی از طریق گفتگو و مذاکرات سازنده
- ۶) تلاش برای برپاساختن جهانی انسانی و مبتنی بر عدالت
- ۷) جلب سرمایه و فناوری نوین و شناسایی و فراهم نمودن زمینه برای ورود به بازارهای جدید و گسترش فعالیت های اقتصادی
- ۸) فراهم نمودن زمینه تبادلات مراکز فعال فرهنگی و علمی ایران با سایر کشورها و نهادهای علمی و فرهنگی دنیا

سیاستها:

- ۱- بهره گیری از عناصر قدرت ملی و مزیت های نسبی کشور
- ۲- بکارگیری سیاست خارجی فعال، کارآمد و قدرتمند از طریق اجماع ملی
- ۳- ارتقاء توانمندیهای حرفه ای و دیپلماتیک کشور با تقویت دستگاههای مرتبط با روابط خارجی
- ۴- سامان دهی به مدیریت و تقویت ساختار تصمیم گیری در سیاست خارجی
- ۵- ایجاد و گسترش روابط سازنده با نهادهای آموزشی - پژوهشی در حوزه سیاست خارجی
- ۶- بهره گیری از کلیه ظرفیت ها و منابع انسانی در سطح کشور و در چارچوب قانون اساسی برای تأمین اهداف سیاست خارجی
- ۷- مشارکت فعال در تقویت همکاریهای منطقه ای برای تحقق امنیت و توسعه منطقه به عنوان پایه ای برای همکاریهای بین المللی با تمرکز بر اولویت حوزه های همجواری
- ۸- نفی معیارهای های دوگانه و امتیازات ویژه در روابط بین المللی
- ۹- مخالفت با اشغالگری، نظامیگری، تروریسم و توسل به زور برای حل و فصل مناقشات
- ۱۰- واقع گرایی و نفی هرگونه توهم، ماجراجویی، تند روی، افراط گرایی، تحجر و سطحی نگری در روابط خارجی کشور با جهان
- ۱۱- اتخاذ دیپلماسی اقتصادی فعال بویژه در حوزه انرژی و فناوری های نوین
- ۱۲- اهتمام به بسط و تعمیق مناسبات دوجانبه با کلیه کشورها مبتنی بر احترام و منافع متقابل
- ۱۳- حضور در مجامع بین المللی و تلاش برای مشارکت تاثیر گذار در نظام جهانی
- ۱۴- تلاش برای حفظ و اعتلای جایگاه هویت و تابعیت ایرانی در تنظیم مناسبات با کشورهای جهان

برنامه حوزه فرهنگ و هنر

راهبردها:

۱. بهره‌گیری بهینه از منابع، ظرفیت‌ها، مزیت‌ها و قابلیت‌های میراث فرهنگی، اعتقادی و تمدنی ایران؛ آرمان‌ها، ارزش‌ها و دست‌آوردهای انقلاب اسلامی؛ و سرمایه‌ها و استعدادهای ایرانی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی.
۲. تعامل مثبت بین فرهنگ رسمی و غیررسمی و ایجاد تعادل در نسبت بین تولید و مصرف فرهنگی و هنری در کشور به نفع تولید داخلی.
۳. رفع فاصله ایجاد شده میان ایران و کشورهای تولیدکننده اصلی و عمده آثار و محصولات فرهنگی و هنری، و ارتقای موقعیت فرهنگی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی.
۴. سهم متوازن و شایسته اقتصاد فرهنگ و هنر در اقتصاد ملی.

سیاست‌ها:

۱. ترویج و تعمیم امنیت و آزادی‌های مصرع در قانون اساسی برای همه فعالان و دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ و هنر.
۲. اتخاذ شیوه‌های مبتنی بر تعامل و مبادله آزاد فرهنگی با دیگر ملل، اقوام و کشورها و تبدیل و جایگزینی شیوه‌های مربوط به وضعیت ناکارآمد قرنطینه فرهنگی که در آن سعی می‌شود مواجهه آزادانه شهروندان با اطلاعات، منابع، آثار و محصولات فرهنگی و هنری محدود و منحصر شود.
۳. درون‌زا نمودن توسعه فرهنگی با تکیه بر میراث و ارزش‌های ملی و دینی.
۴. اولویت بخشیدن به توانمندسازی سرمایه اجتماعی و بهره‌گیری حداکثری از آن.
۵. توجه به مصون‌سازی و پرهیز از رویکردهای مبتنی بر نفی و طرد در حوزه فرهنگ و هنر.
۶. اصلاح ساختارهای دوگانه ساز و مقابله جدی با تقسیم‌بندی افراد، استعدادها، مفاخر و سرمایه‌های انسانی کشور به شهروند درجه ۱ و ۲.
۷. توجه بیش از پیش به تنوع فرهنگی در کشور به عنوان یک مزیت نسبی و سرمایه ملی.

۸. تکریم شان و منزلت مردم و جلب مشارکت آنها، و ارتقای نقش و جایگاه دست اندرکاران و تشکل های حرفه ای بخش خصوصی در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های بخش فرهنگ و هنر.
۹. تاکید بر خردورزی، عقلانیت و اخلاق گرایی، و اتخاذ روش های روشنگرانه به منظور خرافه زدایی از جامعه .
۱۰. توجه به حفظ محیط زیست و گسترش اشتغال و فعالیت اقتصادی در حوزه فرهنگ و هنر به عنوان عرصه ای پاک و دور از آلودگی های زیست محیطی.
۱۱. توجه بیش از پیش به حفظ، احیاء و آگاهی یابی عمومی نسبت به میراث فرهنگی و تاریخی با تاکید بر هویت ایرانی/اسلامی.
۱۲. تنظیم سیاست ها و برنامه های اجرایی دولت متناسب با ظرفیت و توانمندی کشور جوان ایران.
۱۳. توجه بیش از پیش به رفع محدودیت ها و تبعیض ها، و فراهم کردن حضور جدی زنان در عرصه فعالیت های فرهنگی و هنری.
۱۴. حذف سانسور و طراحی نظام قانونی شفاف، منطقی و مدون ممیزی تحت نظارت و مشارکت مردم و نمایندگان صنوف فعال در حوزه فرهنگ و هنر.
۱۵. تغییر ساختار و کوچک سازی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر نهادهای دولتی مرتبط با حوزه فرهنگ و هنر، و تمرکز فعالیت های دولت در امر سیاست گذاری های کلان، تامین زیرساخت ها، و حمایت عمومی از دست اندرکاران و تولیدکنندگان آثار و محصولات فرهنگی و هنری.

برنامه حوزه فرهنگ و هنر

راهبردها:

۵. بهره‌گیری بهینه از منابع، ظرفیت‌ها، مزیت‌ها و قابلیت‌های میراث فرهنگی، اعتقادی و تمدنی ایران؛ آرمان‌ها، ارزش‌ها و دست‌آوردهای انقلاب اسلامی؛ و سرمایه‌ها و استعداد‌های ایرانی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی.
۶. تعامل مثبت بین فرهنگ رسمی و غیررسمی و ایجاد تعادل در نسبت بین تولید و مصرف فرهنگی و هنری در کشور به نفع تولید داخلی.
۷. رفع فاصله ایجاد شده میان ایران و کشورهای تولیدکننده اصلی و عمده آثار و محصولات فرهنگی و هنری، و ارتقای موقعیت فرهنگی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی.
۸. سهم متوازن و شایسته اقتصاد فرهنگ و هنر در اقتصاد ملی.

سیاست‌ها:

۱۶. ترویج و تعمیم امنیت و آزادی‌های مصرع در قانون اساسی برای همه فعالان و دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ و هنر.
۱۷. اتخاذ شیوه‌های مبتنی بر تعامل و مبادله آزاد فرهنگی با دیگر ملل، اقوام و کشورها و تبدیل و جایگزینی شیوه‌های مربوط به وضعیت ناکارآمد قرنطینه فرهنگی که در آن سعی می‌شود مواجهه آزادانه شهروندان با اطلاعات، منابع، آثار و محصولات فرهنگی و هنری محدود و منحصر شود.
۱۸. درون‌زا نمودن توسعه فرهنگی با تکیه بر میراث و ارزش‌های ملی و دینی.
۱۹. اولویت بخشیدن به توانمندسازی سرمایه اجتماعی و بهره‌گیری حداکثری از آن.
۲۰. توجه به مصون‌سازی و پرهیز از رویکردهای مبتنی بر نفی و طرد در حوزه فرهنگ و هنر.
۲۱. اصلاح ساختارهای دوگانه ساز و مقابله جدی با تقسیم‌بندی افراد، استعدادها، مفاخر و سرمایه‌های انسانی کشور به شهروند درجه ۱ و ۲.
۲۲. توجه بیش از پیش به تنوع فرهنگی در کشور به عنوان یک مزیت نسبی و سرمایه ملی.

۲۳. تکریم شان و منزلت مردم و جلب مشارکت آنها، و ارتقای نقش و جایگاه دست اندرکاران و تشکل های حرفه ای بخش خصوصی در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های بخش فرهنگ و هنر.
۲۴. تاکید بر خردورزی، عقلانیت و اخلاق گرایی، و اتخاذ روش های روشنگرانه به منظور خرافه زدایی از جامعه .
۲۵. توجه به حفظ محیط زیست و گسترش اشتغال و فعالیت اقتصادی در حوزه فرهنگ و هنر به عنوان عرصه ای پاک و دور از آلودگی های زیست محیطی.
۲۶. توجه بیش از پیش به حفظ، احیاء و آگاهی یابی عمومی نسبت به میراث فرهنگی و تاریخی با تاکید بر هویت ایرانی/اسلامی.
۲۷. تنظیم سیاست ها و برنامه های اجرایی دولت متناسب با ظرفیت و توانمندی کشور جوان ایران.
۲۸. توجه بیش از پیش به رفع محدودیت ها و تبعیض ها، و فراهم کردن حضور جدی زنان در عرصه فعالیت های فرهنگی و هنری.
۲۹. حذف سانسور و طراحی نظام قانونی شفاف، منطقی و مدون ممیزی تحت نظارت و مشارکت مردم و نمایندگان صنوف فعال در حوزه فرهنگ و هنر.
۳۰. تغییر ساختار و کوچک سازی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر نهادهای دولتی مرتبط با حوزه فرهنگ و هنر، و تمرکز فعالیت های دولت در امر سیاست گذاری های کلان، تامین زیرساخت ها، و حمایت عمومی از دست اندرکاران و تولیدکنندگان آثار و محصولات فرهنگی و هنری.

منشور جوانان

"جوان ایرانی، سرمایه ملی است"

پدیده جوانی پدیده متأخری است که نیاز به درک شرائط و نیازهای آنان و تلاش برای دسترسی جوانان به تأمین نیازهای اساسی و ایجاد امید و نشاط برای آینده ای بهتر خواهد بود و این مهم نیاز به برنامه ریزی و مدیریت دارد. انقلاب بزرگ اسلامی با جوانان و برای رشد و توسعه و سربلندی جوانان شکل گرفت و قطعاً آینده کشور متعلق به آنان خواهد بود. جوانان بالاترین سرمایه اجتماعی جامعه ما هستند. از این رو، مسائل جوانان صرفاً امور توصیه ای، کلی و شعاری نیستند بلکه اموری راهبردی، اساسی و نیازمند به رویکردهای شایسته و تدوین و اجرای برنامه عمل‌اند و تحقق آنها منوط به مشارکت و مسئولیت پذیری جوانان، تقویت نقش نهاد خانواده و پشتیبانی و مدیریت دولت است.

اصول حاکم بر رویکرد دولت دهم در امور جوانان به قرار زیر است.

اصل اول: جوان محوری در نظام مدیریت و برنامه ریزی توسعه کشور،

" جوان ایرانی، سرمایه ملی است " به همین دلیل مسئله جوانان باید مسئله اول در نظام جمهوری اسلامی تلقی گردد و بر همین اساس در تدوین همه برنامه ها و سیاستها محوریت جوانان به عنوان یک اصل مورد اهتمام قرار گیرد.

اصل دوم: به رسمیت شناختن حقوق جوانان و پرهیز از نگاه تک محوری تکلیف‌گرا به امور جوانان جوانان گرچه دارای تکالیف متعدد هستند اما دارای حقوق اساسی نیز می باشند که قانون اساسی ما و اسلام عزیز آنها را به رسمیت شناخته است، نظیر حق اشتغال، آموزش، مسکن، زندگی شایسته، آزادی اطلاعات، امنیت، مشارکت، حق برخورداری از تعامل جهانی.

اصل سوم: اصل توانمندسازی جوانان به جای قیمومت و تصدی امور جوانان
جوانان در همه عرصه ها نیازمند به کمک برای توانمندسازی هستند، باید شعار "دولت می تواند" به شعار
"جوانان می توانند" تبدیل شود، باید خود جوانان در همه عرصه ها مشارکت و مسئولیت بپذیرند و دولت
تسهیل کننده و حامی توانائی آنان باشد نه متصدی و قیم جوانان.

اصل چهارم: تغییر در نگرش های جامعه نسبت به جوانان
باید احترام و اعتماد به جوانان، مشارکت و مسئولیت پذیری جوانان در همه عرصه ها و نواندیشی، انتقاد
پذیری و تحول خواهی نگاه اصلی جامعه و دولت نسبت به جوانان باشد.

اصل پنجم: اصلاح ساختارها به نفع امور جوانان
ظرفیت سازی و نهادسازی با جوانان و برای جوانان، ضرورتی برای اصلاح ساختارهاست.

اصل ششم: تغییر و اصلاح رفتارهای اجتماعی در رابطه با جوانان
تغییر در رفتار نظام برای به رسمیت شناختن هویت جوانان، تغییر در رفتار دولت برای پاسخ گویی و حل
مسائل جوانان، تغییر در رفتار کل جامعه برای پذیرش و ادغام اجتماعی و پرهیز از برخوردهای قهری و
انتظامی با جوانان نظیر گشت ارشاد.

اصل هفتم: اصل مدیریت و برنامه ریزی امور جوانان
امور جوانان نیازمند به مدیریت و برنامه ریزی است، با شعار و سخنرانی نمی توان به امور اساسی جوانان
پرداخت بلکه باید مثل سایر امور اجتماعی و اقتصادی کل جامعه، حوزه جوانان نیز دارای برنامه ای روشن و
قابل اجرا باشد، از این جهت تدوین و اجرای برنامه های جامع توسعه امور جوانان به ویژه برنامه جوانان در
افق سند چشم انداز بیست ساله ضروری است.

اصل هشتم: تدوین برنامه عمل برای اهتمام به چالش‌های اساسی جوانان

امروزه جوانان با چالش‌هایی مواجه‌اند که دولت موظف به حل آن است. مهمترین مسائل جوانان در سه حوزه زیر است که نیاز به برنامه عمل دارد:

۱. نیازهای اقتصادی و معیشتی جوانان با تحقق شعار "زندگی توام با احترام، اعتماد و کرامت

انسانی"

۲. نیازهای علمی و تحصیلی جوانان با تحقق شعار "آموزش عالی برای همه" و "ایران

جهانی با جوان ایرانی"

۳. نیازهای اجتماعی، فرهنگی و هویتی جوانان با تحقق شعار "ایرانی آباد، مستقل و پیشرفته

اسلامی برای هر جوان ایرانی"

اصل نهم: اولویت بخشیدن به امور دختران جوان با رویکرد عدالت جنسیتی :

جامعه ما به ویژه جوانان از تبعیض جنسیتی، بی عدالتی و عدم شایسته‌سالاری رنج می‌برد و دختران جوان بیش از سایر گروه‌های اجتماعی مورد بی‌مهری و کم‌توجهی هستند، رفع تبعیض‌ها در زمینه تحصیل، اشتغال، آزادیهای مشروع اجتماعی و اعتقادی و تلاش برای ارتقای هویت آنان یک اصل مسلم برای تحقق برنامه هاست.

اصل دهم: اولویت بخشیدن به گروه‌های خاص جوانان

برخی از جوانان در جامعه ما از ویژگی‌های خاصی برخوردارند از جمله فرزندان شاهد و ایثارگر، گروه‌های استثنائی، گروه‌های نخبه و ممتاز و افتخار آفرین، جوانان روستائی و جوانان عشایر.

دولت باید اهمیت ویژه‌ای برای تأمین نیازهای گروه‌های خاص قائل شود و برنامه‌ای روشن برای هر بخش تدوین نماید.

برنامه زنان

• ارتقای امنیت انسانی، حقوقی و قضایی زنان، از طریق:

۱. بازنگری کلیه قوانین و مقررات تبعیض آمیز و ناعادلانه از طریق ارائه لوایح لازم.
۲. اجرای اصول معطل قانون اساسی و پیگیری اصلاح قوانین و مقررات مغایر با اهداف و آرمان های آن قانون راجع به زنان .
۳. تهیه و اجرای برنامه جامع توانمند سازی و حمایت از حقوق زنان در ابعاد حقوقی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی .
۴. کمک به ارتقای امنیت قضایی زنان و دسترسی بیشتر آنان به سازوکارهای دادرسی عادلانه، بی طرف و سریع از طریق تعامل با سایر قوا .
۵. تهیه و اجرای برنامه جامع رفع خشونت علیه زنان ، از طریق اتخاذ تدابیر قانونی ، بازدارنده و حفاظتی - حمایتی.
۶. حمایت همه جانبه از زنان زندانی و خانواده‌های زندانیان .
۷. حمایت از تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکل های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق زنان .
۸. حمایت از کرامت انسانی زنان و دختران و صیانت از حریم خصوصی افراد و پرهیز از امنیتی و پلیسی کردن مسایل فرهنگی .
۹. رفع موانع پیش روی فعالان حوزه زنان (در چارچوب حقوق ، حرمت و آزادی های مصرح در قانون اساسی).

۱۰. پیگیری حسن اجرای مفاد اسناد و موازین بین المللی الحاقی در خصوص حقوق انسانی زنان و تلاش برای الحاق به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان با رعایت مقتضیات مذهبی و ملی .

۱۱. الحاق به پروتکل الحاقی کنوانسیون پالرمو در خصوص مبارزه با قاچاق زنان و کودکان.

۱۲. نظارت بر فراهم کردن حمایت های قانونی ، مشاوره های اجتماعی و مددکاری برای صیانت از کیان خانواده .

۱۳. ایجاد صندوق حمایت خانواده.

۱۴. جلب مشارکت و حمایت سازمان های غیردولتی برای پیشبرد برنامه های مربوط به خانواده .

• ارتقاء بهره وری سرمایه انسانی زنان، از طریق:

۱. منع و لغو هرگونه سهمیه بندی جنسیتی و بومی گزینی درگزینش دانشجویان دختر در ورود به دانشگاه ها و در تمام مقاطع تحصیلی.

۲. تقویت مهارت های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، بویژه زنان خانه دار.

۳. اختصاص اعتبار لازم برای رفع محرومیتها و تضمین دسترسی دختران به امکانات و فرصت های برابر آموزشی بویژه در مناطق کمتر توسعه یافته.

۴. افزایش سطح کارایی و ارتقای مهارت های شغلی زنان به ویژه از طریق آموزش های کوتاه مدت و ضمن خدمت .

۵. ارتقای دانش و آگاهی زنان روستایی در زمینه مکانیزه کردن کشاورزی و دامداری.

۶. فراهم سازی زمینه آموزش های غیر رسمی زنان متناسب با فرصت های شغلی و نیاز بازار کار.

• توسعه مشارکت اجتماعی - فرهنگی و سیاسی زنان، از طریق:

۱. تهیه برنامه جامع توسعه مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان و عملیاتی کردن آن .
۲. تلاش برای حضور زنان در هیات دولت و مدیریت های اجرایی و سیاسی و اجتماعی
۳. تهیه و اجرای برنامه ملی توسعه تعاملات بین المللی زنان ، در سطوح دولتی و غیردولتی .
۴. ایجاد شرایط مناسب برای زنان شاغل به منظور تطبیق و سازگاری شرایط با مسئولیت های اجتماعی و خانوادگی آنان از طریق لحاظ تسهیلاتی برای زنان شاغل، مرخصی والدینی (برای زنان و مردان کارمند و کارگردر زمان تولد فرزند)، تلاش برای تسری و شمول مزایای زنان شاغل رسمی به زنان شاغل غیررسمی، الزام دستگاهها به در نظر گرفتن مراکز نگهداری کودکان در جوار خود، ساعات کاری شناور و انعطاف پذیر و...
۵. تهیه و اجرای برنامه جامع توانمند سازی سازمان های غیردولتی زنان .
۶. تهیه و اجرای برنامه ارتقای ورزش همگانی و قهرمانی زنان با هدف هماهنگی و انسجام و رشد ورزش مدارس ، ورزش دانشجویی ، ایجاد و توسعه باشگاه های ورزشی و رفع تبعیض های جنسیتی موجود در این حوزه.
۷. اصلاح الگوها، نگرش ها و رویه های غلط ناشی از فرهنگ مردسالاری و افزایش باور های عمومی به شایستگی زنان، با ارایه تصویر و چهره واقعی از زن و نقش و جایگاه وی در رسانه های گروهی (باهدف تخریب سقفهای شیشه ای برسر راه پیشرفت زنان).
۸. جلب مشارکت فعالانه زنان درحفاظت از محیط زیست،اصلاح الگوی مصرف دربرنامه ریزی و مدیریت شهری.
۹. اصلاح تصاویر ارائه شده از نقش های کلیشه ای زن و مرد در کتب درسی .

۱۰. پیگیری بهره مندی نظام حقوقی و قضایی کشور از توان و قابلیت زنان با رویکرد رفع تبعیض و ایجاد فرصت برابر در تعامل با قوه قضائیه.

• توانمندی اقتصادی زنان و افزایش نرخ اشتغال آنان، از طریق:

۱. تهیه و اجرای برنامه جامع توسعه و ساماندهی امور اقتصادی زنان.
۲. شناسایی و افزایش فرصت های سرمایه گذاری جهت رشد اشتغال زنان .
۳. توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار و تعادل جنسیتی در بازار کار
۴. تحقق حقوق بنیادین کار برای زنان (از قبیل آزادی انجمن ها، حمایت از تشکل های مدنی روابط کار، حق سازماندهی و مذاکرات دسته جمعی، تساوی مزدها برای زن و مرد در قبال کار هم ارزش، منع تبعیض در اشتغال و حرفه و ارتقای شغلی) .
۵. محاسبه ارزش افزوده کار خانگی زنان در تولید ناخالص ملی توسط دولت .
۶. حمایت، توسعه ، ترویج و اتخاذ سیاستهای تشویقی برای صاحبان کسب و کار (زنان کارآفرین).
۷. حمایت از استعدادهای ملی و پژوهشی زنان برای بهره گیری از نیروی انسانی خلاق و کارآفرین آنان.

۸. توسعه کمی و کیفی آموزش های فنی و حرفه ای زنان درموردمشاغل مبتنی بر Tele Working و IT.

• بهبود کیفیت زندگی، افزایش سلامت و تامین اجتماعی زنان، از طریق:

۱. تهیه و اجرای برنامه ملی ارتقای سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی زنان .
۲. تهیه و اجرای برنامه ملی ساماندهی اوقات فراغت زنان و دختران.

۳. توسعه آگاهی‌های عمومی زنان در زمینه حقوق بهداشت باروری، توسط دستگاه‌های متولی.
۴. ارتقای فرهنگ و سواد تغذیه‌ای زنان، توسط مراجع ذی‌ربط.
۵. اجرای طرح جامع توانمندسازی زنان خود سرپرست و سرپرست خانوار و بد سرپرست.
۶. پیش‌بینی سازوکارهای مناسب برای توانبخشی زنان سالمند.
۷. ایجاد پوشش بیمه‌ای فراگیر و خاص برای زنان بویژه زنان سالخورده، بیوه، مطلقه، سرپرست خانوار و خانه‌دار.
۸. جلب مشارکت نهادهای غیردولتی زنان و مؤسسات خیریه‌ای در برنامه‌های فقرزدایی و کاهش آسیب‌های اجتماعی.
۹. گسترش حمایت‌های اجتماعی از زنان (تامین اجتماعی، بیمه بیکاری، ایجاد توسعه و تقویت سازوکارهای جبرانی، حمایت‌های اجتماعی از شاغلین بازار کار غیررسمی، توان‌افزایی زنان معلول و...).
۱۰. توانمندسازی و فراهم کردن حمایت‌های حقوقی، مشاوره‌های اجتماعی و مددکاری برای زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیب‌های اجتماعی.
۱۱. بهبود کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار، از طریق آموزش حقوق بهداشت باروری، تغذیه سالم، تامین غذای کافی در سبد خانوار و تضمین خدمات بهداشتی، درمانی و توان‌بخشی رایگان و مسکن ارزان قیمت.

برنامه توسعه روستاها

۱. ارتقای جایگاه روستا در تصمیم‌گیریهای کلان بویژه در هیات دولت
۲. بازنگری در قوانین شوراها با تاکید بر حضور نمایندگان شوراهای روستایی در شورای عالی استانها (اختصاص جایگاه و سهم مناسب درخور روستا در شورای عالی استانها و شهرستانها)
۳. تدوین برنامه چشم‌انداز توسعه روستایی و مشخص کردن رسالت روستا در برنامه چشم‌انداز ۱۴۰۴
۴. تدوین برنامه اقدام ملی مدیریت خطر و آسیب‌ها و بلایای طبیعی روستایی
۵. پی‌ریزی نظام فراگیر تامین اجتماعی روستایی و گسترش مرحله‌ای آن
۶. بهبود کیفی نظام بهداشت، سلامتی و تقویت سازمان فوریت‌های پزشکی امور روستایی و دسترسی روستائیان به این خدمات در حداقل زمان
۷. توسعه نظام بیمه منابع تولیدی و محصولات کشاورزی
۸. تقویت بازارچه‌های مرزی از طریق پیوند آنها بامناطق آزاد و ویژه اقتصادی با دیدگاه آمیشی و اقتصادی
۹. حمایت از برنامه‌های ایمن‌سازی ابنیه و مسکن روستایی
۱۰. توسعه برنامه‌های فرهنگی و امکانات گذران اوقات فراغت و فعالیتهای ورزشی بویژه برای جوانان روستایی
۱۱. مشخص کردن بودجه عمرانی روستایی به صورت یکپارچه در برنامه هر سال
۱۲. تدوین برنامه حمایت از روستاها به عنوان حفظ میراث فرهنگی و طبیعی و حفظ محیط زیست
۱۳. ایجاد و تقویت صندوق اشتغال و کارآفرینی روستایی برای فقرزدایی
۱۴. تقویت بنیادهای اقتصادی و اجتماعی شهرهای کوچک برای تحرک بخشی به اقتصاد جامعه روستایی

برنامه تحول در نظام مدیریت کشور

- اصلاح نظام برنامه ریزی و احیای سازمان برنامه
- حذف سازمانهای ناکارآمد و منطقی نمودن اندازه دولت
- حاکمیت قانون و ضابطه به جای سلیقه‌های شخصی و گروهی در ادارات دولتی
- ایجاد ثبات و امنیت شغلی و فراهم آوردن زمینه ارتقای کیفی کارکنان، کارشناسان و مدیران
- دخالت دادن بخش خصوصی و نهادهای تخصصی مردمی در تصمیم‌گیری‌های دولت در خصوص این بخش
- تغییر نقش دولت از پیمانکاری و بنگاهداری به سیاست‌گذاری
- ایجاد دولت پاسخگو، شفاف، مشارکت‌جو و عاری از فساد
- استخدام، انتصاب و ارتقا بر مبنای لیاقت و شایسته‌سالاری
- اصلاح روابط دولت با جامعه از جمله بازسازی نظام حل اختلاف مردم با قوه مجریه و دستگاههای وابسته
- اصلاح ساختار شرکتهای دولتی (بانک‌ها و بیمه‌ها،...)
- یکپارچگی خزانه داری در ایران
- توسعه کاربرد مستمر فناوری‌های نوین به منظور استقرار دولت الکترونیک
- اجرای برنامه حذف مقررات زائد و تسهیل فرایندهای اداری در کوتاه مدت

برنامه تحول در صنعت حمل و نقل

۱. تقویت و توسعه حمل و نقل کشور به ویژه در بخش ترانزیت با توجه به مزیت‌های ایران از نظر موقعیت جغرافیایی.
۲. توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و شرکت در مجامع جهانی، به منظور ورود و تثبیت بازارهای جدید حمل و نقل.
۳. نوسازی ناوگان فرسوده حمل و نقل جاده‌ای و توسعه آن.
۴. توجه به جایگاه و سهم بخش خصوصی در حمل و نقل و حمایت و تقویت انجمن‌های صنفی.
۵. بهره‌گیری مستمر از نظرات و مشورت‌های انجمن‌های صنفی در تصمیم‌گیری‌ها.
۶. واگذاری فعالیت‌های ممکن در حوزه حمل و نقل به تشکل‌های صنفی و بخش خصوصی در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی.
۷. اختصاص کامل اعتبارات و تسهیلات پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سالانه و قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت به این بخش.
۸. توجه ویژه به نقش و جایگاه عوامل اصلی حمل و نقل، یعنی رانندگان عزیز و پرتلاش با تأکید بر حفظ کرامت انسانی آنان، از طریق:
 - تأمین آینده شغلی
 - اجرای جامع و کامل بیمه‌های اجتماعی
 - توجه به دوران بازنشستگی و تأمین بخشی از هزینه‌های بیمه
 - کمک به بهداشت و مشکلات درمانی آنان
 - ایجاد مجتمع‌های رفاهی فرهنگی بنام (خانه رانندگان) در تمامی مراکز استان‌های کشور
۹. گسترش ناوگان حمل و نقل ریلی کشور و واگذاری فعالیت‌های ممکن در این بخش با استفاده از تخصص و تجربه و سرمایه‌گذاری‌های بخش غیردولتی.

۱۰. نوسازی و توسعه ناوگان هوایی کشور با تقویت شرکت‌های حمل و نقل هوایی خصوصی و تأمین اعتبارات ارزی و ریالی مورد نیاز.

۱۱. باز تعریف جایگاه حمل و نقل دریایی ایران در منطقه و جهان با حمایت جدی از ساخت و توسعه اسکله‌ها و حضور در فعالیتهای دریانوردی در سطح بین‌المللی.

برنامه حفاظت از محیط زیست

به منظور توقف روند شتابناک تخریب محیط زیست، بازگرداندن وضعیت محیط زیست به حالت تعادل و در نهایت بهسازی آن باید موارد زیر تحقق یابد:

۱. تلاش برای تحقق اصل ۵۰ قانون اساسی و حفاظت از محیط زیست به گونه‌ای که نسل حاضر و نسل‌های آینده بتوانند در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند.
۲. حرکت در جهت تأمین حق بشری هر شهروند ایرانی بر دسترسی به محیط زیست سالم و تضمین دسترسی نسل‌های آینده به منابع طبیعی تجدیدناپذیر.
۳. تدوین لایحه قانون جامع حفاظت از محیط زیست کشور و بازآفرینی شورای عالی حفاظت محیط زیست با ترکیبی متعادل بین مقامات دولتی و غیردولتی و مبتنی بر واقعیات محیط زیست کشور.
۴. تجدید ساختار وظایف و اختیارات سازمان حفاظت محیط زیست و بهره‌گیری از توان علمی و مدیریتی اندیشمندان و صاحب نظران کشور.
۵. مشارکت در حرکت جهانی برای حفاظت و بهسازی محیط زیست به گونه‌ای که متناسب با شأن شهروندان با فرهنگ ایرانی و درخور نام بزرگ ایران در جهان باشد.
۶. رعایت اقتضائات حقوقی توسعه پایدار در تمامی بخش‌های اقتصاد کشور.
۷. ایجاد الزام حقوقی قوی برای اتخاذ و اعمال سیاست‌های دقیق، کارآمد و عملی در ارزیابی راهبردی زیست‌محیطی، و نیز ارزیابی اثرات زیست‌محیطی با مشارکت واقعی و مؤثر مردمی که توسط نهادها و مؤسسات علمی مستقل دارای قابلیت‌های علمی و فنی لازم و کافی به اجرا در آیند و نیز فراهم آوردن زمینه‌های حقوقی توجه واقعی به این ارزیابی‌ها در انجام طرح‌های گوناگون.
۸. بازبینی سیاست‌های حقوقی برای جلوگیری از تخریب منابع طبیعی، بویژه تخریب وسیع جنگل‌ها به عنوان نقاط کانونی تنوع زیستی، به منظور جلوگیری از تخریب زیستگاه‌ها، انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری و نیز پیشگیری از وقوع سیلاب‌های مهیب ناشی از پاک تراشی جنگل‌ها.
۹. تدوین استلزامات حقوقی برای جلوگیری و کند کردن روند بیابان‌زایی در کشور بر اساس اصل توجه به حفظ جنگل‌ها و بهسازی مراتع.
۱۰. تدوین برنامه‌های عملی و ویژه برای حفظ و احیای تالاب‌ها به عنوان غنی‌ترین کانون‌های تنوع زیستی.
۱۱. تدوین موازین حقوقی ویژه به منظور پیشگیری از انقراض گونه‌های پرچم.
۱۲. تجدیدنظر در سیاست‌گذاری و مدیریت و موازین حقوقی بخش‌های آب، انرژی و راهسازی به عنوان مهمترین عوامل تخریب محیط زیست ایران.
۱۳. سرمایه‌گذاری و تمرکز بر بهره‌گیری از منابع انرژی تجدیدپذیر و پاک به ویژه انرژی خورشیدی و بادی با توجه به ظرفیت‌های بالای کشور در تأمین این گونه انرژی‌ها.
۱۴. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی عملی برای حفظ و احیای فرهنگ‌های محلی و بومی سازگار با محیط زیست در تمامی مناطق کشور.

۱۵. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای مدیریت صحیح، علمی و عملی انواع پسماندهای شهری، بیمارستانی، صنعتی، کشاورزی، به‌ویژه پسماندهای خطرناک و نیز برنامه‌ریزی دقیق و عملی برای بازیافت زباله.
۱۶. پیش‌گیری و کنترل استفاده بی‌رویه از کودهای شیمیایی در بخش کشاورزی که موجب به‌خطر افتادن سلامت انسان و محیط زیست شده است.
۱۷. فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای مشارکت کارآمد، واقعی و جدی شهروندان، نهادهای جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در روند سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، مقررات‌گذاری و اجرا در حوزه‌های گوناگون زیست‌محیطی
۱۸. تصویب و اجرای طرح ملی آموزش‌های (رسمی و غیر رسمی) زیست‌محیطی، شامل:
- ظرفیت‌سازی، آموزش و تربیت کارکنان و مدیران اجرایی مؤسسات عمومی، دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی در تمامی سطوح در خصوص محیط زیست و توسعه پایدار.
 - آموزش، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی در خصوص مسائل زیست‌محیطی به تمامی شهروندان به‌ویژه زنان و جوانان و بازنگری نظام آموزشی رسمی کشور در تمامی مقاطع تحصیلی از ابتدایی تا دانشگاه.
۱۹. بازبینی موازین حقوقی تقویت سامانه‌های حمل و نقل عمومی به منظور کاهش هزینه انرژی و افزایش سلامت و رفاه شهروندان.
۲۰. افزایش سطح تعاملات بین‌المللی به منظور بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و منابع جهانی برای بهبود محیط زیست کشور.

برنامه تحول در آموزش و پرورش

۱. حرکت به جانب آموزش و پرورش معلم محور و ارتقای مشارکت معلمان در برنامه ریزی آموزشی و پرورشی.
۲. خارج شدن آموزش و پرورش به ویژه سالهای آخر تحصیلی از فضای رقابت خشن بر سر ورود به مقاطع تحصیلی آموزش عالی.
۳. برنامه ریزی آموزش و پرورش در جهت ایجاد و تقویت مهارتهای جوانان در مواجهه با مسائل زندگی.
۴. پرورش روحیه انتقادپذیری و ظرفیت و تحمل آراء و اندیشه های دیگران به جای روحیه تحکم و خود رأیی.
۵. فراهم آوردن مجالی برای طرح پرسشها و دغدغه های فرهنگی به ویژه دینی به جای برخوردهای پرخاشگرانه.
۶. مشارکت همه جانبه معلمان از طریق تشکیل شوراهای معلمان در تمامی سطوح و واگذاری نقش واقعی به این شوراها در زمینه های رفاهی، معیشتی، آموزشی و پرورشی.
۷. ارتقای منزلت اجتماعی و شرایط اقتصادی و معیشتی معلمان به گونه ای که بهترین و کارآمدترین نیروها از روی رغبت و نه صرفاً از روی احساس وظیفه به کار آموزشی و پرورشی روی آورند.
۸. طراحی سازو کار لازم برای افزایش نقش موثر معلمان و اولیای دانش آموزان در انتخاب مدیران مدارس.
۹. پرهیز از امنیتی کردن فضای آموزش و پرورش
۱۰. ایجاد و گسترش فضای رقابتی بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی

برنامه تحول در آموزش عالی

الف) ناکید بر استقلال دانشگاهها و پژوهشگاهها از مدیریت دولتی با حفظ مسئولیت و پاسخگویی آنها در قبال جامعه

ب) توسعه کیفی آموزش عالی، پژوهش و فناوری از طریق:

- ۱- طرح آموزش عالی برای همه با گسترش دوشهای نوین بصورت تمام وقت و نیمه وقت
- ۲- توجه به کیفیت آموزش و ارتقای شاخص های کیفی بر اساس معیارهای بین المللی
- ۳- تأمین زیرساخت های مناسب پژوهشی و فناوری در کشور
- ۴- تحقق سهم پژوهش از درآمد ناخالص ملی بر اساس برنامه چهارم

ج) مشارکت مؤثر دانشگاهیان در روند تصمیم گیریهای دانشگاه و انتصاب رؤسای دانشگاهها و دانشکده ها
د) ارتقای شأن دانشگاهیان و بهره گیری از اندیشه و تجربه آنان در تصمیم گیریهای کشور

ه) برطرف ساختن فضای امنیتی از محیط دانشگاهها و پژوهشگاهها:

- ۱- رفع حصار امنیتی از محیط های آموزش و پژوهش عالی و فراهم نمودن زمینه رشد اندیشه نقادانه و پرسشگرانه
- ۲- رفع اقداماتی نظیر ستاره دار کردن دانشجویان و محدودیت های غیر قانونی و سلیقه ای اساتید
- ۳- اصلاحات بنیادین در قانونمند ساختن نحوه ورود و گزینش دانشجویان و اساتید به دانشگاهها

و) ایجاد آرامش فکری و روانی میان دانشجویان

- ۱- ایجاد امنیت برای فعالیت تشکل های دانشجویی در دانشگاهها
- ۲- تقویت صندوق رفاه دانشجویان برای پوشش کامل شهریه در دانشگاههای دولتی و غیر دولتی و رفع دغدغه سنگین خانواده ها
- ۳- حمایت رفاهی و مالی ویژه از دانشجویان تحصیلان تکمیلی و مناهل
- ۴- بهبود امانات رفاهی برای دانشجویان

ز) تسهیل مشارکت بخش غیر دولتی در آموزش عالی در قالب اصل ۴۴ قانون اساسی

ح) برقراری پیوند میان آموزش و پژوهش عالی و بخش صنعت و فناوری

ط) برقراری ارتباط منطقی میان فارغ التحصیلی و بازار کار

برنامه ارتقای سلامت

۱. توسعه گروه‌های کارشناسی و گسترش سیاست‌گذاری مبتنی بر نتایج حاصل از مطالعات علمی و شواهد در بخش سلامت
۲. توسعه تعامل، همکاری، و راهبری بین بخشی با هدف تاثیر گذاری بر عوامل و کارکردهای برون بخشی موثر بر سلامت
۳. توسعه کارکرد پایش، کنترل، و اعمال حاکمیت درون بخشی با تاکید بر بخش غیردولتی خدمات
۴. استقرار نظام جامع انفورماتیک سلامت در سطح کشور و مدیریت متمرکز داده های سلامت در پایگاه ملی داده های سلامت
۵. گسترش نظام ارایه مراقبت های اولیه با تاکید بر نقش پزشکان خانواده
۶. تدوین، شفاف سازی و بازنگری بسته پایه خدمات سلامت به عنوان یکی از حقوق مثبتة آحاد جامعه مورد تاکید در قانون اساسی و بخشی غیر قابل انکار از تکالیف دولت
۷. عدالت‌مند کردن بیمه های سلامت از طریق حق بیمه تزییدی بر اساس درآمد، اجباری نمودن بیمه سلامت و یکسان سازی خدمات بیمه های سلامت که از بودجه عمومی تغذیه می‌شوند
۸. تاکید بر خرید خدمت راهبردی سلامت در مقابل خرید خدمت انفعالی توسط دولت و صندوق های بیمه ای
۹. اصلاح شیوه پرداخت به ارائه کنندگان خدمات سلامت با محوریت پرداخت سرانه
۱۰. طراحی و استقرار نظام جامع تضمین کیفیت و تعالی خدمات بالینی با تاکید بر تدوین و بکارگیری راه کارهای طبابت بالینی
۱۱. مدیریت عوامل خطرزای سلامت با تاکید بر کارکرد راهبری بین بخشی و از طریق تشکیل کمیته های بین بخشی کاهش خطرات سلامت
۱۲. افزایش عدالت در توزیع سلامت از طریق مدیریت عوامل اجتماعی موثر بر سلامت
۱۳. توانمندسازی آحاد جامعه برای حفظ و ارتقاء سلامت خود از طریق طراحی و اجرای برنامه ملی ارتقای سواد سلامت
۱۴. کاهش آثار سوء ناشی از عدم تقارن اطلاعات بیمار- پزشک از طریق تربیت و بکارگیری مشاوران استفاده از خدمات پزشکی
۱۵. ارتقاء اثربخشی و کیفیت آموزش علوم پزشکی از طریق اصلاح برنامه های آموزشی و استفاده از شیوه ها و مدل های نوین آموزشی
۱۶. ارتقاء پاسخدهی آموزش علوم پزشکی به نیازهای جامعه و الزامات بخش سلامت از طریق جامعه نگر نمودن برنامه های آموزشی

- ۱۷ . هدفمند نمودن گسترش رشته ها و مقاطع تحصیلی جدید در آموزش علوم پزشکی از طریق تدوین طرح راهبردی توسعه آکادمیک در علوم پزشکی
- ۱۸ . بررسی ادواری دانش و مهارت های پزشکان و سایر ارایه کنندگان خدمات سلامت
- ۱۹ . افزایش استقرار سامانه ملی نیازسنجی، اولویت گذاری، و حاکمیت پژوهشی
- ۲۰ . طراحی و استقرار نظام نوآوری بخش سلامت با تاکید بر علوم، فناوری ها و صنایع در حوزه های دارو، تجهیزات پزشکی و بیوتکنولوژی
- ۲۱ . تاکید بر اجرای جنبه های مغفول قانون برنامه چهارم توسعه نظیر کاهش میزان پرداختی از جیب مردم در مورد هزینه های درمان، کاهش میزان خانوارهای آسیب پذیر از هزینه های غیر قابل تحمل سلامت
- ۲۲- رفع نیازهای درمانی اورژانس بیماران بخصوص مصدومین حوادث و (تروما) با افزایش توانایی خدماتی و مالی بخشهای درمانی در این زمینه و اصلاح راهکارهای مدیریتی در این بخش.
- ۲۳- بهبود و افزایش کیفیت ارائه خدمات درمانی در بیمارستانهای دولتی با تاکید بر تقویت نظام بیمه ای با اصلاح روش های مدیریتی و بهره وری
- ۲۴- حمایت از رشد و گسترش خدمات درمانی بخش خصوصی در راستای تکمیل و گسترش شبکه بهداشتی و درمانی کل کشور با تاکید بر نقش حمایتی و نظارتی دولت برای این بخش
- ۲۵- رشد سرانه سلامت و تقویت نظام بیمه ای مطابق برنامه چهارم توسعه و هماهنگ نمودن این سرانه با افزایش هزینه های حوزه سلامت
- ۲۶- تدوین راهنمای خدمات بالینی کشوری با مشارکت انجمنهای علمی و جامعه پزشکی
- ۲۷- تقویت و حمایت از سازمانهای خیریه و مردم نهاد فعال در حوزه سلامت

برنامه حمایت از واحدهای تولیدی در شرف ورشکستگی

۱. ملزم نمودن دستگاههای اجرایی و شرکتهای دولتی به تسویه سریع بدهیها به بنگاههای بخش خصوصی.
۲. ایجاد نهادهای لازم برای فروش اوراق مشارکت شرکتهای خصوصی.
۳. کمک به واحدهای تولیدی که در اثر سیاستهای دولت در معرض ورشکستگی قرار گرفتهاند، با:
 - بخشودگی جرایم مالیاتی
 - استمهال بدهی آنها به بانکها
 - حذف جرایم تأخیر در پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی کارگاهها در کنار انجام تکالیف سازمان تأمین اجتماعی برای کارگران آنها
۴. تعیین تکلیف نحوه اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده برای تمامی بنگاهها

برنامه آینده بهتر خانواده‌ها در سکونتگاه‌های غیررسمی

مردم عزیز و زحمتکش در پیرامون شهرهای بزرگ ما محلاتی برپا کرده‌اند که چهره آن دل هر انسان مسئولی را به درد می‌آورد. در این محلات دسترسی به امکانات آموزشی، بهداشتی و اوقات فراغت بسیار محدود و از متوسط شهر مادر بسیار پایین‌تر است. امنیت در همه ابعاد آن از سرپناه تا آرامش حضور در محلات به خصوص برای زنان و کودکان بسیار پایین است. خانواده‌های پر جمعیت بر سر سفره‌های خالی نشسته‌اند و آینده کودکان و جوانان مبهم و تیره است. وزارت مسکن و شهرسازی برآورد کرده است که بیش از ۷.۵ میلیون نفر در این محلات ساکنند و این روند رو به گسترش است.

مردم این مناطق علیرغم همه محرومیت‌ها بسیار مشارکت‌جو و فعال و خلاق هستند. این سرمایه‌ای بزرگ است که باید از آن بهره‌گرفت. آنها به صدقه‌نیازی ندارند. به کمک مردم این محلات باید تلاش نمود وضعیت معیشتی‌شان و چهره این محلات دگرگون شود. برای تحقق این هدف باید اقدامات زیر صورت گیرد:

۱- پرده برداری از فقر و محرمیت این مناطق و شهروند دانستن ساکنان این محلات باید از وضعیت تاسف‌بار این مناطق پرده برداری نمود تا اولویت‌های تصمیم‌گیری تغییر کند. همه مردم و مسئولان باید بدانند بخشی از مردم این کشور با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند. متأسفانه رسانه‌ها و بویژه سیمای جمهوری اسلامی تاکنون مشکلات این مناطق را به مسئله‌ای عمومی تبدیل نکرده است. کتمان واقعیت و برخورد تخریبی با این محلات بدترین شیوه ممکن است. آشکار نمودن واقعیت بهترین سیاست برای حل مسئله است.

۲- بهبود ارائه خدمات رفاهی دسترسی بهتر به خدمات آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و آب و برق و امکانات رفاهی برای کودکان و زنان، بهسازی معابر و مهمتر از آن بهسازی و بهبود سرپناهی که خود ساخته‌اند، حقی است که باید این محلات از آن برخوردار شوند.

مردم این محلات از شهروندان این کشورند و نباید از خدماتی که دولت به سایر مردم می‌دهد محروم باشند.

۳- پیوند اقتصاد سکونتگاه‌های غیررسمی با اقتصاد شهر مادر. این سکونتگاه‌ها خدمات اقتصادی بسیاری را به صورت غیررسمی ارائه می‌دهند. توجه به اقتصاد این مناطق به شکوفایی اقتصاد شهری نیز کمک می‌کند. باید به نحوی برنامه‌ریزی نمود که جوانان این مناطق با ارتقاء مهارت‌هایشان امکان پیوند با اقتصاد و بازار کار موجود را پیدا کنند. به طور مثال مردم این محلات قادر به ارائه خدمات خانگی مانند لوله‌کشی، تعمیر شوفاژ، رنگ‌کاری و سایر فعالیتهای خدماتی و تولیدی هستند. باید با افزایش مهارت و عضویت این جوانان در اصناف مربوطه و نیز ایجاد

تشکل های جدید حرفه ای آنها را با اقتصاد رسمی پیوند داد. تغییر در شرایط موجود محلات اگر با مهارت آموزی ساکنان آنها همراه باشد مهمترین و در دسترس ترین بازار کار محسوب می شود. علیرغم محدودیت مالی باید تلاش کرد تا چهره همه سکونتگاه های غیر رسمی (بیش از ۵۰۰ محله در شهرهای مختلف کشور نظیر عین دو و کوت عبدالله در اهواز، سیلاب قوشخانه در تبریز، علی گل سفید در خرم آباد، دباغ خانه در بجنورد و ...) با مشارکت و همکاری ساکنان آنها تغییر یابد. به امید زدودن فقر از چهره ایران عزیز و اجرای کامل قانون اساسی

برنامه حمایت از معلولان

۱. تلاش‌های فرهنگی برای حذف نگرش‌های منفی موجود در قبال معلولان و ارتقای اعتماد به نفس معلولان در جامعه، از جمله ارتقای آگاهی عمومی در زمینه کم توانی با همکاری رسانه‌ها.
۲. فراهم کردن بسترهای لازم برای حضور فعال و مؤثر افراد معلول در جامعه به‌ویژه با تشویق و ترغیب ایجاد سازمان‌های مدنی مربوط به معلولان و شرکت دادن آنها در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به خودشان.
۳. تشکیل شورای عالی معلولان .
۴. اصلاح قوانین و مقررات موجود با ضمانت‌های اجرایی لازم با توجه به موازین و استانداردهای بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب مجمع عمومی سازمان ملل و مجلس شورای اسلامی.
۵. اجرای قوانین و مقررات مربوط به مناسب‌سازی معابر و خیابان‌ها، حمل‌ونقل درون‌شهری و برون‌شهری، مراکز علمی و آموزشی از مهدکودک‌ها تا دانشگاه‌ها، مراکز تجاری و اداری و تشویق گسترش الگوهای مناسب سازی در اماکن خصوصی.
۶. اختصاص درصدی از تولیدات مناسب سازی شده کارخانه‌ها از جمله خودروسازی به معلولان جسمی و حرکتی.
۷. فراهم نمودن زمینه‌های اشتغال متناسب با توانایی‌های جسمی و علمی معلولان.
۸. شناسایی همه افراد معلول در جامعه و تلاش برای قرار دادن آنها تحت پوشش بیمه همگانی و مکمل.
۹. رعایت سهم ۱۰ درصدی جمعیت معلولان (شامل معلولیت‌های شدید، متوسط و خفیف) در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، تخصیص منابع
۱۰. کاهش نابرابری‌های موجود میان معلولان و افراد عادی با اعمال تبعیض مثبت (تبعیض برای کسانی که مورد تبعیض قرار گرفته‌اند)
۱۱. جدی گرفتن آموزش معلولان در سطوح مختلف از کودکان تا دانشگاه و نیز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای آنان.
۱۲. ساخت و تکمیل واحدهای مسکونی ویژه معلولان.
۱۳. طراحی مجموعه نرم افزارهای صفحه خوان، موتور صوتی هوشمند و شناسه گر نوشتار فارسی.

ضمائم

برنامه مهار تورم

تورم، بیماری مزمن اقتصاد ایران در سه دهه اخیر بوده است. بیماری ای که علائم آن از سالهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و در پی افزایش قیمت نفت آغاز شد و تا کنون تداوم داشته است. شاخص تورم به جز دو سال، یعنی سال ۱۳۶۴ با کمتر از ۶ درصد و نیز سال ۱۳۶۹ با نزدیک به ۹ درصد در تمامی سالهای سه دهه اخیر، دو رقمی بوده است.

آثار موفقیت چشمگیر دولت هشتم در نزولی نمودن روند رشد قیمت ها و رساندن آن به اندکی بیش از ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۴، با سیاستهای نادرست دولت نهم از میان رفت و سیر صعودی قیمتها به اندازه‌ای شد که در سال گذشته (۱۳۸۷) مردم ایران تورم بیش از ۲۵ درصدی را تحمل کردند؛ این به معنای از دست دادن یک چهارم قدرت خرید درآمدهای مردم است.

چنین سطحی از افزایش قیمت‌ها دولت را ناگزیر به بالا بردن حقوق و دستمزد، هر چند با تأخیر می‌کند که چون خود به گرانی بیشتر دامن می‌زند و از قدرت خرید کارکنان و کارگران می‌کاهد، گرهی از کار آنان نمی‌گشاید و آنها را چشم‌انتظار افزایش‌های بعدی و بی‌حاصل حقوق‌ها و دستمزدها نگه می‌دارد.

متخصصان، یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر بسیاری از آسیب‌هایی را که خانواده‌های ایرانی امروزه به لحاظ اقتصادی و اجتماعی با آن مواجهند را نرخهای بالای تورم می‌دانند. این پدیده در کنار یافتن شغل مناسب به اصلی‌ترین نگرانی‌های آنها تبدیل شده است. بنابراین، دستیابی به نرخ تک‌رقمی تورم هدفی اجتناب‌ناپذیر برای دولت دهم است.

برای مقابله با تورم، باید نخست عوامل مؤثر بر آن را شناخت و آنگاه بر مبنای آن به جستجوی راه‌حلها رفت. جدولی که در پی می‌آید، اصلی‌ترین شاخصهای پولی و بانکی مؤثر بر شکل‌گیری این پدیده در سالهای اخیر را توضیح می‌دهد:

ارقام به هزار میلیارد ریال

شاخص	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	دی ماه ۱۳۸۷
نقدینگی	۶۸۶	۹۲۱	۱۲۸۴	۱۶۴۰	۱۷۳۴
دارایی های خارجی	۵۹۳	۷۷۱	۹۲۹	۱۱۸۴	۱۳۲۴
بدهی بخش دولتی	۲۳۶	۲۳۶	۲۵۶	۲۸۱	۲۹۴
بدهی بخش غیردولتی	۶۲۶	۸۶۵	۱۲۲۶	۱۶۶۴	۱۷۷۹
بدهی بانک ها به بانک مرکزی	۲۱	۳۶	۵۵	۱۳۸	۲۱۶
اسکناس و مسکوک	۴۹	۵۷	۶۸	۸۹	۱۶۴
شاخص بهای کالاهای و خدمات مصرفی (۱۳۸۳=۱۰۰)	۱۰۰	۱۱۰.۴	۱۲۳.۵	۱۴۶.۲	۱۸۱.۶۷
نرخ تورم (درصد)	۱۵.۳	۱۰.۴	۱۱.۹	۱۸.۴	۲۴.۳

بر اساس این جدول:

۱. وضعیت رشد نقدینگی در اقتصاد ایران در سال های گذشته حاکی از آن است که سیاست پولی مدیرانهای نداشته ایم. پول در موارد عدیده ای حالت منفعل به خود گرفته، یعنی پول از روی اضطرار و غیرعامدانه، مثلاً به دلیل فروش نرفتن ارزهای خریداری شده توسط بانک مرکزی، کسر بودجه های آخر سال، مابه التفاوت نرخ های ارزهای در موقع دریافت و بازپرداخت دیون، انتشار یافته است. البته انواع وام های معوقه بانکی نیز به رشد نقدینگی کمک کرده است.
۲. میزان بدهی بانکها به بانک مرکزی که تا سال ۱۳۸۳ روند نزولی داشت، از سال ۱۳۸۴ روندی افزایشی به خود گرفت و از رقم ۳۵۹۱۶/۲ میلیارد ریال به ۲۱۶۲۷۵ میلیارد ریال تا پایان آذر ماه ۱۳۸۷ رسید. افزایش بدهی بانکها به بانک مرکزی، علاوه بر آثار تورمی آن در اقتصاد کلان، حاکی از کاهش نسبت خود اتکایی بانکها (نسبت سپرده ها به تسهیلات) و افزایش وابستگی آنها به بانک مرکزی است که موجب افزایش هزینه های بانک و کاهش کارایی و سودآوری بانکها می شود.
۳. آمارهای ۳۰ سال گذشته نشان دهنده این است که ما یا مازاد ارزی داشته ایم (یعنی قدرت جذب کامل ارزها را نداشته ایم) که این خود در ترازنامه بانک مرکزی منعکس و موجب رشد پایه پولی و نقدینگی شده و آثار تورمی آن مثل اثر چاپ پول بدون پشتوانه بوده است و یا با کمبود ارزی مواجه بوده ایم که این خود موجب گرانی ارز و تحریک انتظارات تورمی و رواج معاملات سوداگرانه ارز شده و ما را در تأمین مواد اولیه و کالاهای با تکنولوژی بالا دچار مشکل کرده است.

راه کارهای مقابله با تورم

نرخ تورم تک رقمی با اجرای سیاستهای زیر قابل دستیابی است:

۱. محدود کردن پایه پولی؛ با:
 - اعمال مدیریت تولید محور بر منابع ارزی
 - انضباط بخشیدن به حساب ذخیره ارزی
۲. کاهش کسری بودجه با:
 - اصلاح نظام بودجه ریزی (در این خصوص برنامه جداگانه‌ای ارائه شده است)
 - اصلاح نظام مالیات ستانی
 - افزایش انضباط و شفافیت در عملکرد شرکت‌های دولتی
۳. تقویت بنیه‌های تولید؛ از جمله با:
 - جهت‌دادن تسهیلات اعتباری به سمت فعالیتهای مولد
 - بهبود فضای کسب و کار (در این خصوص برنامه جداگانه‌ای ارائه شده است)
۴. اصلاح نظام تصمیم‌گیری پولی و اعتباری؛ از طریق:
 - احیا و تجدید ساختار شورای پول و اعتبار
 - ارتقای اقتدار بانک مرکزی
۵. اجتناب از اجرای سیاستهای تورم زا به ویژه در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات دولتی

دولت الکترونیک ابزاری برای تحقق عدالت، آزادی و افزایش کارایی

در جهان کنونی شاهد تحولی عظیم بنام انقلاب انفورماتیک هستیم که اطلاعات یعنی گران‌سنگ‌ترین سرمایه ملل، از انحصار وابستگان به قدرت، خارج و به طور برابر در اختیار همگان قرار گرفته است.

پس از پایان جنگ تحمیلی و در دو مقطع سال‌های نخست دهه هفتاد و سپس در ابتدای دهه هشتاد خیزشی برای بکارگیری این فناوری در کشور ما ایجاد شد که خیزش اول به دلیل اتکاء بیش از حد به شرکت‌های دولتی و عدم توجه به بخش خصوصی و خیزش دوم نیز با روی کارآمدن دولت نهم ابتر ماند.

دولت الکترونیک نقش موثری در کاهش بسیاری از مشکلات اقتصادی مردم دارد:

- اقتصاد ایران هر ساله ۴ تا ۶ درصد رشد دارد. دولت باید برای افزایش و حتی تداوم این رشد خدمات خود را افزایش دهد اما به دلیل کمبود بودجه در ارائه خدمات بیشتر با مشکل روبرو است. تعداد شرکتها هر ساله افزایش می‌یابد و نیازمند انبوهی از خدمات است. صادرات غیر نفتی نیازمند خدمات بیشتر و بهتر گمرک اند، حال آنکه دولت نمی‌تواند کارمندان و تعداد گمرکات خود را افزایش دهد. دولت الکترونیک راهکار موثر برای افزایش خدمات دولت است.
- نظام اداری ایران بسیار کند است. به طور مثال گرفتن مجوز از شهرداری و وزارت نیرو برای تاسیس یک کارگاه بیش از ۵۰۰ روز طول می‌کشد. مردم برای گرفتن مقاصد حساب از تامین اجتماعی و سازمان امور مالیاتی مجبور به مراجعه مستقیم و صرف زمان زیادی هستند. رسیدگی به یک پرونده در دادگاه‌ها در بسیاری از موارد بیش از دو سال طول می‌کشد. با دولت الکترونیک بخشی از این مشکل را می‌توان حل کرد.
- ارزش معاملات دولتی در ایران به ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسد. دولت الکترونیک در کاهش امکان بروز فساد در این معاملات نقش مؤثری دارد.
- عدالت مالیاتی در ایران وجود ندارد. افراد متوسط و آنها که در اقتصاد رسمی فعالیت می‌کنند بیش از ثروتمندان فعال در اقتصاد غیررسمی مالیات می‌پردازند. میزان مالیات به تولید ناخالص داخلی

در ایران حدود ۶ درصد و در کشورهای مشابه ما ۱۳ درصد است. با دولت الکترونیک می توان گامهای مفیدی در جهت برقراری عدالت مالیاتی برداشت.

- یکی از لوازم مهم ساماندهی به کشاورزی کشور صدور سالانه ۳۵۰ هزار سند مالکیت برای کشاورزان ایرانی است. سند مالکیت قدرت وام گیری آنها را افزایش می دهد، دارایی های آن ها را با ارزش تر می سازد و موجب کاهش اختلاف میان آنها می گردد. دولت الکترونیک می تواند به این تقاضای کشاورزان پاسخ دهد.

- مردم سالانه ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار شکایت علیه سازمان تامین اجتماعی اقامه می کنند. رسیدگی شفاف و عادلانه به این شکایات با دولت الکترونیک بسیار آسانتر است.

- بسیاری از مشکلات بهداشت و درمان کشور با دولت الکترونیک قابل حل است. اگر هر ایرانی یک پرونده الکترونیک درمانی داشته باشد که مراجعات تشخیصی و داروهای مصرفی او در آن ثبت شده باشد می توان سیر و فراوانی بیماری ها در کشور، اثربخشی داورها، کیفیت بیمارستان ها و مسیر درمان پزشکان را ردیابی کرد.

- تجارت الکترونیک در سایر کشورها موجب افزایش ۲۰ درصدی درآمد کشاورزان شده است. در کشور ما نیز باید دولت الکترونیک و تجارت الکترونیک را در همه بخش ها از جمله بخش کشاورزی محقق سازیم.

- دولت و شرکتهای دولتی سالانه ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی را سرمایه گذاری می کنند. با دولت الکترونیک می توان بازدهی این سرمایه گذاری را افزایش داد.

- در ایران آماری از ساختمان های دولتی وجود ندارد و هر ساله هزینه های سرسام آوری صرف گسترش و نگهداری این ساختمان ها می شود. به کمک دولت الکترونیک می توان از این روند جلوگیری کرد.

- تمرکز امور اداری در پایتخت زندگی را برای همه مردم ایران سخت کرده است به کمک دولت الکترونیک می توان به سمت تمرکززدایی اصولی حرکت کرد.

- دولت الکترونیک بار ترافیکی درون شهرهای ایران را کاهش می دهد.
- با دولت الکترونیک می توان از مراجعه مستقیم مردم به ادارات و سردرگمی آنها جلوگیری کرد.
- نظام اداری الکترونیکی هزینه تولید همه فعالیت ها را در کشور کاهش می دهد زیرا هزینه کسب اطلاعات از همه بازارها را کاهش می دهد.

یکی از مهم ترین وظایف هر دولتی تحویل خدمات عمومی به شهروندان، بنگاه های اقتصادی و سایر سازمان ها و موسسات موجود در جامعه است. اگر دولتی به طور مداوم مراحل و سلسه مراتب تحویل این خدمات را بازسازی و اصلاح نکند، تحویل این خدمات به خصوص در جوامع پیچیده امروزی روز به روز برای دولت سخت تر می شود. نتیجه این عدم اصلاح ساختارهای حکومتی، عدم کارایی در ارائه خدمات دولتی است که باعث می شود هزینه ارائه این خدمات هم برای دولت و هم برای شهروندان بالا رفته و فساد مالی در ساختار دولت، مثلاً از طریق پرداخت رشوه برای انجام شدن سریع تر کارها، افزایش یابد.

دولت دهم تمام اهتمام خود را بکار خواهد برد تا عقب ماندگی های ساختاری کشور را با بهره گیری از امکانات علمی - فنی کشور، توانمندی های شرکت های بخش خصوصی و جوانان و نخبگان فعال حوزه فناوری اطلاعات جبران کند.

رئوس برنامه ها

- ۱- توجه ویژه به محوریت فناوری اطلاعات در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به منظور ارتقاء بهره‌وری و رشد اقتصادی و ابزار توسعه
- ۲- توسعه بسترهای دسترسی به ارتباطات و اینترنت؛ از طریق:

۲-۱- فراهم نمودن امکان دسترسی رایگان آحاد مردم به اینترنت از طریق خطوط تلفن در سراسر کشور

۲-۲- ارائه خدمات اینترنت پرسرعت برای کلیه کاربران اعم از خانگی و غیرخانگی

۳- عملی نمودن آرمان تکریم ارباب رجوع و کرامت انسانی شهروندان با حمایت همه جانبه از عرضه خدمات اداری، تجاری، بانکی و اجتماعی در محیط اینترنت

۴- تغییر رویکرد به مقوله فیلترینگ در اینترنت به منظور تأمین آزادی بیان و حفظ حریم شخصی افراد و ملاحظات فرهنگی و اجتماعی، بارور ساختن نوآوری جوانان و نخبگان و به ویژه توسعه شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های مجازی و نهضت وب‌لاگ‌نویسی که نقش مهمی در افزایش سهم خط فارسی و تولید نوآوری در محیط سایبر داشته است.

۵- فراهم نمودن فرصت برابر برای آحاد مردم در دسترسی و استفاده از اطلاعات و داده‌های موجود در بخش‌های مختلف دولت از طریق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی که به مثابه یک ثروت ملی است.

۶- توسعه اشتغال دانش محور از طریق حمایت از تبدیل فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سنتی به فعالیت‌های فناورانه

۷- زنده نگه داشتن زبان و فرهنگ فارسی از طریق کمک به اشاعه آن در محیط دیجیتال

۸- استفاده از دانش و تجربیات جهانی با توسعه روابط بین الملل و همچنین جلب مشارکت نخبگان ایرانی خارج از کشور.

۹- تقویت نهادها و بنیان علمی-پژوهشی کشور و ارتقاء صنعت فناوری اطلاعات ایران در عرصه رقابت جهانی.

الف: توجه ویژه به محوریت فناوری اطلاعات در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به منظور ارتقاء بهره‌وری و رشد اقتصادی و ابزار توسعه؛ با:

۱- به اجرا گذاردن برنامه جامع توسعه کاربری فناوری اطلاعات در کشور با استفاده از تجارب و سابقه امر در کشور و با رویکرد کاهش هزینه‌های استفاده از اینترنت بخصوص استفاده از خدمات اینترنت پرسرعت و گسترش استفاده عمومی از آن در سطح جامعه

۲- اختصاص اعتبار مناسب و درصدی از بودجه سالیانه دستگاه‌های دولتی برای بکارگیری فناوری اطلاعات و ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی و مقرراتی و

۳- سامان دهی و بازآرایی نهاد راهبری فناوری اطلاعات کشور با رویکرد استفاده از نهادهای موجود و تقسیم وظیفه ملی به منظور هماهنگی در تدوین برنامه و اجرا و نظارت بر فعالیت‌های حاکمیتی در حوزه فناوری اطلاعات

۴- سامان دهی ساختار مناسب به منظور ایفای وظایف حاکمیتی اعم از سیاستگذاری و تنظیم مقررات با رویکرد واگذاری وظایف اپراتوری به بخش خصوصی و تعاونی

ب: توسعه بسترهای دسترسی به ارتباطات و اینترنت؛ با:

۵- استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود دستگاه‌های دولتی و عمومی کشور در حوزه خدمات شبکه زیرساخت به منظور ایجاد فضای رقابتی در ارائه خدمات انتقال شبکه‌های ارتباطی با تدوین مقررات مناسب

۶- تقویت و تکمیل زیرساخت‌های ارتباطی موجود کشور با استفاده از توان بخش خصوصی و تعاونی به منظور تامین ارتباطات پرظرفیت برای کلیه کاربران

۷- ایجاد هاب منطقه‌ای اینترنت با استفاده بهینه از ظرفیت‌های اتصالات بین‌الملل و تامین مسیرهای پشتیبان با استفاده از توان بخش خصوصی

۸- به منظور بسط عدالت و توانمندسازی عموم جامعه ضوابط و مقررات جدید برای ایجاد رویه‌های نو در بازار خدمات مخابرات و اطلاع رسانی کشور تدوین باید گردد.

ج: عملی نمودن آرمان تکریم ارباب رجوع و کرامت انسانی شهروندان با حمایت همه جانبه از عرضه خدمات اداری، تجاری، بانکی و اجتماعی در محیط اینترنت؛ با:

۹- ایجاد پایگاه‌های داده اینترنتی توسط دستگاه‌های اجرایی

۱۰- الزام دستگاه‌های دولتی در ارائه خدمات خود بصورت الکترونیکی

د: تغییر رویکرد به مقوله فیلترینگ در اینترنت به منظور تأمین آزادی بیان و حفظ حریم شخصی افراد؛ با:

۱۱- بازتعریف نقش و جایگاه دولت در بخش فناوری اطلاعات کشور با تاکید بر حفظ حریم خصوصی و تامین امنیت ارتباطات افراد و آزادی بیان

- ۱۲- تدوین ضوابط و مقررات شفاف با تعیین سیاست‌ها، مصادیق و اولویت‌های مد نظر کشور در حوزه فیلترینگ با قابلیت پیگیری و نظارت آن‌ها از سوی کاربران و نهادهای صنفی
- ۵: فراهم نمودن فرصت برابر برای آحاد مردم در دسترسی؛ با:
- ۱۳- پیگیری تصویب لایحه جریان آزاد اطلاعات
- ۱۴- در اختیار قرار دادن اطلاعات غیر امنیتی دستگاه‌های دولتی برای استفاده عموم مردم و پژوهش‌گران و شرکت‌های خصوصی در قالب ایجاد بانک‌های اطلاعاتی
- و: توسعه اشتغال دانش محور از طریق حمایت از تبدیل فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سنتی به فعالیتهای فناورانه؛ با:
- ۱۵- فروش سهام شرکت‌های دولتی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات مطابق با قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به منظور افزایش بهره‌وری و ایجاد زمینه برای بکارگیری بخش خصوصی و تعاونی و توسعه اشتغال
- ۱۶- تامین نیازمندی‌های پژوهش و نوآوری و حمایت از فعالیتهای فناورانه با ایجاد زمینه‌های تشویقی مادی و معنوی
- ز: زنده نگه داشتن زبان و فرهنگ فارسی از طریق کمک به اشاعه آن در محیط دیجیتال؛ با:
- ۱۷- حمایت مادی و معنوی از تولید محتوای فارسی در محیط سایبری توسط عموم مردم، جوانان، نخبگان و بخش خصوصی در قالب برنامه‌های سالانه دستگاه‌های مسئول
- ط: زنده نگه داشتن زبان و فرهنگ فارسی از طریق کمک به اشاعه آن در محیط دیجیتال؛ با:
- ۱۸- تدوین برنامه اجرایی برای استفاده از تجربیات و سرمایه‌های ایرانیان مقیم خارج در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات
- ۱۹- تدوین برنامه اجرای و رویه‌های لازم برای حمایت از صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور در بازار داخلی و رقابت جهانی

برنامه از میان برداشتن فقر مسکن و اجرای اصل سی و یکم قانون اساسی

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به خصوص روستا نشینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. (اصل سی و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

از جمله حقوق برآمده از انقلاب اسلامی برای مردم که در قانون اساسی بازتاب یافته، «حق داشتن مسکن متناسب با نیاز» است. به منظور نخستین گام برای تأمین این حق در همان ابتدای پیروزی انقلاب در فروردین ماه ۱۳۵۸، به فرمان امام(ره) نهادی انقلابی بنام (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) تأسیس شد. اما برغم دستاوردهای مثبت در گذشته، بسیاری از آمار و اطلاعات و شاخص ها به خصوص رکود توری جاری در بخش مسکن نشان‌دهنده ناکافی بودن این اقدامات در این زمینه است.

در شرایط کنونی ایجاد تحول بنیادی در بخش مسکن ضرورت تام دارد. در پیوست این برنامه فهرستی از مشکلات بخش مسکن ارائه شده است.

بهای متوسط یک مسکن متعارف در شهرهای بزرگ ایران به بیش از ۱۰ برابر درآمد سالانه یک خانوار شهری رسیده، در صورتی که این شاخص در معیار بین المللی ۵، در کشورهای در حال توسعه ۶.۵ و در کشورهای توسعه یافته نزدیک به ۳.۵ برابر است. این به معنای آنست که هزینه مسکن بخش مهمی از درآمد یک خانوار را می‌بلعد. در حال حاضر هزینه اجاره مسکن خانوار در میان اقشار مختلف مردم در برخی از موارد تا حد ۴۵ درصد از درآمد خانوار را به خود اختصاص می‌دهد. سنگینی بار هزینه مسکن باعث بالا رفتن شدت و مدت کار سرپرستان خانوار از یکسو و کاهش توان پرداخت خانوار برای هزینه‌های خوراک و پوشاک و بهداشت از سوی دیگر می‌شود. نتیجه چنین فرآیندی تعمیق هر چه بیشتر فقر در سطح جامعه است. در حال حاضر بیش از ۳۰ درصد خانوارهای ایرانی فاقد مسکن مناسب اند و برآوردها نشان می‌دهند که در صورت اجرای طرح‌هایی مانند کاهش یارانه ها این نسبت به حد ۵۰ درصد افزایش می‌یابد.

هر چند شناسایی مسائل بخش مسکن اهمیت دارد اما مهم، تدوین و اجرای برنامه‌ای است که بتواند بر این مسائل فائق آید و فصل تازه‌ای را در بخش مسکن ایران بگشاید.

مهمترین عامل دگرگونی در وضعیت موجود، عزم جدی قوه مجریه است. تجربه چند دهه گذشته نشان می‌دهد که هرگاه دولت یکی از مشکلات اقتصادی جامعه را به عنوان مشکل اصلی برگزیده، گام‌های بزرگی در جهت حل آن برداشته است. به طور مثال فقر غذایی در دهه ۱۳۶۰ علیرغم جنگ تحمیلی به شدت کاهش یافت.

تا کنون بخش مسکن در میان اولویت های متعدد گم شده است. به طور مثال در ابتدای برنامه چهارم توسعه، تدوین برنامه ای همه جانبه برای بخش مسکن در دستور کار قرار گرفت، اما با اقدامات شتابزده کنار گذاشته و یا قلب ماهیت شد و در نتیجه وضعیت بحرانی کنونی پدید آمد.

دولت دهم در برنامه جامع مسکن برای تحقق این هدف بزرگ از سیاست های زیر بهره خواهد گرفت:

۱- تفویض اختیار به شهرداری ها به عنوان کارگزار نوسازی

در حال حاضر وزارت مسکن و شرکت های تابعه آن، مسئول نوسازی شهرها هستند و شهرداری ها مسئولیتی در این مورد ندارند. نوسازی شهر برای شهرداری هزینه های اضافی مانند ارائه خدمات و ایجاد زیرساخت های ارتباطی به همراه دارد، در حالی که در قبال این هزینه، درآمد چندانی کسب نمی کند. عوارضی که از بابت نوسازی شهر به شهرداری می رسد ناچیز و معمولاً با دردرس زیادی همراه است. به همین دلیل شهرداری ها انگیزه ای برای همکاری در نوسازی شهرها ندارند! از سوی دیگر، وزارت مسکن در شهرها ابزار کافی مانند مهیا نمودن اراضی و تملک بافت های فرسوده برای تسریع در این کار در اختیار ندارند. به عبارت دیگر، نوسازی در شهرها و روستاها فاقد مسئول و سازمانی مناسب است.

اگر شهرداری ها کارگزار و مسئول نوسازی شوند، این مشکل حل خواهد شد. در این صورت درآمد حاصل از آماده سازی زمین نصیب شهرداری می شود و شهرداری راحت تر می تواند عوارض خود را وصول کند. همچنین شهرداری ها ابزار بیشتری برای هماهنگی با وزارت نیرو و سایر دستگاه های خدمات دهنده در دست خواهند داشت.

با این اوصاف، چرا تا کنون این کار صورت نگرفته است؟ احتمالاً مهم ترین مانع برای این واگذاری مقاومت های درون وزارت مسکن است. هر انتقال قدرتی با مقاومت روبرو است و وزارت مسکن نیز از این قاعده مستثنی نیست. در کنار این مقاومت سازمانی، این نگرانی وجود دارد که شهرداری ها مسئله نوسازی را در میان انبوه وظایف خود فراموش کنند. برای حل این مشکل باید وزارت مسکن همچنان مسئولیت نوسازی شهرها را داشته باشد و شهرداری ها کارگزار و مجری طرح های نوسازی شوند. در غیر این صورت احتمال دارد با توجه به مشکلات شهرداری ها با فصل تازه ای از دلایلی در شهرداری ها روبرو شویم.

۲- اختصاص مالیات مستغلات و املاک برای نوسازی شهرها

شهرداری ها سهمی در مالیاتی که در یک شهر وصول می شود ندارند. از همین روی، فروش آسمان و تخریب فضای شهری و در واقع تجاوز به حقوق شهروندان از امور عادی شهرداری ها شده است. باید این روند مخرب متوقف شود. دولت می تواند با اختصاص مالیات بر مستغلات و املاک برای نوسازی شهر در تغییر این روند موثر باشد. این مالیات باید این مالیات در قبال طرح های نوسازی و زیر نظر وزارت مسکن به شهرداری واگذار گردد. در غیر این صورت شهرداری ها این مالیات را مصرف کرده اما نوسازی را فراموش می کنند.

۳- سیاست گذاری برای استفاده از ظرفیت خالی شهرهای جدید

از ابتدای دهه ۱۳۷۰ تا پایان اسفند ۱۳۸۷ برای اسکان بیش از سه میلیون و پانصد هزار نفر در شهرهای جدید زمین آماده شده و اختصاص یافته است اما تنها ده درصد این جمعیت در شهرهای جدید اسکان دارند.

عوامل متعددی در پدید آمدن این وضعیت موثر اند. یکی از این عوامل دسترسی نامناسب به شهر مادر است. دولت باید با شبکه ریلی و بزرگراه‌ها این مشکل را حل کند. غفلت از این مسئله ناشی از عدم همکاری وزارت راه با وزارت مسکن بوده است. این دو وزارتخانه با دو اولویت متفاوت مشغول به انجام وظیفه اند. مثلاً اولویت وزارت راه اتصال شهرها به یکدیگر و کاهش تلفات جاده‌ای است. ایجاد شبکه ریلی و بزرگراه میان شهرهای جدید و شهر مادر باید از اولویت‌های این وزارتخانه قرار گیرد و بودجه لازم به آن اختصاص داده شود.

۴- زمینه سازی برای شکل گیری تعاونی‌های بزرگ مسکن به جای واگذاری زمین به افراد و تعاونی های کوچک

در ایران الگوهای موفق از تعاونی‌های بزرگ مسکن وجود دارد. اگر تعداد زیادی از افراد در یک تعاونی گرد هم آیند امکان نظارت دولت بر تعاونی های بزرگ جود دارد. در تعاونی‌های کوچک، دولت از نظارت باز می ماند و فساد در آنها به سرعت افزایش می یابد. تعاونی‌های بزرگ امکان ساخت مجتمع‌های مرتفع تر، طراحی فضای مناسب مشترک، و همچنین انتخاب پیمانکاران توانمند دارند. بعلاوه، خلاءهای قانونی برای نظارت کارآمد اعضای تعاونی ها بر روند ساخت و تکمیل واحد های مسکونی مرتفع گردد.

۵- تأمین مسکن برای فرهنگیان، کارگران و کارمندان دولت

مسکن یکی از نیازهای مبرم همه ایرانیان، از جمله اقشار فوق است. برای هریک از این اقشار می توان با نهادسازی مناسب گامی موثر برای حل آن اتخاذ نمود. به طور مثال با توجه به این که بخش عمده ای از کارگران، تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی اند این سازمان می تواند با مشارکت وزارت مسکن و شهر سازی و وزارت کار نهادی برای تأمین مسکن کارگران تشکیل دهد و با استفاده از منابع زمین وزارت مسکن، منابع سرمایه گذاری سازمان تأمین اجتماعی و یارانه های مسکن در بودجه عمومی با عاملیت خود نسبت به ساخت واحدهای مسکونی کارگری اقدام کند. جامعه تحت پوشش این نهاد می تواند مستمری بگیران تأمین اجتماعی و شاغلان تحت پوشش آن باشد. بخشی از منابع می تواند توسط سازمان تامین اجتماعی در قالب وام تامین شود و بازپرداخت آن از درآمد فعلی و یا مستمری آتی افراد تحت پوشش انجام گیرد. ساز و کار تأمین مسکن کارگران نیز می تواند در قالب تشکیل اتحادیه های تعاونی مسکن کارگری در هر یک از شهرها انجام شود، بهدین ترتیب که کارگران با متشکل شدن در تعاونی های مسکن در قالب یک اتحادیه در هر شهر نسبت به سازماندهی جهت تأمین منابع مورد نیاز جهت ساخت و ساز اقدام کنند. در کنار آن وزارت مسکن وظیفه آماده سازی زمین و تأمین زیرساختهای شهری را بر عهده دارد و تعاونی ها با استفاده از منابع یارانه ای دولت و منابع تخصیصی سازمان تأمین اجتماعی از طریق بانک رفاه منابع مالی لازم را برای ساخت مسکن فراهم می کنند. دولت نیز باید با سازماندهی فنی و هدایت انبوه سازان به سمت تولید مسکن برای این قشر نسبت به توانمندسازی این تعاونی ها برای ساخت مسکن اقدام کند. با استفاده از چنین سازو کاری می توان انتظار داشت که سهم هزینه مسکن در بودجه خانوار به تدریج به سمت ۳۰ درصد تغییر می یابد.

در مورد سایر ا فشار به خصوص فرهنگیان نیز با توجه به وجود نهادهایی چون صندوق ذخیره فرهنگیان انجام این کار کاملاً امکان پذیر و ضروری است

۶- برنامه رفع نواقص طرح مسکن مهر و اجرای صحیح آن

یکی از طرحهای مهمی که در سالیان گذشته در بخش مسکن انجام شده، طرح مسکن مهر است. متأسفانه به دلیل عدم برنامه ریزی کارشناسی و همچنین حاکم بودن اهداف سیاسی، این طرح از ابتدا به گونه ای نامناسب تدوین و اجرا شد و به همین دلیل با گذشت دو سال از اجرای آن (علیرغم ادعای اولیه مبنی بر ساخت ۱.۵ میلیون واحد مسکونی در سال) هنوز درصد پیشرفت ساخت این واحدها بسیار اندک است. دولت دهم باید اقدامات عاجلی را در جهت بهره برداری هر چه سریع تر این طرحها انجام دهد. دولت دهم در نظر دارد که همراهی های لازم برای آماده سازی و طراحی اراضی واگذاری را با استفاده از منابع دولتی به عمل آورد..

۷- ارتقای شرایط زیستی در سکونتگاه های غیررسمی و حاشیه ای به همراه اتخاذ سیاستهای مناسب برای جلوگیری از رشد این بافتها

از جمله مسائل مناطق حاشیه نشین شهری این است که سازمان های دولتی و شهرداری ها خدماتی متناسب با بقیه نقاط شهری را به ساکنان این مناطق ارائه نمی دهند. بر این اساس، یکی از اقدامات اجرایی آن است که کلیه سازمان های دست اندر کار ارائه خدمات به جوامع شهری (مانند بهداشت و درمان آموزش و پرورش، شهرداری، آب و فاضلاب و ..) مکلف شوند درصدی از منابع مالی خود را برای ارتقای شرایط زیستی مردم این مناطق هزینه کنند.

۸- ایجاد صندوق اعتباری برای بهسازی مسکن.

با توجه به ضرورت بهسازی مسکن در بافت های فرسوده شهری باید دولت با تخصیص منابع به صورت وجوه اداره شده، و با عاملیت شهرداری ها نسبت به اختصاص یارانه و وام بهسازی در مناطق حاشیه نشین اقدام کنند. در کنار این صندوق می توان شبکه ای از صندوق های اعتبار مسکن در سطح محلات ایجاد کرد که وظیفه آنها تأمین منابع مالی برای بهسازی مسکن و یا ساخت آن در مناطق حاشیه ای است.

برنامه کارآمد سازی نظام تأمین مالی و رشد ابزارهای مالی در بخش مسکن

- ارائه وامهای ساخت مسکن با قابلیت انتقال به خریدار بر اساس برنامه های تأمین مسکن
- راه اندازی شرکتهای تأمین سرمایه در حوزه مسکن.
- انتشار اوراق مشارکت و سایر ابزارهای مالی اسلامی مانند صکوک و استصناع با سرسیدهای مختلف.
- جذب مشارکت و سرمایه سرمایه گذاران خارجی در تولید انبوه مسکن
- استفاده از صندوق های سرمایه گذاری مشترک در داخل و خارج با هدف جذب منابع برای تولید انبوه مسکن.

سیاست های با ثبات اقتصاد کلان

مطالعات نشان می دهند که عامل اصلی و مهم در ایجاد نوسانات بخش مسکن اتخاذ سیاست های کلان اقتصادی (سیاست های پولی، مالی، بازار سرمایه و بانکی ..) بدون توجه به تأثیرات آنها بر بخش مسکن است. مواردی مانند افزایش سرسام آور نقدینگی و یا تغییر مدام در سود سپرده بانکی در عمل موجبات ایجاد حباب قیمتی در بازار مسکن را فراهم می کنند. مجموعه این عوامل موجب هزینه های فراوان اقتصادی و اجتماعی می گردند. بر این اساس لازم است که در سیاست گذاری اقتصاد کلان از بی ثباتی و اتخاذ سیاست های نادرست پرهیز شده و سیاست های مسکن با الگوی سیاست گذاری اقتصاد کلان به صورت نظام مند تلفیق گردد.

پایدار نمودن جریان تولید در بخش مسکن

سود در بخش مسکن پلکانی است، یعنی یک جهش و چند سال رکود. این وضعیت، نظام تولید و برنامه ریزی در مسکن را مختل کرده است. قیمت ها آنچنان پرنوسان و غیر قابل پیش بینی است که تولید صنعتی در مسکن را محدود ساخته است. مصرف کنندگان و خریداران نیز قربانیان اصلی این حرکت پلکانی هستند. هرگاه دولت برای حل مشکل مسکن تلاش کرده است قیمت مسکن چنان افزایش یافته که بر فقر مسکن دامن زده و مردم را از داشتن مسکن مأیوس تر ساخته است. هموار نمودن سود در بخش مسکن امر پیچیده ای است و نیاز به اتخاذ مجموعه ای از تدابیر در سایر حوزه های اقتصادی و به صورت همزمان، اتخاذ برخی از تدابیر مالیاتی در حوزه مسکن دارد نظام مالیاتی با یکپارچه سازی و ایجاد شبکه های الکترونیکی می تواند حتی براساس قوانین موجود حرکت های نوسانی در بخش مسکن را مهار کند. اگر دولت در این جهت عمل نکند هر سیاست اقتصادی برای رونق بخش مسکن تنها به افزایش قیمت مسکن و فقر بیشتر منجر می شود. همچنین دولت می تواند با استفاده از انواع سیاست های تشویقی و تنبیهی نسبت به سوق دادن فعالیت تولیدکنندگان انبوه مسکن به سمت تولید مسکن در استطاعت اقشار کم درآمد اقدام کنند.

ضمیمه: پاره ای از مسائل بخش مسکن

- در سال ۱۳۸۵، تعداد ۱۲.۴ میلیون خانوار در مناطق شهری کشور در ۱۱.۴ میلیون واحد مسکونی سکونت داشته اند به این ترتیب میزان کمبود واحد های مسکونی یک میلیون واحد بوده است.
- بر اساس مطالعات طرح جامع مسکن در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۳ میلیون واحد مسکونی از نظر شاخص های کمی جزء واحد های فرسوده محسوب می شده اند.
- بر اساس تعاریف مصوب شورای عالی شهرسازی حدود ۳۳ هزار هکتار از بافتهای سکونتی شهرها جز مناطق فرسوده و نابسامان محسوب می شوند
- علیرغم تصویب چارچوبهای قانونی نظیر سند ملی توانمند سازی و.. هنوز اقدام موثری در این زمینه صورت نگرفته است بر اساس برآوردهای کارشناسی حدود ۲۰ درصد از جمعیت نقاط شهری کشور در سکونتگاههای غیر رسمی و حاشیه ای زندگی می کرده اند قابل توجه است که به دلیل گرانی زمین حجم اسکان غیررسمی در حال ازدیاد است.
- مطالعات متعدد نشان مید هد که نیمی از خانوارهای جوان قادر به تأمین سرپناه مناسب برای سکونت نیستند.
- مطالعات کارشناسی نشان می دهند که بخش مسکن در نقاط شهری در افق ۲۰ ساله نیاز به تولید ۱۱ میلیون واحد مسکونی جدید و نوسازی ۳ میلیون واحد مسکونی موجود است.
- کمبود واحد مسکونی در نقاط مسکونی روستایی در سال ۱۳۸۵، ۶۰۰ هزار واحد و نیاز این مناطق به نوسازی مسکن ۲ میلیون واحد بوده است.
- مهمترین عامل نابسامانی رشد بخش مسکن را باید در عدم توازن بین درآمد خانوارها و قیمت مسکن و افزایش فقر عمومی جستجو کرد مطالعات انجام شده نشان می دهند که درصد فقرای شهری از ۲۰.۶ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۲۵.۳ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است همچنین درصد فقرای روستایی از ۲۰.۷ درصد به ۲۶.۶ درصد افزایش یافته است.
- در طی دوره ۸۵-۱۳۸۳ ضریب جینی از ۳۹.۰ به ۴۰.۶ افزایش یافته است.

- نرخ رشد قیمت مسکن در شهرهای بزرگ در سالهای ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به ترتیب ۱۳، ۳۶ و ۵۶ درصد بوده است.
- تحولات فوق موجب شده که نرخ مالکیت در خانوارهای شهری از ۷۳ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۶۶ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یابد.
- خانوارهای دهک های اول، دوم و سوم همگی دارای زیربنای سرانه ای کمتر از ۲۰ متر مربع بوده اند.
- سهم مسکن در سبد هزینه خانوار نیز رشد بالایی داشته است سهم مسکن در بودجه خانوارهای دهک اول از ۳۷ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۴۰ درصد در سال ۱۳۸۳ و ۴۲ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این شاخص در دهک دوم ۳۱،۳۷ و ۳۸ درصد در دهک سوم ۲۹، ۳۵ و ۳۶ و در دهک چهارم ۲۹، ۳۳ و ۳۴ درصد و در دهک پنجم ۲۷ و ۳۱ درصد بوده است.
- در سال ۱۳۸۳ حدود ۲۹ درصد از خانوارهای شهری کشور فاقد مسکن مناسب در سطح حداقل مسکن از نظر خصوصیات کمی و کیفی مسکن بوده اند این نسبت در سال ۱۳۸۵ به ۳۴ درصد افزایش یافته است خط فقر مسکن در سال ۱۳۸۵ برای خانوارهای شهری ماهیانه معادل ۱۲۵ هزار تومان بوده است.
- در سال ۱۳۸۵ حداقل ۲۰ درصد از خانوارهای شهری از کل ۳۴ درصد خانوارهای زیر خط فقر مسکن مالک واحد های مسکونی فرسوده ای بوده اند که نیاز ضروری به باز سازی داشته اند و ساکنان آن به دلیل فقر مالی قادر به نوسازی و بهسازی مسکن خود نیستند.
- درصد افراد زیر خط فقر مسکن در پاره های از مناطق کشور مانند سیستان و بلوچستان تا حد ۶۰ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.
- یکی از عوامل بروز تورم افزایش قیمت زمین است. علیرغم ادعای صفر کردن قیمت زمین، سهم زمین در هزینه تولید مسکن در سال ۱۳۸۶ به ۵۶ درصد رسیده است در حالی که این شاخص در سال ۱۳۸۰، ۴۲ درصد بوده است.
- حداقل ۳۰ درصد از کارگران کشور فاقد مسکن مناسب هستند.

- در دوره ۸۴-۱۳۷۰ بالغ بر ۸۵ هزار میلیارد تومان یارانه در بخش مسکن پرداخت شده است. این یارانه ها به صورت مختلفی همچون واگذاری زمین ارزان قیمت و یا تخصیص ردیف های بودجه ای انجام گرفته است.

(منابع : ارزیابی نظام یارانه های مسکن در ایران ۱۳۸۶ پژوهشکده اقتصادی دانشگاه شریف،وزرات مسکن ،فصلنامه اقتصاد مسکن آمار قیمت زمین و مسکن ،آمار هزینه و درآمد خانوارهای شهری کشور مرکز آمار ایران)

طرح تبدیل صنعت نفت به محرکه اقتصاد کشور

جایگاه صنعت نفت در توسعه ملی

جمهوری اسلامی با در اختیار داشتن بیش از یکصد میدان هیدروکربوری، حدود ۱۷ درصد از ذخائر گاز جهان و بیش از ده درصد از کل ذخائر نفت جهان و نیز به لحاظ قرار گرفتن در منطقه‌ای که قلب انرژی جهان نام گرفته، از جایگاه ممتازی برخوردار است که به خوبی از آن استفاده نگردیده است. این جایگاه یک مزیت اقتصادی ویژه را برای کشور فراهم می‌آورد.

اینک یکصد سال از عمر صنعت نفت ایران می‌گذرد. این پرسش بجا است که صنعت نفت بعنوان مهمترین مزیت اقتصادی کشور در طول این یکصد سال تا چه حد توانسته است با پیکره اقتصاد ملی تعامل و ارتباط برقرار کند؟ کشور ما یکی از بزرگترین صاحبان ذخائر نفت و گاز جهان است. از آغاز تا کنون دهها میلیارد دلار در صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری شده است و دهها میلیارد دلار دیگر نیز باید در دهه‌های آینده سرمایه‌گذاری شود. آیا چنین موقعیتی ایجاب نمی‌کند که زنجیره ارزش حول صنعت اکتشاف، تولید، پالایش و توزیع نفت و گاز توسعه یابند؟ کشورهایی که در نفت و گاز از ما سابقه بسیار کمتری دارند با استفاده از مزیت داخلی خود اینک به صادرکننده کالاها و خدمات مورد نیاز صنایع نفت و گاز تبدیل شده‌اند. سابقه صنعت نفت نوژ که شرکت‌های نفتی آن اکنون در سطح بین‌المللی شناخته شده و فعال اند، عمدتاً به دهه ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد. نمونه‌های دیگر از کشورهای کمتر توسعه‌یافته (یا دیرتر توسعه‌یافته) چین، هند و مالزی اند که آنها نیز بسیار کمتر از ما فرصت تاریخی و جغرافیایی برای رسیدن به مرحله صدور کالاها و خدمات در بخش‌های نفت و گاز را داشته‌اند، اما اینک ما نیازمند دکل حفاری چینی و تجهیزات و خدمات هندی و مالزیایی هستیم. چرا بعد از صد سال هنوز وابسته‌ایم؟ کشور چین با داشتن ذخائر نفتی در حد یک پنجم ما و ذخائر گازی غیرقابل مقایسه با ما از این مزیت خود استفاده

کرده و امروزه سرمایه‌گذاری‌های عظیمی را در جهت صدور کالاها و خدمات بخش نفت انجام داده است. قانون حداکثر استفاده از خدمات داخلی، سندی بر ادعای وابستگی صنایع نفت و گاز ما به خارج است. این قانون منفعلانه در پی آن بوده است که سهم داخلی ما را در پروژه‌های نفت و گاز به حدود ۵۰ درصد برساند. در حالی که در صورت استفاده مطلوب از این فرصت تاریخی و این مزیت مهم ملی، ما باید می‌توانستیم صادرکننده کالاها و خدمات بخش نفت باشیم.

آیا زمانی که یک پروژه بزرگ نفتی یا گازی تعریف می‌شود، برای کالاها و خدمات دیگر صنایع و بخش‌های مختلف داخلی برای کالاها و خدمات تعدادی از شرکت‌های خارجی تقاضای بیشتری ایجاد می‌کند و موتور محرکه آن‌ها می‌شود؟ جدیدترین جدول داده-ستانده منتشر شده توسط مرکز آمار ایران که مربوط به سال ۱۳۸۰ است نیز این واقعیت را تأیید می‌کند که ضرائب پسمین و پیشین بخش نفت و گاز که نشان‌دهنده میزان وابستگی و ارتباط این بخش با سایر بخش‌هاست، پائین بوده و از بسیاری از دیگر بخش‌های اقتصادی کمتر است.

البته این رسالت، یعنی ایجاد تعامل میان بخش‌های مختلف صنعتی و اقتصادی، تنها وظیفه صنعت نفت به معنای حوزه شرکت‌های نفت و گاز نیست، بلکه فراتر از آن در همه بخش‌ها و از وظایف دولت است.

تجربیات جهانی

شاید یکی از موفقیت‌های مهم چینی‌ها در سرعت بخشیدن به دوره گذار به توسعه اقتصادی، برقرار نمودن پیوندهای پسمین و پیشین در صنایع آنها است. به عنوان نمونه، وقتی شرکت‌های چینی، وارد مذاکره برای خرید LNG (گاز طبیعی مایع شده) می‌شوند، ملاحظه می‌شود که از همان ابتدا در مورد حمل آن و در واقع برای وارد شدن به تمام زنجیره ارزش آن نیز برنامه دارند و اصرار دارند که آن را در مبدأ تحویل و حمل و نقل را خود بر عهده بگیرند. همه بررسی‌ها نشان می‌دهد که چین ظرف سال‌های آتی به یکی از بزرگترین واردکنندگان و مصرف‌کنندگان LNG تبدیل خواهد شد. پس مصرف گاز طبیعی مایع شده این کشور در

حدی است که وارد شدن به تمام زنجیره ارزش آن به نفع این کشور است. طبیعی است که اگر یک شرکت انرژی چینی به سایر بخش‌ها گره نمی خورد، صرفاً به دنبال کار خود یعنی تأمین انرژی و از جمله LNG می بود. از اینجا معلوم می شود، دولت کارآمدی وجود دارد که همه بخش‌ها را به هم گره می زند.

پارس جنوبی یک نمونه و فرصت مهم

میدان گازی پارس جنوبی، میدانی مشترک که همسایگان ما در حال بهره‌برداری از آنها هستند. از این رو، استخراج از این مخازن مشترک را در صدر اولویت‌ها و فوریت‌های صنعت نفت کشور است و توسعه آن را اجتناب‌ناپذیر می سازد. اگر در هیچ کجای صنعت نفت هم سرمایه‌گذاری نشود که باید بشود، میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در پارس جنوبی، اجتناب‌ناپذیر است. طرح توسعه پارس جنوبی به تنهایی چندان عظیم است که شاید آنچه بالقوه در این طرح باید اتفاق بیافتد را بتوان با کسری از آنچه تاکنون در صنعت نفت اتفاق افتاده است، قیاس نمود. پارس جنوبی ۵۰ درصد کل ذخایر گازی ایران را در خود جای داده است. در تولید نهایی، این میدان رقمی در حدود دوبرابر کل میزان گاز تولیدی از سایر میدانی گازی کشور تولید خواهد شد. میزان میعانات تولیدی این میدان که نوعی نفت خام بسیار سبک است، به حدود یک میلیون و یکصد هزار بشکه خواهد رسید که قریب یک چهارم نفت خام تولیدی فعلی کشور است. قراردادن این میدان در دریا و ترش بودن گاز آن (داشتن گوگرد بالا) موجب می شود که حجم تأسیسات مورد نیاز برای استحصال آن بسیار بیشتر از میدان‌های گازشیرین واقع در خشکی باشد.

در حدود ۲۸ فاز توسعه پارس جنوبی که تاکنون تعریف شده است حفر صدها چاه دریایی، نصب ده‌ها سکوی بهره‌برداری دریایی، احداث صدها کیلومتر خط لوله در بستر دریا و در خشکی، ساخت ده‌ها پالایشگاه عظیم فرآوری و تصفیه گاز باید اتفاق بیفتد که بخش کوچکی از آن نیز تاکنون اتفاق افتاده است. چنین طرحی عظیم، و طرح‌های جانبی آن، سفارشات عظیمی را برای کالاها و خدمات بوجود می آورد که پاسخ دادن به آن به نحوی که آثار انتشار گسترده‌ای را در کشور پدید آورد، نیازمند یک طرح جامع ملی است و تنها

در این صورت است که شعار زیبایی که بر تابلوهای نصب شده در منطقهٔ عسلویه نگاشته شده است، می‌تواند تحقق‌یابد و یک تمدن صنعتی حول گاز پارس جنوبی شکل گیرد.

توسعهٔ میدان گازی پارس جنوبی، با تصور ابتدایی چند فاز محدود فعال شد. مشترک بودن این میدان گازی و پیش‌افتادن رقیب در بهره‌برداری از آن، شتاب را اجتناب‌ناپذیر نموده بود و همین قدر که با وجود همهٔ مشکلات داخلی و محدودیت‌های بین‌المللی تاکنون عملاً هفت فاز به بهره‌برداری رسیده و چند فاز دیگر در آستانهٔ بهره‌برداری قرارداد بسیار قابل ستایش است. اما چه بهتر بود که همپای این شتاب در اجرا، هرچه زودتر طرح راهبردی جامعی برای توسعهٔ این مخزن آن‌هم در سطح ملی، تهیه می‌شد.

یک طراحی راهبردی و جامع در سطح ملی می‌تواند و باید همهٔ محدودیت‌ها و موانع بالفعل و بالقوه را مورد توجه قرار دهد و با توجه به موقعیت خاص پارس جنوبی، با شتاب و فوریت کار نیز در تعارض نباشد. در ده‌ها فاز پارس جنوبی ممکن است بسیاری از تجهیزات موردنیاز باشد که در ابتدا ساخت آنها در توان سازندگان داخلی نباشد و مجبور به واردات آن باشیم اما اگر در چارچوب یک برنامهٔ جامع، تأمین این تجهیزات به عهدهٔ ذیصلاح‌ترین واحد صنعتی داخلی گذاشته شود و واحد صنعتی موظف شود که طی برنامه‌ای تأمین را از واردات آغاز کند و به ساخت داخل ختم کند، هم فوریت کار رعایت شده است و هم صنعت تخصصی مربوط، به تدریج موفق به انتقال دانش فنی و ساخت، به داخل کشور خواهد شد و در مرحلهٔ بعد خواهد توانست تولیدات خود را از یک بازار تضمین شدهٔ داخلی به فراسوی مرزها نیز گسترش دهد. همین روش در مورد سایر خدمات اجرایی پروژه مانند خدمات پیمانکاری نیز می‌توانست بکارگرفته شود تا ما در آینده بتوانیم شرکت‌های پیمانکاری تراز جهانی داشته باشیم و بجای نفت خام و با بهره‌گیری از فرصت نفت و گاز صادر کننده کالاها و خدمات آن باشیم و هنوز هم دیر نیست.

چنین طرح جامعی قبل از هرچیز مستلزم انجام مطالعات جامع مخزن است و طراحی فازها و تأسیسات مربوطه باید بر مبنای پیش‌بینی وضع آینده مخزن باشد. میدان پارس جنوبی دارای یک لایه نفتی نیز هست که در برنامه جامع و کلان میدان باید به توسعه این لایه نیز توجه شود.

تأسیسات فازهای مختلف به تناسب زمان بهره‌برداری به سرعت فرسوده خواهند شد و نیازمند تعمیرات دوره‌ای و تعمیرات اساسی خواهند بود و پیش‌بینی‌های به‌هنگام و برنامه‌ریزی‌های لازم در این زمینه ضروری است.

در هر حال در کنار زحمات ارزنده‌ای که برای بهره‌برداری رساندن فازهای مختلف پارس جنوبی و سرعت دادن به استخراج گاز این مخزن گازی به عمل می‌آید، هرچه سریع‌تر باید نگاه جامع به مخزن سامان یابد تا ابعاد آن به خوبی شناخته شود و حرکت همه بخش‌های ذیربط و ذی‌نفع به تناسب این ابعاد و در چارچوب یک برنامه جامع تنظیم شود و تمام زنجیره ارزش توسعه این مخزن مورد توجه قرار گیرد.

صنعت نفت محور توسعه ملی

صنعت نفت ایران متأسفانه از ابتدا در تعامل با اقتصاد و صنعت ملی و بخش خدمات کشور گسترش نیافته است. در دوره ملی شدن نفت و پس از خلع‌ید از انگلیس، در دولت مرحوم دکتر مصدق، اداره کردن صنعت نفت و مهمترین نماد آن، یعنی پالایشگاه آبادان، بدون حضور خارجی‌ها به یک مسأله حیثیتی و درعین حال نمادین ملی تبدیل شد. به این ترتیب همه توانایی‌های داخلی از همه دانشگاه‌ها و شرکت‌ها به‌کارگرفته شد که مشعل پالایشگاه را برافراشته نگهدارند. آن‌روز سطح فناوری به‌اندازه امروز پیچیده نبود و فاصله فنی ما با جهان صنعتی نیز به اندازه امروز نبود و شاید اگر همان مسیر ادامه می‌یافت با نزدیک به چهل سال وقفه، آن چیزی که در واقع از ابتدا باید شکل می‌گرفت، به تحقق می‌پیوست و سرنوشت اقتصاد و صنعت و حتی علوم و دانشگاه‌ها در کشور به گونه دیگری رقم می‌خورد. کودتا علیه دولت ملی دکتر مصدق، کودتا علیه چنین روندی نیز بود و با شکل‌گیری کنسرسیوم، باز هم آب به همان آسیاب قبلی بازگشت و صنعت نفت ما برای کالاها و خدمات خارجی تقاضا ایجاد کرد.

پس به این معنا نفت باید دوباره ملی شود. اگر جهت‌گیری همه بخش‌های کشور و نظام آموزشی کشور قبل از هرچیز در مسیر تامین نیازهای صنعت نفت قرار گیرد، سرمایه‌گذاری‌های صنعت نفت هزاران تقاضا را برای بخش‌های مختلف کشور و نیز

فارغ التحصیلان دانشگاهی و نیروی کار، ایجاد خواهد کرد و به اینصورت مردم جنبه مثبت و مولد نفت را در همه شئون زندگی خود حس خواهند کرد. تحقق این هدف مشارکت همگانی و ملی را می‌طلبد. همه باید از تبدیل این مزیت نسبی به مزیتی رقابتی در سطح جهانی همکاری کنند و دولت از این همکاری عمومی در این زمینه حمایت خواهد کرد. ملت ایران این شایستگی را دارد که با تجربه اندوژی در تأمین و توسعه و اداره تمام عیار صنعت نفت خود در توسعه صنعت جهانی نفت و سایر مناطق جهان ایفای نقش کند و در اینصورت نفت بر خلاف آنچه که تاکنون اتفاق افتاده است نه از طریق رانت افزایش دهنده مصرف بلکه از طریق ایجاد اشتغال و فرصت‌های تاسیس بنگاه و تحریک تولید، در زندگی مردم اثر خواهد کرد و به یاری خدا روزی خواهد رسید که صادرات دانش، کالا و خدمات مربوط به صنایع نفت جایگزین صادرات نفت خام خواهد شد.

تولیدات و خدماتی که از یک بازار بزرگ و تضمین شده داخلی و در عین حال از یک بازار گسترده جهانی برخوردارند، بیشترین مزیت را برای توسعه دارند و تولیدات و خدمات مورد نیاز صنایع نفت از این امتیاز بهره‌مند اند.

ورود به تمام زنجیره ارزش صنعت نفت ابعاد، اندازه و وسعت صنعت نفت که پارس جنوبی تنها بخشی از آن است، استفاده از تجربه صنعت نفت در دهه‌های اول عمر آن و نگاهی ویژه را از سوی دولت طلب می‌کند. چنین نگاهی می‌تواند بستری مناسب برای یک برنامه جامع و به‌دور از شتاب‌زدگی، فراهم آورد. صنعت نفت گرچه همان‌گونه که ذکر شد هنوز نتوانسته است به میزان قابل انتظار به موتور توسعه ملی تبدیل شود و آثار انتشار خود را بر پهنه کشور بگستراند، اما در بسیاری از موارد پیش‌تاز انتشار نظم و استانداردها در کل کشور بوده است.

با استفاده از آنچه گفته شد برای وارد شدن کشور به تمام زنجیره ارزش نفت و گاز باید اقدامات زیر انجام

شود:

۱- تدوین برنامه جامع و بلند مدت توسعه ذخایر نفت و گاز کشور و صنعت نفت

تا زمانی که چنین برنامه‌ای وجود نداشته باشد امکان هماهنگ کردن سایر بخش‌ها حول صنعت نفت و وارد کردن آن‌ها در زنجیره ارزش این صنعت وجود ندارد. زیرا وقتی پروژه‌های نفتی و گازی، بر اساس یک نقشه راه مدون اجرا نشده‌اند، بلکه بر مبنای آزمون و خطا، تعریف می‌شوند و آنقدر عجولانه اجرا می‌شوند که هدف گسترش زنجیره در داخل کشور را به فراموشی می‌سپارند. اما اگر برنامه‌ها و طرح‌ها و پروژه‌ها از پیش مشخص باشند سایر بخش‌ها و نیز دانشگاه‌ها می‌توانند به موقع برای تامین نیازهای این صنعت برنامه ریزی نمایند.

۲- تعیین زنجیره ارزش و ریز کردن نیازها

پس از مشخص شدن برنامه توسعه صنعت نفت لازم است تمام زنجیره ارزش آن در همه فعالیت‌های صنعتی، خدماتی، حمل و نقل، تجاری و تأمین نیروی انسانی به دقت شناسایی شود و برنامه به ریز خدمات و اقلام مورد نیاز برای تحقق برنامه‌های صنعت نفت شکسته شود و به همه بخش‌های ذیربط کشور از صنایع و حمل و نقل، پیمانکاری، دانشگاه‌ها و نیز بانک‌ها و مراکز مالی ابلاغ گردد تا برنامه و نیازهای خود برای پاسخگویی به نیازهای صنعت نفت را ارائه دهند.

برای تأمین نیازهای فوری شاید خرید از خارج اجتناب‌ناپذیر باشد، لکن در قراردادهای خارجی باید انتقال نهایی به داخل و یا حتی در بعضی موارد خرید دارایی یا سهام سازندگان خارجی برای سهیم شدن در زنجیره ارزش و تاثیرگذاری بر آن، صورت گیرد.

۳- تطبیق توانایی‌های داخلی با زنجیره ارزش و نیازهای صنعت نفت

باید ستادی در دولت نسبت به شناسایی توانایی‌های داخلی در تطبیق با نیازهای نفت و تحقق بند ۲ فوق نظارت داشته باشد و از گسترش توانایی‌های بخش خصوصی در این جهت حمایت و پشتیبانی کند.

۴- رفع تبعیض‌ها میان عرضه کنندگان داخلی و خارجی خدمات و تجهیزات

در حال حاضر به هر دلیلی تبعیض‌های فراوانی میان سازندگان یا پیمانکاران داخلی در قیاس با سازندگان و پیمانکاران خارجی که در کشور به کار گرفته می‌شوند از نظر سخت‌گیری استانداردها، تسهیلات در پرداخت‌ها و موارد دیگر وجود دارد که عملاً مانع بکارگیری و رشد توان داخلی گردیده است. این تبعیض‌ها باید به صورت کارشناسانه شناسایی و به تدریج مرتفع گردند و دولت حامی بخش خصوصی و همه کسانی که در این زنجیره وارد شوند خواهد بود.

۵- صدور کالا و خدمات در بخش نفت

ایران در یک منطقه نفتی واقع گردیده است. در شمال و جنوب ایران بازار خوبی برای خدمات، تجهیزات صنایع نفت و نیز تجارت محصولات آن وجود دارد. همچنین در خارج از منطقه نیز بسیاری از کشورهایی که روابط خوبی با ایران دارند نیازمند این کالاها و خدمات هستند. بنابراین در یک برنامه جامع باید علاوه بر بازار وسیع داخلی که همان بخش نفت است بازارهای خارجی را نیز هدف گرفت.

۶- ثبات و تداوم در سیاست‌ها

ثبات در سیاست‌ها و تداوم آنها لازمه موفقیت است. بعنوان مثال در دوره‌ای با ابتکاراتی که در صنعت نفت بکار گرفته شد، بعضی شرکت‌های پیمانکاری داخلی نفت، تحت حمایت شرکت‌های خارجی توفیقاتی در طراحی و ساخت و نصب واحدهای پالایشگاهی و پائین دستی صنعت نفت پیدا کرده بودند و استعداد صدور خدمات در این بخش را داشتند. در دوره بعدی هیچ توجهی به این استعداد ارزشمند نشد و با یک تغییر جهت‌گیری از پایین دستی به بالادستی، بخش اعظم آن توانایی‌ها از بین رفت.

§ نامه مقام معظم رهبری به رئیس جمهور در تاریخ ۸۵/۴/۱۲

مقرر نمایید ستادی قوی مسئولیت کامل اجرای اصل ۴۴ را بر عهده گرفته و بدون فوت وقت، زمینه رونق و تحرک اقتصادی را با به کارگیری همه‌ی نیروها و سرمایه‌های ملی فراهم نماید. اطلاع‌رسانی همه‌جانبه و فراگیر جهت دوری از ویژه‌خواری گروه‌های خاص، تشویق عموم به سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب و کار کشور مورد تأکید است.

مقدمه

یکی از مهمترین مشکلات امروز کشور عزیز مان ایران، فقر است. می‌توان با استدلال نشان داد که بخش قابل توجهی از این فقر ناشی از بیکاری است و بدون اندیشیدن تدبیری برای تخفیف بیکاری، کاهش یافتن جمعیت زیر خط فقر عملاً ناممکن است. بر اساس چنین اندیش‌های است که امروزه بسیاری از نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های داخلی به دنبال یافتن راه‌حلی برای ایجاد فرصت‌های شغلی هستند. تقریباً در این باره اجماع نظری در حال شکل‌گیری است که فرصت شغلی جدید تنها در صورتی حاصل می‌شود که:

۱. زمینه‌های لازم برای گسترش و رونق بنگاه‌های موجود فراهم شود.
 ۲. بخش غیررسمی اقتصاد از راه‌های گوناگون، زیر چتر قانون و حمایت‌های قانونی درآید.
 ۳. بنگاه‌های جدید به ویژه توسط جوانان و صا حبان فکر و اندیشه تأسیس شود.
- به این ترتیب، سؤال کلیدی این است که چگونه می‌توان زمینه ورود بازیگران جدید به بازی رقابت را فراهم نمود و بنیة بنگاه‌های موجود را برای رقابت در عرصه‌های ملی و بین‌المللی تقویت کرد؟

یکی از رویکردهایی که می‌تواند زمینه توسعه فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سهم بخش خصوصی از اقتصاد، رقابت‌پذیر شدن شرکت‌های ملی و به طور خلاصه، اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را فراهم آورد، راهبرد بهبود محیط کسب و کار است. این رویکرد نه تنها به لحاظ نظری بر بنیان‌های نظری محکمی استوار و از پشتیبانی آراء اقتصاددانان بزرگ برخوردار است بلکه در آزمون تجربی نیز موفقیت خود را به اثبات رسانده است.

در حالی که کشورهای بلوک شرق و روسیه از طریق اتخاذ سیاست واگذاری سریع شرکت‌های دولتی قصد داشتند در یک سفر ۵۰۰ روزه به یک اقتصاد بازار و مردم-محور برسند و از منافع آن برخوردار شوند، کشور چین توانست با اتخاذ راهبرد بهبود محیط کسب و کار طی مدت ۲۰ سال سهم بخش خصوصی از اقتصاد را به هفتاد درصد برساند، ۵۰۰ میلیون فقیر را از دام فقر برهاند، فرصت‌های شغلی جدید و فزاینده‌ای ایجاد کند و بازارهای جهانی را نه تنها در ایران و ترکیه که در اروپای غربی و آمریکای شمالی فتح کند و خضوع همگان را در مقابل خود برانگیزد.

در مقابل، حاصل کارحامیان شوک درمانی اقتصادی در روسیه چیزی نبود جز کاهش تولید ناخالص داخلی تا ۵۰ درصد و افزایش تعداد فقرا تا ۵ برابر، تجربه تورم ۵۰۰ درصدی و گسترش تعداد ثروتمندانی که در فرآیند خصوصی سازی غیر شفاف به ثروتمندترین مردان دنیا تبدیل شدند.

راهبردهای بهبود محیط کسب و کار

اولین مسأله‌های که در هر طرح تجاری و برای هر صاحب کسب و کاری مطرح است، سودآور بودن این طرح و افزون بودن منافع کسب و کار از هزینه‌های آن است. هزینه‌های هر فعالیتی تابع دو دسته عوامل است:

هزینه‌هایی که به لحاظ فنی ضروری است و هزینه‌هایی که به دلیل ناکارآمدی محیط فعالیت اقتصادی بر صاحبان کسب و کار تحمیل می‌شود. گاهی این قبیل هزینه‌ها به اندازه‌ای بالاست که صاحبان کسب و کار رغبتی به استفاده از فرصت‌های اقتصادی پیدا نمی‌کنند. حال مسأله این است که ماهیت این هزینه‌ها چیست و چگونه می‌توان هزینه‌های ناشی از محیط فعالیت اقتصادی را کاهش داد.

با توجه به اهمیت تعیین کننده مسایل فوق، نهادی چون بانک جهانی که از حامیان اصلی سیاست‌های تعدیل اقتصادی بود، از سال ۲۰۰۰، در چرخشی آشکار در صدد شناسایی هزینه‌های ناشی از محیط نامساعد کارآفرینی برآمده و به دنبال یافتن راه حل‌هایی برای کاهش این هزینه‌ها است. با توجه به همین رویکرد، بانک جهانی به طرح پرسش‌های زیر پرداخته است

۱- صاحب کسب و کار برای راه‌اندازی فعالیت اقتصادی و ادامه آن با چه نهادها و سازمان‌هایی در ارتباط است؟

۲- گرفتن خدمات از این نهادها چه هزینه‌هایی در بر دارد؟

۳- چگونه می‌توان این هزینه‌ها را کاهش داد؟

محققان «کسب و کار» بانک جهانی ده نوع خدمات را شناسایی کرده که برای تحقق هر فعالیت اقتصادی تعیین کننده است:

خدمات مربوط به آغاز کسب و کار، دریافت جواز فعالیت، تأمین اعتبار پروژه‌ها، اجرای قراردادهای حل و فصل اختلافات، استخدام و اخراج کارکنان، مالیات ستانی، مراحل گمرکی و تجارت خارجی، حمل و نقل و فرآیند ورشکستگی.

دریافت هر یک از این خدمات که برای تولید ضروری است مستلزم طی نمودن چند مرحله، صرف چند روز کاری و هزینه کردن چه مبالغی است؟ هرچه مراحل، زمان و هزینه‌های این خدمات بیشتر باشد، هزینه‌های انجام تحقق کسب و کار بیشتر است و بالعکس. لذا حامیان راهبرد بهبود محیط کسب و کار تلاش دارند تا راهکارهایی برای کاهش هزینه‌های تأمین خدمات عمومی معرفی کنند و کشورها را به اجرایی کردن این راهکارها ترغیب نمایند. البته کاهش این هزینه‌ها برای همه کشورها از یک راه مشخص میسر نمی‌شود و باید برای هر کشوری راه‌حلهایی متناسب اتخاذ شود.

نمونه‌هایی از هزینه‌هایی که فعالان اقتصادی به دلیل ناکارآمدی محیط اداری و مقررات متحمل می‌شوند به این شرح است:

جدول ۱. سهولت اخذ مجوز

شاخص	ایران	منطقه	OECD
مراحل (تعداد)	۱۹	۱۹/۴	۱۴
زمان (روز)	۶۷۰	۲۱۰/۴	۱۵۳/۳
هزینه (درصدی از درآمد سرانه)	۶۵۳/۴	۴۴۵/۷	۶۲/۲

جدول ۲. سهولت استفاده از نیروی کار (۲۰۰۸)

شاخص	ایران	منطقه	OECD
شاخص سختی استخدام	۱۱	۲۵/۸	۲۵/۲
شاخص انعطاف‌ناپذیری ساعات کار	۶۰	۴۲/۴	۳۹/۲
شاخص سختی اخراج	۵۰	۳۱/۲	۲۷/۹
شاخص انعطاف‌ناپذیری اشتغال	۴۰	۳۳/۱	۳۰/۸
هزینه استخدام (درصدی از حقوق)	۲۳	۱۴/۸	۲۰/۷
هزینه اخراج (سالی چند هفته)	۹۱	۵۵/۶	۲۵/۷

جدول ۳. امور مربوط به اجرای قراردادها

شاخص	ایران	منطقه	OECD
مراحل (تعداد)	۳۹	۴۳/۵	۳۱/۳
زمان (روز)	۵۲۰	۶۹۹	۴۴۳/۳
هزینه (درصدی از طلب)	۱۷	۲۴	۱۷

در جداول بالا روشن است که یک فعال اقتصادی باید چه هزینه‌هایی را متحمل شود تا بتواند به حیات اقتصادی خود ادامه دهد. برای مثال در جدول (۳) روشن است که اگر بین دو فعال اقتصادی یک اختلاف

پیش آید که بخواهند از مجاری رسمی آن را حل و فصل نمایند باید ۵۲۰ روز زمان صرف کنند و به اندازه ۱۷ درصد ارزش چیزی که بر سر آن اختلاف دارند، هزینه کنند.

البته موانع کسب و کار محدود به ده حوزه فوق نمی‌شود و موارد زیادی را در بر می‌گیرد. برای مثال مطالعات مختلف نشان داده است که در شرایط کنونی محیط برای رشد فعالیت‌های اقتصادی و به ویژه رشد بخش خصوصی مهیا نیست. فعالان کسب و کار از مشکلاتی همچون موارد زیر رنج می‌برند:

- محیط پر تنش سیاسی در عرصه داخلی و خارجی
- تحریم‌های یکجانبه و چند جانبه مالی و اقتصادی بین‌المللی
- عدم ثبات در اقتصاد کلان (شامل بی ثباتی سیاست‌های پولی، مالی و تجاری)
- پاییند بودن دولت به وعده‌های خود در قبال بخش خصوصی
- وجود قوانین، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های همپوشان و متعارض
- تصمیم‌گیری‌های خلق الساعه و غیرکارشناسی که برنامه‌ریزی را غیر ممکن می‌سازد
- بازارهای مالی توسعه نیافته و دشواری تأمین مالی طرح‌ها

مطالعات تجربی نشان می‌دهد که هزینه‌های محیطی می‌تواند به میزان ۲۰ تا ۳۰ درصد هزینه‌های تولید را افزایش دهد. از همین روی، بزرگترین خدمت دولت به صاحبان کسب و کار و در واقع آحاد ملت ایران، کاهش هزینه‌های محیطی از طریق تحول اساسی در محیط کسب و کار است.

باید توجه داشت که کشور ما در این زمینه با معضلات تاریخی کشورهای در حال توسعه دست به گریبان است. در یکی از مطالعات بین‌المللی، موانع کسب و کار بر اساس نظر خواهی از ۳۰ هزار بنگاه اقتصادی رتبه‌بندی شده و نتایج آن به شرح زیر در جدول (۴) منعکس شده است.

جدول ۴. موانع کسب و کار در ۳۰ هزار بنگاه در کشورهای در حال توسعه

نوع مانع	درصد بنگاه‌هایی که آن را مهم دانسته‌اند	نوع مانع	درصد بنگاه‌هایی که آن را مهم دانسته‌اند
عدم اطمینان نسبت به سیاست‌ها	۸۲	مقررات مالیاتی	۶۲
بی‌ثباتی اقتصاد کلان	۷۹	مهارت نیروی انسانی	۶۱
نرخ مالیات	۷۵	نظام حقوقی و قضایی	۶۱
فساد	۷۲	برق	۵۷
هزینه و سهولت دسترسی به منابع مالی	۷۰	مقررات نیروی کار	۵۶
گسترده‌گی جرایم اجتماعی	۶۳		

برنامه بهبود محیط کسب و کار

مطابق آنچه گفته شد، برای رهایی از فقر، ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر و بهتر و بهره‌مند شدن از یک اقتصاد کارآتر و مردمی‌تر باید تلاش نمود هزینه‌های فعالیّت در اقتصاد ایران را کاهش داد. لذا، برنامه «بهبود محیط کسب و کار» باید حاوی اجزا و مؤلفه‌هایی باشد که بتواند ابعاد مختلف این هزینه‌ها و منشأ به وجود آمدن آنها را شناسایی، دسته‌بندی و مرتفع نماید. اجرای چنین برنامه‌های به قرار زیر است:

الف) کارآیی سنجی نظام اداری - قانونی

برای تأمین بهینه خدمات مربوط به کسب و کار باید

- ۱- اطلاعات راجع به کیفیت خدمات دولتی و هزینه (ریالی و زمانی) آن برای فعالان بخش خصوصی در اسرع وقت گردآوری شود. لازم به ذکر است که رصد بلند مدت این داده‌ها برای سنجش مستمر عملکرد دولت در طول زمان ضروری است.
- ۲- تدابیری را اتخاذ کرد که موجب رفع کندی جریان ارائه خدمات فوق می‌گردند.

ب) رتبه‌بندی نهادها و سازمان‌های خدمت رسان

با تکیه بر اطلاعات حاصل از سنجش محیط کسب و کار می‌توان نهادها و سازمان‌های مشابه را در سطح کشور بر حسب کارآیی کیفی و هزینه‌های رتبه‌بندی نمود و از این طریق ضمن امکان پذیر ساختن

ارزیابی منصفانه عملکرد مسئولان در طول زمان، رقابت سازندهای را میان سازمان‌های دولتی در جهت کوشش برای بهبود خدمات محیط کسب و کار برانگیخت.

ج) مشارکت دادن بخش خصوصی در تصمیم سازی

استفاده از ظرفیت بخش خصوصی یکی از مهمترین محورهای بهبود محیط کسب و کار است که به طور مشخص باعث می‌شود ضریب خطا در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کاهش یابد و با همراه نمودن فعالان اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها، هزینه‌های اجرای طرح‌ها تقلیل پیدا کند. از جمله محورهای مشارکت بخش خصوصی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. مشارکت در ارزیابی اثر تصویب بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها پیش از صدور آنها

صاحبان کسب و کار در مواردی با صدور قوانین، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی روبرو می‌شوند که با منطق فعالیت آنها ناسازگار است و کسب و کار آنها را مختل می‌کند. در این موارد تصمیمات یک شبه، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی را برای فعالان اقتصادی دشوار می‌سازد.

برای حل چنین مشکلی در کشورهای توسعه یافته از طریق (Regulation Impact Assessment) مقررات پیش از تصویب و نهایی شدن آنها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. طراحی و تأسیس چنین نهاد واسطی در نظام تصمیم‌سازی، یکی از مهمترین لوازم راهبرد بهبود محیط کسب و کار کشور است.

۲. ایجاد فضای علمی- رسانه‌های برای انتقال مستمر مشکلات به تصمیم‌گیران

در خصوص ارتباط میان تصمیم‌گیرندگان و فعالان اقتصادی در حال حاضر دو مشکل عمده وجود دارد که مانع از اثر بخشی این ارتباط است:

الف) مشکلات صاحبان کسب و کار دست‌بندی نمی‌شود و با راه‌حل‌های مشخصی که منافع اجتماعی را تأمین کند همراه نیست. تلقی تصمیم‌گیران از برقراری ارتباط با بخش خصوصی، شنیدن گاه و بیگاه درد و دل‌های دست‌اندرکاران این بخش است که هر از چند گاهی سر باز می‌کند. آنچه بدان نیاز داریم، برقراری ارتباطی سازنده، همراه با طبقه‌بندی مشکلات بر اساس منطقی علمی و راه‌حلی است که دست کم تا حدودی مشخص شده باشند، از تباطی که نه تنها منافع صاحبان کسب و کار را تأمین کند بلکه منافع سایر بخشهای اقتصاد را نیز برآورده سازد.

ب) مشکلات معمولاً در قالب نامه‌های محرمانه و نیمه محرمانه مطرح می‌شوند و یا در قالب مقالات و مصاحبه‌های موردی در رسانه‌ها ظاهر می‌گردند، اما هیچگاه تبدیل به مسائل‌های اجتماعی و مطالب‌های عمومی نمی‌شوند و از این روی، مهمترین مسایل کشور مجال طرح و بررسی پیدا نمی‌کنند.

لذا لازم است نهاد واسطی ایجاد شود که محتوای کارشناسی شده مشکلات را مهیا کند و در رابطه‌ای تنگاتنگ با رسانه‌ها آن را به مطالب‌های عمومی تبدیل نماید.

د) تهیه برنامه بهبود محیط کسب و کار توسط بخش خصوصی

تشکل‌ها (اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و اصناف) خود از بازیگران اصلی اقتصاد هستند و می‌توانند در بهبود محیط کسب و کار نقشی اصلی را ایفا کنند. آنها باید مشکلات خود را دسته بندی نموده و برای بهبود محیط کسب و کار برنامه‌های مشخص داشته باشند و از دولت خواهان اجرای برنامه بهبود شوند. البته در این میان، داشتن گوش شنوا در بخش دولتی و استقبال از بخش خصوصی شرطی لازم است.

ه) استقلال تشکل‌های صنفی مانند اتاق صنایع، معادن و بازرگانی از دولت

اگر بخواهیم بخش خصوصی نقشی مؤثر در بهبود محیط کسب و کار و ایجاد فضای مساعد کارآفرینی بازی نماید باید استقلال آن تأمین شود. به عبارت دیگر تا زمانی که تشکل‌های صنفی نماینده و بلندگوی اعضای خود نباشند نمی‌توانند به رسالت خود به عنوان یک اصلاح‌گر عمل نمایند و موضعی قاطع در مقابل اشتباهات دولت و مجلس و نظام قضایی اتخاذ نمایند. حضور دولت در این تشکل‌ها آنها را سیاسی نموده و از کارکرد اصلی خود دور می‌سازد. لذا لازم است اساسنامه این تشکل‌ها در جهت استقلال آنها اصلاح گردد.

و) رفع تبعیض میان بخش خصوصی و بخش دولتی

در گذار از یک اقتصاد دولت-محور به یک اقتصاد مردم-مبنا که شامل بخش‌های خصوصی و تعاونی است به طور طبیعی بخش خصوصی در موارد زیادی تبدیل به رقیب بخش دولتی می‌شود. در فرآیند این رقابت، نه تنها عملکرد کل صنعت ارتقا می‌یابد بلکه رقیب دولتی هم کارآمدتر می‌شود. اما گاهی مشاهده می‌شود که سازمان‌ها و نهادهایی که نقش تنظیم‌کننده بازار را ایفا می‌کنند (نظیر بانک مرکزی، سازمان تنظیم مقررات، سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده، مؤسسه استاندارد، سازمان بنادر و کشتیرانی، سازمان هواپیمایی کشوری) به تسخیر رقبای دولتی در می‌آیند و در عمل جانب شرکت‌های دولتی را نگه می‌دارند و رقیب خصوصی را از میدان به در می‌کنند.

همچنین در مواردی که متقاضی اصلی خدمات و محصولات بخش خصوصی سازمان‌ها و نهادهای دولتی هستند احتمال تبعیض و جانبداری به نفع رقبای دولتی و عمومی افزایش می‌یابد و این می‌تواند بخش خصوصی را تا مرز اضمحلال پیش ببرد.

یکی از رموز موفقیت گذار سالم به اقتصاد بازار-محور تقویت نهادهای تنظیم مقررات مستقل و غیرجانبدارانه است و باید دولت در اولین فرصت نسبت به رفع چنین تبعیض‌هایی اقدام نماید.

ز) وفاداری دولت به تعهدات خود

وفاداری دولت به تعهداتش پیمان سنگینی است که قانون اساسی ما با سوگند رئیس جمهور بر گردن دولت نهاده است. طراحی ساز و کارهایی شفاف جهت اطلاع رسانی به عموم مردم درباره تعهدات دولت و پاسخگو بودن دولت در خصوص آنها از اولویت‌های ضروری است و باید در دستور کار دولت قرار بگیرد.

ح) انضباط مالی در بودجه‌های دولت و به ویژه بودجه‌های عمرانی دولت

بی‌نظمی مالی، رفتار دولت را غیر قابل پیش‌بینی می‌سازد. این بی‌نظمی موجب عدم ایفای تعهدات دولت به بخش خصوصی می‌شود. هر ساله به طور متوسط ۷۵ درصد بودجه عمرانی تخصیص می‌یابد. به همین دلیل دولت نمی‌تواند مطالبات بخش خصوصی را به موقع ادا نماید. تنظیم دقیق بودجه‌های سالانه می‌تواند در کاستن دامنه این مشکل بسیار مؤثر باشد. به طور کلی، آنچه مورد مطالبه بخش خصوصی و فعالان اقتصادی است قابلیت پیش‌بینی رفتارها و تصمیمات دولت است. لذا پایبندی به مجموعه‌ای از اصول در مورد بودجه، انتشار پول، تنظیم نرخ ارز و تعرفه‌های تجاری جهت تثبیت محیط اقتصاد کلان لازم است.

ط) حمایت از پیوند شرکت‌های بزرگ و کوچک

از همه فعالیت‌های مولد شرکت‌های کوچک و بزرگ باید حمایت کرد. برای دستیابی به توسعه نیازمند مردمی مولد و تولیدکننده هستیم. توجه به پیوند شرکت‌های کوچک و بزرگ از چند جهت حایز اهمیت است. شرکت‌های کوچک می‌توانند خدمات و کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز شرکت‌های بزرگ را با هزینه‌ای به مراتب کمتر از خود آنها تأمین نمایند. به این ترتیب نه تنها رقابت پذیری شرکت‌های بزرگ را افزایش می‌دهند بلکه برای مردم و بالخصوص جوانان فرصت‌های شغلی‌ای را ایجاد می‌کنند که در غیر این صورت میسر نمی‌شد. در مقابل این خدمات شرکت‌های کوچک می‌توانند از مزیت‌های شرکت‌های بزرگ مانند تحقیق و توسعه و توان رقابت با شرکت‌های بزرگ دیگر بهره‌مند شوند و ضمن حفظ کیفیت از بازار حذف نشوند.

با وجود منافع سرشار این همکاری متقابل مشاهده می‌شود که در بسیاری از موارد روابط نابرابری بین آنها برقرار است و بالخصوص زمانی که شرکت‌های بزرگ به متقاضی انحصاری محصولات شرکت‌های کوچک تبدیل می‌شوند عملاً قدرت چانه زنی از آنها سلب می‌شود. لذا وجود نظارت و دادگاه‌های تخصصی یا شوراهای حل اختلاف برای بهره‌مند شدن از منافع این پیوند ضرورت دارد و باید دولت با تدوین لوایح در جهت فراهم نمودن زمینه تأسیس نهادهای لازم تلاش کند.

ی) استفاده از دولت الکترونیک برای روان سازی نظام اداری

هزینه انجام امور اداری از قبیل اخذ وام از بانک‌ها، ترخیص کالا از گمرک، اخذ مفاصا حساب از سازمان تأمین اجتماعی، اخذ مجوز از نظام اداری برای تأسیس فعالیت‌های مختلف و نظایر آن بسیار سنگین و

زمان بر است. مطالعات نشان می‌دهد هزینه‌های اداری سهم قابل توجهی را در هزینه بنگاه‌ها دارند. به طور مثال هزینه اداری برای اخذ وام‌های کوچک (۵ میلیون تومان و کمتر) بیش از ۵ درصد مبلغ وام است. دولت می‌تواند با اجرای دولت الکترونیک حداقل بخش مهمی از موانع نظام اداری را برطرف سازد.

برنامه اصلاح نظام بودجه‌ریزی و مدیریت مخارج بخش عمومی

در تمامی دولت‌ها بودجه تأثیر بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد کشور دارد. هرگونه بی‌نظمی و اتلاف منابع در بخش عمومی به انحراف منابع در کل اقتصاد منجر می‌شود.

بسیاری از عیوب نظام بودجه‌ریزی ایران از اواسط دهه ۶۰ در سازمان برنامه و بودجه وقت مورد بحث قرار گرفت و کمیته‌ای ویژه برای اصلاح نظام بودجه‌ریزی تشکیل گردید که متأسفانه نتایج آن مورد بهره‌برداری قرار نگرفت. در سال‌های اخیر نیز مطالعات گسترده‌ای در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز پژوهش‌های مجلس صورت گرفته و پیشنهادات مشخصی برای اصلاح نظام بودجه‌ریزی و بهبود مدیریت هزینه عمومی تدوین شده است. با وجود این، نه تنها وضعیت نظام بودجه‌ریزی در این سال‌ها بهبود نیافته بلکه بر معایب آن افزوده شده است. علت ناکامی در این امر این است که اصلاح نظام بودجه‌ریزی پدیده‌ای فنی، اداری، سیاسی و اقتصادی و دارای ابعاد مختلف و بسیار پیچیده و سخت است. اصلاح نظام بودجه‌ریزی معادل همان اصلاح نظام مدیریت بخش عمومی کشور است، زیرا بودجه سند مالی و عملیاتی است که رفتار دولت و شیوه مدیریت آن را منعکس می‌سازد و اصلاح نظام بودجه‌ریزی به معنای اصلاح مدیریت بخش عمومی است.

نمونه‌های زیر ضرورت اصلاح نظام بودجه‌ریزی و دشواری‌های آن را نشان می‌دهد:

۱- بودجه سرمایه‌ای (طرح‌های عمرانی) شرکت‌های دولتی

در بخش نفت، حجم عظیمی از گازهای مشترک توسط کشورهای همسایه استخراج می‌شود. برآوردها نشان می‌دهد زیان حاصل از عدم اجرای طرح‌های عسلویه حداقل ۱۳ میلیارد یورو در سال است. علاوه بر این، روزانه ۴۴ میلیون متر مکعب در کشور، گازهای همراه و میعانات گازی سوزانده می‌شود که به معنای از دست رفتن ۵ میلیون دلار ثروت در روز و تخریب شدید محیط زیست است. در پالایشگاه‌های کشور روزانه حدود ۲۰ درصد نفت کوره بیش از حد نصاب جهانی تولید می‌شود. با توجه به مصرف روزانه یک میلیون و هفت صد هزار بشکه نفت خام در پالایشگاه‌های کشور، این میزان از تولید نفت کوره به معنای از دست رفتن ثروتی معادل ۳۰۰ هزار بشکه نفت خام در روز است. در بخش نیرو نیز اتلاف منابع گسترده‌ای وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد اتلاف برق در شبکه انتقال و توزیع ۱۶ درصد بیشتر و راندمان

نیروگاه‌های برق حداقل ۱۵ درصد کمتر از استانداردهای جهانی است. در شبکه آب شهری نیز ۳۰ تا ۴۰ درصد آب به هدر می‌رود.

بدون اغراق جلوگیری از اتلاف این ثروت عظیم زندگی مردم ایران را دگرگون می‌سازد. با این حال، از این اتلاف عظیم منابع سخنی به میان نمی‌آید و راهکاری برای حل آن اندیشیده نمی‌شود.

عدم اولویت‌بندی در نظام بودجه‌ریزی شرکت‌های دولتی از عوامل بسیار مهم اتلاف منابع در کشور است. هر ساله مبالغ هنگفتی صرف سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دولتی می‌شود اما فقدان سازوکار مناسب برای اولویت‌بندی و اجرای بودجه شرکت‌های دولتی موجب تخصیص نادرست منابع می‌شود. هیچ نهادی بر اولویت‌بندی و اجرای بودجه سرمایه‌ای شرکت‌های دولتی نظارت نمی‌کند و شرکت‌های دولتی و وزیر مربوط رأساً به تخصیص منابع در طرح‌های سرمایه‌ای مبادرت می‌نمایند.

مقایسه وضعیت مذکور با بودجه طرح‌های عمرانی وزارتخانه‌ها این مشکل را بهتر نمایان می‌کند. هر چند به دلیل فشارهای سیاسی و اعمال نفوذ مدیریت ارشد و ضعف نظام کارشناسی، اولویت‌بندی مناسبی در طرح‌های عمرانی صورت نمی‌گیرد، اما به هر حال دستگاه اجرایی طرح‌های خود را به مجلس و سازمان مدیریت ارائه می‌دهد و به نحوی آنها را توجیه می‌کند. اما سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی فاقد سازوکار است. این که نیروگاه تازه‌ای ساخته شود یا با استفاده از روش‌های بهینه‌سازی انرژی از اتلاف منابع جلوگیری شود، مسئله‌ای است که به وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه آن مربوط می‌شود!! و چون در ساخت نیروگاه جدید حلاوتی است که در صرفه جویی نیست، مسئله اتلاف منابع در نیروگاه‌ها و شبکه انتقال و توزیع اصلاً به مسئله‌ای عمومی تبدیل نمی‌شود (اتلاف منابع در ایران منحصر به چراغ اضافی یا شیر آب خانه‌هاست!!!!). در مورد مخازن مشترک و جلوگیری از اتلاف منابع در پالایشگاه‌ها و همچنین گازها و میعانات همراه نیز کم و بیش با این مسئله روبرو هستیم.

هر چند عدم اولویت‌بندی تنها مشکل موجود نیست، اما تأثیر مستقیم و مؤثر دارد. در سال ۱۳۸۸ کل اعتبار عمرانی وزارتخانه‌ها حدود ۲۶ هزار میلیارد تومان و بودجه سرمایه‌ای شرکت‌های دولتی ۶۱۵ هزار میلیارد تومان (بیش از ۶۰ میلیارد دلار) است. این بودجه هنگفت توسط هیچ نهاد بیرونی، اولویت‌بندی و نظارت نمی‌شود. تدوین یک قانون برای چگونگی شروع و ساخت و بهره‌برداری از طرح‌های بزرگ شرکت‌های دولتی و همچنین ایجاد بانک اطلاعاتی در مورد آنها اقدامی ضروری برای جلوگیری از اتلاف منابع و اصلاح نظام بودجه‌ریزی است.

۲- ردیف‌های متفرقه

سالانه به‌طور میانگین حدود یک سوم از اعتبارات بودجه عمرانی بدون برنامه و بدون مشخص بودن دستگاه مجری هزینه می‌شود. این اعتبارات تحت عنوان ردیف‌های متفرقه عمرانی در بودجه آورده می‌شوند و مصداق کامل بی‌برنامگی در استفاده از منابع عمومی است. این دسته از طرح‌های عمرانی نه دستگاه اجرایی مشخصی دارند، نه معلوم است که چه سالی شروع شده‌اند و کی خاتمه خواهند یافت و نه حجم منابع مورد نیاز برای خاتمه آنها معلوم است. در نتیجه تعریف شاخص‌های ارزیابی و نظارت برای آنها بسیار سخت‌تر از سایر ردیف‌های اعتباری است.

ردیف‌های متفرقه جاری نیز وضع اسفناکی دارند. به انبوهی از اشخاص حقوقی که در هیچ قانونی به رسمیت شناخته نشده‌اند، بودجه داده می‌شود بی‌آنکه معلوم باشد در مسیر انجام کدامیک از وظایف دولت گام بر می‌دارند. طبق لایحه بودجه ۱۳۸۸، بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان بین ۵۶ عنوان توزیع شده است که کارکرد برخی از آنها روشن نیست. از میان برداشتن این ردیف‌ها با مقاومت شدید این اشخاص و حامیان آنها روبرو خواهد شد. اما جلوگیری از اتلاف منابع عمومی نیازمند ساماندهی به ردیف‌های متفرقه است.

۳- دارایی‌های دولت

گسترش ساختمان‌های دولتی و حکومتی یکی از مصادیق بارز اتلاف منابع در کشور است. دولت هزینه‌های سنگینی صرف تأسیس و نگهداری این ساختمان‌ها می‌کند. جالب توجه این است که هیچ اطلاعاتی در مورد تعداد و مساحت این ساختمان‌ها در دست نیست و دولت نمی‌داند سالانه چقدر باید برای تعمیر و نگهداری این ساختمان‌ها هزینه کند. شرکت‌های دولتی یکی از عوامل اثر گسترش ساختمان‌های دولتی‌اند. این شرکت‌ها برای احداث ساختمان‌های جدید نیاز به هیچ مجوزی ندارند و جالب‌تر این که احداث این ساختمان‌ها از محل طرح‌های عمرانی صورت می‌گیرد و به عنوان عملکرد مثبت شرکت‌های دولتی معرفی می‌شود. در برخی از کشورها، دولت در هنگام تهیه بودجه تراز دارایی‌های خود را ارائه می‌دهد که یکی از اقلام آن ساختمان‌های دولتی است. اگر تهیه تراز دارایی‌ها در ایران در حال حاضر ممکن نباشد، شناسایی اقلامی مانند ساختمان‌های دولتی و هزینه‌های نگهداری از آنها برای جلوگیری از اتلاف منابع در ایران ضروری است. مدیریت هزینه‌های عمومی نیازمند حرکت به سوی تهیه تراز دارایی‌های دولت در ایران است.

۴- درآمدهایی که به خزانه واریز نمی‌شود

نمایندگان مجلس در سه سال گذشته علیه واردات بنزین توسط دولت و بدون اخذ مجوز لازم از مجلس بارها اعتراض کردند. مسئله‌ای که کمتر مورد بحث قرار گرفته است نحوه تأمین منابع مالی برای این واردات چند میلیارد دلاری است. شرکت ملی نفت، منابع عظیمی در اختیار دارد که خزانه‌داری از آن مطلع نیست و زیر نظر مستقیم وزیر نفت و رئیس جمهور هزینه می‌شود. درآمدهای شرکت ملی نفت از صادرات نفت کوره از این قبیل است. روزانه یک میلیون و هفتصد هزار بشکه در پالایشگاه‌های کشور مصرف می‌شود که حدود ۳۵ درصد آن نفت کوره است. بخش اعظم این نفت کوره صادر و به عنوان درآمد شرکت ملی نفت منظور می‌شود. قیمت نفت کوره حدود ۸۰ درصد قیمت نفت خام است. تمام این درآمد به خزانه واریز نمی‌شود و در حساب دیگری نگهداری می‌گردد.

اصلاح نظام بودجه‌ریزی نیازمند شفاف شدن محدوده درآمدهای عمومی است. همه شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت باید درآمدهای خود را اعلام کنند. شرکت‌های دولتی در برابر این شفافیت مقاومت می‌کنند و این مقاومت یکی از موانع اصلاح نظام بودجه‌ریزی است.

۵- طرح‌های عمرانی در بودجه عمومی دولت

طرح‌های عمرانی نیمه تمام، قصه پر غصه اقتصاد ایران است. برآورد می‌شود سرمایه راکد در طرح‌های عمرانی به ۴۹۷ هزار میلیارد ریال می‌رسد. در طول دوره ۸۷-۱۳۷۶ به طور متوسط بودجه تخصیص یافته تنها ۷۴ درصد از اعتبارات مصوب مجلس است که بیانگر بی‌نظمی مالی در بودجه کشور است. در طول سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۷، حدود ۱۳۱۲ طرح ملی از برنامه زمان‌بندی عقب افتاده‌اند که این عدم پایبندی به برنامه‌های زمانی در طول این سال‌ها حدود ۷۹۷۳۵ میلیارد ریال به هزینه‌های دولت اضافه کرده است. این میزان هزینه، معادل کل اعتبارات عمرانی سال مالی ۱۳۸۴ و ۴۳ درصد از اعتبارات سال مالی ۱۳۸۷ است. براساس گزارش‌های نظارتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی منحل شده، علت تأخیر طرح‌های عمرانی به دو عامل اعتباری و فنی - اجرایی برمی‌گردد. سهم عامل اعتباری یعنی عدم تخصیص به موقع بودجه ۶۴ درصد و سهم عوامل فنی - اجرایی ۳۶ درصد است.

اولویت بندی طرح‌های عمرانی اقدامی ضروری برای جلوگیری از اتلاف منابع عمومی است. تعهد اخلاقی رییس جمهور، وزرا و نمایندگان مجلس تأثیر مستقیم و فوق العاده‌ای در جلوگیری از اتلاف منابع عمومی دارد.

۶- طرح‌های عمرانی در بودجه عمومی دولت

در حال حاضر حجم آب‌های ذخیره شده در پشت سدهای مخزنی کشور ۳/۵ میلیارد متر مکعب است در حالیکه شبکه آبیاری تنها برای ۷۰۰ میلیون مترمکعب ساخته شده است. بدین ترتیب تنها قادر به استفاده از یک پنجم از ظرفیت سدهای مخزنی هستیم. به عبارت دیگر، چهار پنجم ظرفیت این سدها بلااستفاده مانده است. تأسفانگیزتر این که ۱۲۰ سد مخزنی دیگر در حال اجراست که ۲۲ میلیارد مترمکعب آب در خود ذخیره خواهند کرد. سدهای مخزنی تنها برای آبیاری اراضی کشاورزی مقرون به صرفه هستند و استفاده از آنها برای تولید برق به هیچ وجه اقتصادی نیست. طول عمر این سدها در حدود ۵۰ سال تخمین زده می‌شود و عدم ساخت شبکه آبیاری به معنای از بین رفتن بخشی از سرمایه‌های این کشور است. سد کرخه بهترین و تأسف‌بارترین نمونه سد مخزنی است که حجم عظیمی از منابع آبی را در خود جای داده است و مقرر بود دشت خوزستان و ایلام را آبیاری کند اما متأسفانه هنوز این اقدام صورت نگرفته است.

عدم هماهنگی میان وزارتخانه از عوامل اصلی اتلاف منابع در کشور است. بدون این هماهنگی نمی‌توان از سرمایه‌های ملی بهره گرفت. به طور کلی طراحی نهاد مناسب برای هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی از اقدامات اساسی در جهت مدیریت بهینه هزینه‌های عمومی است.

متأسفانه بر این سیاهه دلخراش می‌توان موارد دیگری افزود. نمونه‌های بی‌انضباطی‌های فوق در شاخص‌های کلی بودجه‌ریزی به خوبی انعکاس می‌یابد به طور مثال:

بودجه عمومی کشور در طی یک دهه (۱۳۸۸ - ۱۳۷۷) بیش از ۱۰ برابر شده است. نرخ رشد بودجه بیش از نرخ تورم و سایر شاخص‌های اقتصادی مانند نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بوده است. بدین ترتیب دولت برای تحقق اهداف جامعه، منابع بیشتری هزینه کرده است، اما تغییر محسوسی در میزان و کیفیت خدمت دولت به شهروندان مشاهده نمی‌شود.

نسبت کسری بودجه غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی از ۱۲/۱ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۲۴/۹ در سال ۱۳۸۷ رسیده است. ناپایداری منابع عمومی و عدم امکان تداوم وضعیت کنونی به خوبی در این شاخص آشکار است.

میزان استفاده از درآمدهای نفتی طی بودجه‌های سنواتی از حدود ۱۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۷۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۷ رسیده است.

اصول حاکم بر اصلاح نظام بودجه‌ریزی

- اصلاح نظام یافته بودجه‌ریزی ضرورت عاجل کشور و یکی از برنامه‌های اصلی دولت امید است. رعایت اصول زیر برای اصلاح نظام بودجه‌ریزی اجتناب‌ناپذیر است:

- اعتقاد به این امر که اصلاح نظام بودجه‌ریزی از شروط توسعه در ایران است. توسعه و حل مشکلات اقتصادی بدون انضباط مالی در کشور ناممکن است. تأکید بر کوچک‌سازی دولت نباید موجب غفلت از ضرورت دولت منضبط، قانون‌گرا و برنامه‌پذیر شود. اقتصاد مردمی بر دوش دولتی توسعه‌گرا (منضبط، قانون‌گرا و برنامه‌پذیر) بنا می‌شود.

- اصلاح بودجه‌ریزی امری اجتماعی و سیاسی بوده و ائتلاف منابع عمومی و مقابله با آن باید به مسئله‌ای عمومی تبدیل شود. گروه‌های ذی‌نفعی که از وضعیت موجود منتفع می‌شوند در برابر اصلاح نظام بودجه‌ریزی مقاومت خواهند کرد. بدون پشتوانهٔ مردم و مسئولان و مدیران دلسوز کشور نمی‌توان با گروه‌های ذینفع مقابله و از ائتلاف منابع جلوگیری کرد.

- توجه به اینکه اصلاح نظام بودجه‌ریزی کاری کاملاً فنی است، تقویت نظام کارشناسی برای ایجاد نظام بودجه‌ای و جلوگیری از ائتلاف منابع اجتناب‌ناپذیر است.

- اصلاح نظام بودجه‌ریزی امری زمان‌بر، تدریجی و مستمر است. نمی‌توان در یک دوره چهار ساله همه مشکلات را حل کرد اما می‌توان گام‌های مؤثری برداشت و تغییر ملموس در زندگی مردم ایجاد کرد. طرح اصلاح نظام بودجه‌ریزی که به معنای استفاده کارآمدتر از منابع عمومی است باید به طور مستمر ادامه یابد.

اهداف اصلاح نظام بودجه‌ریزی:

- ایجاد بخش عمومی مولد، کارا و مؤثر؛

- یفای مسئولیت دولت در ایجاد رشد، ثبات و بازتوزیع درآمدها؛

- رائه بودجه‌های سالیانه به گونه‌ای شفاف و جامع و بدون کسری به گونه‌ای که تمام منابع و مصارف بخش عمومی در کشور را شامل شود؛

- راهم‌کردن امکان دسترسی عموم مردم به عملکرد سازمان‌های اداری و مدیریتی کشور.

برنامه‌ها و مسیرهای اصلاح

۱- شفاف‌کردن محدوده وظایف و مسئولیت‌های دستگاه‌های دولتی و محدوده وظایف بخش عمومی در کشور

وضع کنونی :

- رخی دستگاه‌های اجرایی حتی در سطح وزارتخانه‌ها هنوز قانون تأسیس یا اساسنامه‌ای که مبنای تشکیل آن باشد ندارند (اگر چه در قوانین و مقررات مختلف وظایف متعددی برای آنها پیش‌بینی شده است)!!! براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، وزارت امور خارجه، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت کشور از جمله دستگاه‌هایی هستند که فاقد قانون تأسیس‌اند. این مسئله به گسترش غیرضروری و سلیقه‌ای فعالیت‌های دولت منجر شده است.

- ناوینی مانند سازمان، مرکز، صندوق، بنگاه، بنیاد، ستاد، شرکت، شورا، دفتر، دبیرخانه که در نظام مالی و اداری مالی ایران فراوانند و فعالیت آنها هزینه زیادی برای مردم در بر دارد در قوانین و مقررات فاقد هرگونه تعریف قانونی‌اند!!!

- راجع تصویب‌کننده اساسنامه‌ها در کشور متعندند، از جمله کمیسیون‌های مجلس،

هیأت وزیران، کمیسیون‌های خاص هیأت وزیران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی اداری، شورای گسترش آموزش عالی و؛

•
جود سازمان‌های مشابه و موازی، متداخل و مضاعف در زمینه‌های حاکمیتی موجب افزایش هزینه‌ها و تضییع منابع شده است و در حال حاضر برای انجام بسیاری از وظایف دولت سازمان‌های موازی و متعددی وجود دارد.

مسیرهای اصلاح:

•
واین مربوط به شرح وظایف وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی (با همکاری مجلس شورای اسلامی) اصلاح خواهند شد به گونه‌ای که در پایان عمر کاری دولت دهم تمام وزارتخانه‌ها دارای اساسنامه یا قانون تأسیس مدون باشند و تداخل وظایف در میان دستگاه‌های اجرایی وابسته به وزارتخانه‌ها به حداقل ممکن کاهش یابد.

۲- تغییر نقش نفت از موتور توسعه دولت به موتور رشد و توسعه کشور

بسیاری از نابسامانی‌های فوق ریشه در درآمدهای نفتی دارد. برای اصلاح نظام‌مند مدیریت هزینه‌های عمومی باید رویکرد دولت به نفت تغییر یابد.

وضعیت کنونی:

•
ر چهار دهه اخیر با افزایش سهم منابع حاصل از نفت در درآمدهای دولت و با اکتفا به این منابع، دولت حضور خود را در جامعه گسترش داده و فراتر از ظرفیت و توان واقعی خود و مصالح بلندمدت کشور در جامعه و اقتصاد دخالت کرده است. دامنه استفاده از درآمدهای نفتی در چند سال اخیر به حدی افزایش یافته است که امنیت ملی کشور را تهدید می‌کند.

•
ر کشورهایی که منابع طبیعی مانند نفت ندارند میزان سرمایه‌گذاری به میزان پس‌انداز ملی وابسته است و میزان سرمایه‌گذاری همراه با رشد بهره‌وری تعیین‌کننده میزان رشد اقتصادی است. در کشور ما منابع حاصل از نفت موقعیت ممتازی را برای دستیابی به رشد اقتصادی و بهبود رفاه مردم فراهم کرده است اما دولت‌ها به جای آنکه از این منبع برای دستیابی به رشد و بهبود رفاه مردم استفاده کنند آن را در خدمت گسترش طرح‌های نادرست خود و پوشش دادن به ناکارآمدی در نحوه مدیریت خود به کار گرفته‌اند.

مسیرهای اصلاح:

•
صلاح قانون نفت و تهیه و تصویب اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه به گونه‌ای که شرایط اجرای کامل و دقیق اصل (۴۵) قانون اساسی مبنی بر مالکیت مردم بر منابع نفتی را فراهم سازد. در این مسیر، وظایف حاکمیتی نیز از شرکت ملی نفت سلب می‌گردد.

•
هار هزینه‌های دولت و کاهش سهم استفاده از منابع حاصل از نفت در منابع عمومی دولت سالانه به میزان سه درصد نسبت میانگین عملکرد چهار سال اخیر.

۳- به کارگیری شیوه‌های نوین بودجه‌ریزی از قبیل بودجه‌ریزی عملیاتی

وضعیت کنونی:

•
کل و ساختار کنونی بودجه کشور ابزار مناسبی برای سیاست‌گذاری نیست. تمام تلاش نظام اداری کسب منابع بیشتر برای هزینه‌کردن است بدون آنکه معلوم شود نظام اداری وظایف قانونی را با چه کیفیت و چه قیمتی به مردم عرضه می‌کند. همچنین به هنگام تهیه و تصویب و اجرای بودجه، در عمل توجهی به ویژگی‌های کلان بودجه و آثار اقتصادی و اجتماعی آن نمی‌شود و بودجه‌های سالیانه دربرگیرنده همه منابع و مصارف عمومی کشور نیز نیست.

•

اسازگاری بین برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سنواتی، حاکمیت منافع دستگاهی، خلق درآمدهای صوری برای جبران هزینه‌ها و ایجاد توازن صوری بودجه و نیز صرف بودجه برای پاسخگویی به مطالبات افراد و گروه‌های خاص، بیش برآوردی درآمدها و کم‌برآوردی هزینه‌ها، تصمیمات ضمن اجرای بودجه و ... که موجب شده است در عمل پیش‌بینی‌های بودجه‌ای با عملکرد آن تفاوت فاحش داشته باشد و بودجه نتواند به یکی از عمده‌ترین وظایف خود که برقراری انضباط مالی در کشور است عمل نماید.

•

قتدار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به دلیل ملاحظات سیاسی و غیرکارشناسی برخی افراد و نهادها در طول زمان تضعیف شد و به همین دلیل منطق چانه‌زنی در بودجه در طول چند دهه اخیر به منطق مسلط در تخصیص منابع عمومی تبدیل گردید. انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیز این مشکل را تشدید کرده است.

•

عیارهای مشخصی برای تفکیک فعالیت‌های ملی و استانی وجود ندارد و این امر به همراه نبودن سازوکار روشن و عادلانه برای تخصیص منابع به استان‌های کشور موجب تداوم تفاوت‌های تبعیض‌آمیز بین استان‌های کشور شده است. سفرهای استانی نه تنها به حل موضوع کمکی نکرده است بلکه از طریق تشدید تمرکز در تصمیم‌گیری (تصمیم‌گیری هیأت دولت به جای شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان در تخصیص منابع) ظرفیت‌های تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری در استان‌ها را کاهش می‌دهد.

مسیرهای اصلاح:

•

دوین و تصویب قانون جامعی برای بودجه‌ریزی در کشور به گونه‌ای که کارایی و شفافیت بودجه به ویژه در شرکت‌های دولتی تأمین گردد؛

•

مهید مقدمات لازم جهت استفاده از شیوه بودجه‌ریزی عملیاتی در بخش‌هایی از

وظایف دولت که نتایج عملکرد آنها قابل سنجش است و ایجاد و استفاده از استانداردهایی برای تخصیص منابع برای انجام سایر وظایف دولت؛

●
یجاد نهادهای لازم برای شناسایی اولویت‌های کشور در سطح شرکت‌های دولتی، ملی و منطقه‌ای و استانی و فراهم کردن ساز و کار لازم برای تخصیص منابع ملی به اولویت‌ها با هدف استفاده از همه ظرفیت‌های ملی و رفع تبعیض بین مناطق مختلف کشور.

اصلاح الگوی مصرف انرژی، افزایش توان صادرات انرژی و ایجاد اشتغال

۱- همه کارشناسان بخش انرژی اتفاق نظر دارند که **وضعیت فعلی مصرف انرژی در ایران بسیار نامطلوب** است. مقایسه میزان مصرف انرژی (حدود ۴.۲ میلیون بشکه معادل نفت خام در روز) با سایر شاخص‌های اقتصادی کشور این مسئله را بخوبی نشان می‌دهد. مهمترین شاخص برای مقایسه وضعیت مصرف انرژی در کشورهای مختلف، شاخص شدت انرژی است که بیانگر میزان کل انرژی مصرفی به ازای هر هزار دلار تولید ناخالص داخلی است.

جدول زیر این شاخص را در ایران و چند کشور در حال توسعه مورد مقایسه قرار داده است. همانگونه که ملاحظه میشود شاخص شدت انرژی ایران حدود سه برابر متوسط جهان بوده و حتی از اقتصادهای مشابه نیز بسیار بدتر است. این مسئله اهمیت و ضرورت سیاست‌های کنترل مصرف را بخوبی آشکار می‌نماید و یکی از معضلات جدی کشور محسوب می‌شود که رهبری هم در پیام سال نو، قویا بر اصلاح آن تاکید کرده‌اند.

شدت انرژی در کشورهای منتخب در سال ۲۰۰۶

کشور	شدت انرژی (تن معادل نفت خام به هزار دلار GDP به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰)
ترکیه	۰/۳۶
عربستان	۰/۶۱
پاکستان	۰/۸
امارات متحده عربی	۰/۴۱
مصر	۰/۴۹
میانگین	۰/۵۴
ایران (۱۳۸۶)	۱/۴۱

Source: KEY WORLD STATISTICS ENERGY, IEA ۲۰۰۸

۲- ارزش انرژی مصرفی کشور که در فوق به آن اشاره شد در قیمت‌های فعلی نفت (حدود ۵۰ دلار در بشکه) بیش از ۷۷ میلیارد دلار در سال است. ارزش مستقیم یک صرفه‌جویی ۲۰ درصدی که در یک برنامه ۲ تا سه ساله، قابل تحقق است، بیش از ۱۵ میلیارد دلار در سال خواهد بود و البته ظرفیت صرفه‌جویی بسیار بیشتر از اینها است.

کشورهای صنعتی غرب پس وقوع بحران‌ها یا شوک‌های اول و دوم نفتی در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸، با تاسیس آژانس بین‌المللی انرژی، سیاست‌های گسترده‌ای را برای جلوگیری از بحران‌های آتی بکار گرفتند که کنترل مصرف و مدیریت تقاضا در همه بخش‌های مصرف‌کننده انرژی، همواره در سرلوحه این سیاست‌ها قرار داشته و طی سی و چند سال گذشته نیز بدون وقفه ادامه یافته است. نتیجه این سیاست‌ها کنترل مصرف انرژی و تغییر مسیر شاخص شدت انرژی بوده بطوری که حتی در بعضی از سال‌های دهه ۱۹۸۰ رشد اقتصادی این کشورها با کاهش میزان مصرف انرژی همراه بوده است و اینک دستاوردها و تجربیات این کشورها در اختیار است.

۳- در ایران پروژه‌های فراوانی را در بخش‌های مختلف اقتصادی برای بهینه‌سازی مصرف انرژی می‌توان تعریف نمود که اغلب هزینه آنها از محل صرفه‌جویی حاصله به سرعت بازگشت سرمایه می‌شوند. این پروژه‌ها می‌تواند از اقدامات ساده‌ای همچون دوجداره کردن پنجره‌ها تا موارد پیچیده در صنایع و کارخانه‌ها را در برگیرد. برای این منظور ابتدا باید مصرف مورد نظر برای خانوار یا بنگاه مورد ممیزی انرژی قرار گیرد. از طریق ممیزی انرژی، وضعیت مصرف انرژی واحد برای سرد یا گرم کردن میزان مشخصی از فضا یا فراهم کردن امکان مقدار مشخصی از تولید یک کالا یا یک خدمت مشخص می‌گردد و این مقدار با متوسط جهانی و بهترین نمونه‌ها یا نمونه‌های امکان‌پذیر (در شرایط ایران) مقایسه می‌شود (Bench Marking) و تفاوت‌ها استخراج و تجزیه و تحلیل می‌گردند (Gap Analysis)، بدنبال مشخص شدن این تفاوت‌ها یک پروژه تعریف می‌شود که بر مبنای آن باید سرمایه‌گذاری و هزینه برای رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب انجام شود. بدیهی است که اجرای پروژه منوط به انجام مطالعات امکان‌سنجی اقتصادی است که بازگشت سرمایه حاصل از انرژی صرفه‌جویی شده را تضمین نماید.

در ایران پروژه‌های فراوانی از این طریق قابل تعریف کردن است که اغلب با وجود قیمت‌های پایین انرژی داخلی، اقتصادی نیستند اما با قیمت‌های منطقه‌ای کاملاً اقتصادی اند. چراکه دولت در حال حاضر برخی حامل‌های انرژی را وارد می‌کند و می‌تواند برخی دیگر را به هر میزان که صرفه‌جویی شود به قیمت‌های منطقه‌ای به راحتی صادر نماید. بنابراین کافی است که دولت بپذیرد و تضمین کند که انرژی آزاد شده حاصل از پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بهینه‌سازی انرژی را حداقل تا زمان بازگشت سرمایه و سود مناسب به قیمت‌های منطقه‌ای و یا حتی مقداری کمتر از آن خریداری خواهد نمود.

چندین مورد از این پروژه‌ها تاکنون در قالب طرح‌های تحقیقاتی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بعنوان نمونه در خود صنعت نفت بسیاری از ایستگاه‌های تقویت فشار که در مسیر خطوط لوله گاز قرار دارند و خودشان از گازی که عبور میدهند مصرف می‌کنند، از نظر مصرف سوخت مطابق استانداردهای جهانی نیستند. بررسی مقدماتی نشان میدهد که سرمایه‌گذاری در جهت تعویض توربین‌های این ایستگاه‌ها و استفاده از توربین‌های کارآتر از نظر مصرف انرژی، تنها از محل مقدار گاز قابل صرفه‌جویی و صادرات این گاز، در مدت قابل قبول و با نرخ بازگشت مطلوبی بازگشت سرمایه می‌شود. نمونه دیگر مطالعه‌ای است که در مورد صنعت آجر انجام شده است. این مطالعه نشان میدهد که در بخش سنتی و قدیمی تولید آجر کشور اگر سرمایه‌گذاری شود و

کارخانجات و سیستم‌های جدید تولید آجر جایگزین روش قدیمی شوند، کل این سرمایه‌گذاری تنها از محل صرفه‌جویی در میزان سوخت مصرفی به ازای تولید هر واحد آجر، در مدت مناسب و با نرخ بازگشت مطلوبی بازگشت سرمایه می‌شود و به عبارتی سرمایه‌گذاری اقتصادی و خوبی است. ضمن اینکه کاهش مصرف سوخت به نوبه خود میزان انتشار آلاینده‌های محیط زیست را کاهش می‌دهد و آجری که در فرآیند جدید تولید می‌شود، هنگامی که در ساختمان استفاده می‌شود وضعیت بهتری را از نظر عایق بودن و جلوگیری از انتقال حرارات و برودت داخلی ساختمان به بیرون، نسبت به آجرهای قدیمی دارد.

۴- با بهره‌گیری از تجربیات روشن کشورهای صنعتی باید شرکت‌های خدمات انرژی (ESCO)^۱ تأسیس گردند. تامین مالی پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی از طریق شرکت‌های خدمات انرژی، یکی از کارآترین روش‌ها به شمار می‌آید که از تجربه زیادی در کشورهای صنعتی برخوردار است. شرکت خدمات انرژی شرکتی است که پروژه‌های مرتبط با بهبود کارایی انرژی را طراحی، اجرا و تامین مالی می‌کند. شرکت‌های مذکور در سطح بین‌المللی بصورت تخصصی عمل می‌کنند و بسیار متنوع اند (بعنوان مثال بخش پالایش، صنایع فولاد، صنایع غذایی). ویژگی اصلی شرکت خدمات انرژی در مقایسه با شرکت مشاوره‌ای و پیمانکاران تجهیزات در عقد قراردادهای عملکردی است. **در قرارداد عملکردی، مجری، هزینه‌های اجرا را از محل منافع حاصل از اجرای پروژه (انرژی صرفه‌جویی یا ذخیره شده) دریافت می‌کند.** شرکت‌های خدمات انرژی می‌توانند در غالب این قراردادهای، علاوه بر نصب تجهیزات، نگهداری از تمام یا بخشی از تجهیزات جدید در طول عمر پروژه و حتی سال‌ها پس از اتمام پروژه را نیز عهده‌دار شوند. این نوع قرارداد برای صنایع یا شرکت‌ها مصرف‌کننده عمده انرژی که با محدودیت منابع مالی مواجهند و یا به دلایلی قصد افزایش تعهدات مالی خود را ندارند و یا تخصص و ریسک‌پذیری لازم را در زمینه انرژی ندارند، جذاب‌ترین شیوه اجرای پروژه‌های کارایی انرژی به‌شمار می‌آید.

۵- باید توجه داشت که تمامی پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی حتماً موجب کاهش آلاینده‌ها نیز می‌شوند و بر مبنای پروتکل زیست محیطی بین‌المللی کیوتو، امکان اینکه از طریق فروش (غیر مستقیم) این آلاینده‌های کاهش یافته، بتوان درآمدی علاوه بر ارزش انرژی صرفه‌جویی شده را کسب نمود نیز وجود دارد که این نیز بر جذابیت پروژه‌های مذکور می‌افزاید، ضمن اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به تعهدات انسانی خود، وظیفه به حداقل رساندن آلاینده‌های زیست محیطی را که اینک به یک تهدید جدی علیه جامعه بشری تبدیل گردیده است، نیز بر عهده دارد.

۶- نکته بسیار مهم و اساسی در شکل‌گیری این فعالیت بسیار سودده و مفید در ایران عمدتاً به دو عامل مربوط می‌شود:

^۱Energy Services Company

الف) در صنعت نفت از آنجا که بخش‌های این صنعت خود را صاحب سوخت‌های میان تقطیر یا گاز میدانند و طبیعتاً مصارف خود را در اولویت اول و بصورت رایگان برداشت می‌کنند عملاً انگیزه‌ای برای ورود به این موضوع ندارند، درحالی که بسیاری به اشتباه انجام این بهینه‌سازی را از وظایف صنعت نفت می‌دانند که انگیزه‌ای در این رابطه ندارد. در صنایع تبدیل انرژی در بخش برق نیز همین مشکل وجود دارد.

ب) در سایر بخش‌های صنعتی نیز قیمت پائین انرژی و امکان تحمیل احتمالی قیمت افزایش یافته حامل‌های انرژی به مصرف‌کنندگان به واسطه عدم حضور بخش Regulatory (تنظیم‌کننده سهم و استاندارد انرژی در حد محصول یا خدمت)، انگیزه‌ای را برای بهینه‌سازی به شرحی که ارائه شد، باقی نمی‌گذارد.

۷- همانگونه که دولت باید بسیاری از اصلاحات را از خود آغاز کند و الگوی جامعه و بخش خصوصی باشد، در مورد الگوی مصرف نیز باید دولت اصلاحات را از خود آغاز کند و پیشگام باشد. نمی‌شود سوخت و ضایعات در صنایع نفت بسیار بالا باشد و بازدهی تبدیل و انتقال انرژی نیروگاه‌ها و شبکه‌های انتقال انرژی پایین باشد و همه فشارها به مردم منتقل شود. البته اجرای پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف سوخت در نیروگاه‌ها قابل واگذاری به بخش خصوصی است. هرکس پیشنهادی دهد که منجر به کاهش مصرف انرژی می‌شود باید در منافع پیشنهادی، سهیم شود.

۷- اجرای وسیع پروژه‌های بهینه‌سازی و صرفه‌جویی مصرف انرژی، جنبه اشتغال‌زایی نیز دارند کلید خوردن این پروژه‌ها در سطحی گسترده، طبعاً اشتغال قابل توجهی را ایجاد می‌کنند و در شرایط فعلی کشور این از امتیازات مهم این اقدام است.

۸- اجرای وسیع پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی میزان مصرف انرژی برای همه نیازهای مصرفی و فعالیت‌های تولیدی را به شکل قابل توجهی کاهش می‌دهد. هزینه انرژی، حاصل ضرب میزان مصرف انرژی در قیمت آن است. با کاهش قابل توجه در میزان مصرف، توان تحمل قیمت‌های بالاتر انرژی فراهم می‌شود، بی‌آنکه حاصل ضرب تغییری بکند.

نگرانی مردم و خصوصاً اقشار ضعیف از بالابردن ناگهانی قیمت انواع سوخت یا حامل‌های انرژی قابل درک است و همه طرح‌هایی که چنین چیزی را خصوصاً در شرایط فعلی ساختار تولید و مصرف انرژی کشور مطرح می‌کنند، خواب مردم را آشفته می‌سازند. باید افزایش تدریجی قیمت‌های انرژی همراه با اجرای پروژه‌ها و طرح‌های مورد اشاره صورت گیرد و بدون آن کاری حساب شده نیست.

۹- این راه حل ضمن کنترل مصرف انرژی، منابع انرژی (نفت و گاز) هرچه بیشتری را برای صادرات آزاد می‌کند و آثار تورمی راه حل‌های قیمتی را نیز ندارد.

۱۰- امکان جذب همکاری‌های فنی و تخصصی و نیز سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این زمینه بخوبی وجود دارد. نهادهای مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی و نهادهای زیست‌محیطی بین‌المللی و نیازمندان نفت و گاز ایران، همه از این طرح‌ها حمایت می‌کنند.

۱۱- مشکل بهره‌وری در کشور به انرژی محدود نمی‌شود، اما آغاز کردن از جایی که بازگشت سرمایه، اشتغال‌زایی و منافع سریع و ملموسی برای کشور دارد مسلماً بهره‌وری در سایر زمینه‌ها را تشویق و ترویج خواهد نمود ارتقای بهره‌وری از مهمترین نیازهای اقتصادی کشور است و گسترش فرهنگ بهره‌وری از مزیت‌ها این طرح است.

برای تحقق این برنامه باید گام‌های اجرایی زیر برداشته شود

- الف- تقویت سازمان‌های موجود در زمینه بهره‌وری انرژی و ارتقاء جایگاه آنها در سطح دولت.
- ب- اقدام برای تدوین استانداردهای انرژی‌بری تجهیزات و فرآیندهای مصرف‌کننده انرژی.
- ج- موظف کردن دستگاه‌های دولتی به برنامه‌ریزی جهت دستیابی به استانداردهای کارایی انرژی.
- د- تمهید تأسیس شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای و ممیزی انرژی و شرکت‌های خدمات انرژی و تدوین سازوکار تشخیص و تأیید صلاحیت آن‌ها.
- ه- طراحی سازوکار اجرایی برای تضمین بازگرداندن منافع اجرای پروژه‌های صرفه‌جویی و بهینه‌سازی انرژی به شرکت‌هایی که در این زمینه سرمایه‌گذاری می‌کنند.

بیانیه اقوام و اقلیت ها

ایران، سرزمینی بزرگ با تنوع اقلیمی و اقوام گوناگون است. کشوری که در عین تنوع و رنگارنگی از پیوستگی و یکپارچگی برخوردار است. فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی محصول تعامل همه ایرانیان است و به ویژه سهم اقوام ایرانی با تمام گوناگونی هایشان در این فرهنگ سازی انکارناپذیر است. به رغم همزیستی مسالمت آمیز و تاریخی ایرانیان و وجود همبستگی اجتماعی متأسفانه در بخش هایی از کشور که محل استقرار اقوام است با مشکلات خاصی روبه رو هستیم.

از دیرباز اکثر مناطق دور دست و مرزی کشور به رغم برخورداری از منابع طبیعی سرشار و موقعیت ویژه جغرافیایی و بهره مندی از نعمت مرزهای آبی و خاکی، در رتبه های پایین توسعه و در معرض شکاف های اقتصادی و اجتماعی و محرومیت ها و محدودیت ها قرار داشته اند. با وجود تمامی آرمان های عدالت خواهانه انقلاب اسلامی این شکاف ها و تاخیر در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی، این مناطق هنوز نتوانسته اند در شأن جمهوری اسلامی ایران توسعه یابند.

مطالبات اقوام ایرانی از مطالبات تاریخی مردم ایران، یعنی استقلال، آزادی، برابری و پیشرفت در پرتو اسلام و معنویت جدا نیست ولی آنها علاوه بر عقب ماندگی های اقتصادی و توسعه ای، از برخی نابرابری ها نیزرنج می برند. این خواسته ها را می توان به طور خلاصه در سه دسته تقسیم بندی کرد: «توزیع عادلانه ثروت؛ امکان مشارکت در قدرت و مناصب مدیریتی کشور؛ منزلت برابر اجتماعی و فرهنگی.»

توجه به مطالبات بر حق اقوام که تمامی آنها در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملحوظ شده است، همبستگی، وحدت ملی و امنیت ملی را تقویت می کند. توجه معقول و برنامه ریزی شده به مسائل و مشکلات این مناطق همراه با پرهیز از دامن زدن به مطالبات دور از ذهن و برآوردن خواسته های اقوام در چارچوب قانون اساسی که ظرفیت های زیادی دارد در برنامه های آینده اینجانب گنجانده خواهد شد.

تصویری از موقعیت کنونی

۱- وجود بی عدالتی اقتصادی؛ برخوردار نبودن از منابع و فرصت های اقتصادی برابر نسبت به سایر مناطق کشور
۲- احساس تبعیض منزلتی؛ برخوردار نبودن از منزلت اجتماعی برابر با دیگر شهروندان، موضع گیری نامناسب در برخی از رسانه های جمعی از جمله برنامه های تلویزیونی، فیلم های سینمایی، مناسبات اجتماعی ۳- وجود تبعیض سیاسی؛ برخوردار نبودن از امتیازات برابر و مساوی با دیگر شهروندان در دسترسی به مناصب (مدیریتی) و اداره امور کشور به ویژه در مورد هموطنان سنی مذهب

۴- احساس تبعیض فرهنگی؛ تعلل در اجرای کامل برخی از اصول قانون اساسی نظیر اصل ۱۵ و ۱۲.

راهبردها و سیاست ها

- ۱- تامین مطالبات قانونی اقوام در چارچوب قانون اساسی (اصول ۱۲، ۱۵، ۴۸ و ۱۰۰)
 - ۲- باور به تنوع قومی در ایران و نگاه فرصت محور به اقوام ایرانی به عنوان یک پدیده خدادادی
 - ۳- تهیه و تصویب لایحه مربوط به توسعه وظایف شوراهای اسلامی شهر و روستا به نحوی که الگوی مطلوب مدیریت قومی در ایران را امکان پذیر گرداند
 - ۴- توسعه متوازن اقتصادی و اجتماعی در مناطق قومی و مرزی طی یک برنامه مشخص جهشی و مدت دار همراه با اولویت اجرای برنامه بازسازی و توسعه همه جانبه مناطق آسیب دیده از جنگ در غرب و جنوب کشور
 - ۵- طرح توسعه محور شرق کشور شامل استان های سیستان و بلوچستان و هرمزگان با استفاده از فرصت و نعمت مرزهای آبی و خاکی آن خطه
 - ۶- ضرورت تقویت اعتماد، مشارکت و رضایت میان حاکمیت و اقوام از طریق توزیع عادلانه ثروت، قدرت و منزلت
 - ۷- پرهیز جدی از تحریک و توهین فرهنگی، اجتماعی و مذهبی اقوام ایرانی
 - ۸- مشارکت اقوام و مذاهب در عرصه های تصمیم گیری ملی و ایجاد احساس خودی دانستن ایشان و باور به نقش موثر آنان در سطح ملی
 - ۹- حذف موانع گزینشی برای ورود به نهادها و سازمان های مختلف
 - ۱۰- ایجاد فرصت های آموزشی برابر همراه با حمایت های ویژه و جلوگیری از طرح هایی مانند بومی گزینی در دانشگاه ها
 - ۱۱- ارائه فرصت به شایستگان و تحصیلکردگان اهل سنت برای تصدی مشاغل اداری و مدیریتی در سطوح مختلف
 - ۱۲- دفاع از استقلال تعلیم و تربیت در مدارس دینی اهل سنت مطابق اصل ۱۲ قانون اساسی
- امید است توسعه اقتصادی و اجتماعی متوازن و پایدار ایران اسلامی در سایه شعار ایران پیشرفته با قانون، عدالت و آزادی با مشارکت همه اقوام ایرانی محقق شود.